

لا محبه

در راه خدا قبرش که در جفا بجز خمر و مشاب و خمر تا
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال دوم ، شماره ۱۵ بهمن و اسفند ۱۳۶۱
پها ۶۰ ریال

شماره بهمن و اسفند

یوم الله ۲۲ بهمن ، پنجمین سالگرد

پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر امامت و

امیدامت و امام و مستضعفان جهان گرامی باد .

سخن امام

راهنمای

مستضعفین

بقیه در صفحه ۲

و ۱۴ و ۵



نوشه گیری از پیام قیام گونه امام خمینی

در ۲۴ دی ماه

پیام مهم ۸ ماده ای

بسم الله الرحمن الرحيم

انه قرب مجيب و السلام على عباد الله الصالحين
باتوجه به عمق حرکتی که جهش آن در ۲۴ آذرماه بسا
پیام امام خمینی در سیر رشد انقلاب اسلامی ما تحقق
یافت و نیز عمق تاثیرات این حرکت بر آینده انقلاب لازم
بررسی هر چه بیشتر آن وجود دارد . همچنین لازم دارد که
با درک ویژگیهای این حرکت و با توشه گیری از پیام امام
خمینی توان خود را در استمرار و تعمیق آن بکار ببریم .
۱- زمینه های پیام امام :

الف : رشد انقلاب و نیاز به اسلام بعنوان راهنمای عمل ؛
از ویژگیهای بارز انقلاب اسلامی ، مکتبی بودن آن است .
این نیاز که اسلام راهنمای خط مشی و امور انقلاب قرار گیرد
از ابتدای انقلاب خواست شهدای به خون خفته و شهسادی
زنده و جان برکف ما در شعارها و تظا هرات خیابانسی
و در وصیتنامه ها و پیامهای رزمندگان جنبه ها بوده و هست
این نیاز بارها توسط رهبر انقلاب بیان و مزیندی شده است .
و در شعارهای اصیل استقلال ، آزادی ، حکومت
اسلامی ، نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی و دهها شعار
مکتبی دیگر در عمق فرهنگ انقلابی مردم ما به چشم میخورد .
نیروهای اصیل انقلاب اسلامی به شوق پیوستن به جامعه
عدل امام مهدی (عج) که تحقق کامل امت واحده است ، با
تمام موانع آن به مبارزه برخاسته اند . با سقوط نظام
سلطنت در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ ، امت ما قدمهای نخستین
را در این راه برداشت و سپس با شیوه های لیبرالیستی
و دموکراسی غربی در دولت موقت و ریاست جمهوری بنی صدره
روبرو شد .

جریانهای فوق بدلیل برداشتهای نارسانا و نادرست
از اسلام علاوه بر اینکه نمی توانستند پاسخگوی نیازهای
توحیدی نیروهای انقلابی در جامعه باشند با اعمال
روشهای غیر انقلابی بصورت زمینه و مرتعی برای استفاده
و حاکمیت مجدد دشمنان انقلاب درمی آمدند .
با بیداری و هوشیاری رهبر انقلاب و نیروهای اسلامی
جریانهای فوق بتدریج افشا و منسوزی شدند و نیروهای مکتبی
بقیه در صفحه ۴

سیری در مواضع امید امت و امام (۲)

مالکیت

در صفحه ۱۱

شیوه های غیر اسلامی

تجسس و غیبت

در صفحه ۵

سیری در روش شناخت امام خمینی

اسم الله

منطق حزب الله

منطق اسم الله ، اساس برخورد هدایتی (چشم خیرینی)

در صفحه ۶

چهار استان مولد و مبارز

در صفحه ۱۷

گرامی باد

سالگرد شهادت

صمدیه لیاق

محمد علی باقری

و

محمود پهلوان

گروه انقلابی ابوزر

مجاهد شهید احمد رضائی

راه حسین در صفحه ۱۶

گرامی باد یاد مجاهد شهید

مسعود براتی گودرزی

بناسبت دومین سالگرد

در صفحه ۲۱

ظرافت صلح امام حسن ع

کید متین

در صفحه ۷

از گزیده مستم خونین شهر
تا پیام ۸ ماده ای امام خمینی

در صفحه ۲۲

زندگی اخروی

اروندکنار

در صفحه ۱۷

* مطالب این شماره

- * سخن امام راهنمای مستضعفین
- * سیری در مواضع امید امت و امام (۲)
- * مکتبی - استراتژیک
- * توشه گیری از فرمان قیام گونه امام خمینی
- * در ۲۴ دی ماه
- * شیوه های غیر اسلامی تجسس و غیبت
- * چهار استان مولد و مبارز
- * زندگی اخروی - آروندکنار
- * مکتبی - ایدئولوژیک
- * ابراهیم عیسانگر همیشه تاریخ
- * ظرافت های صلح امام حسن (ع) کید متین
- * سیری در روش شناخت امام خمینی
- * پیرامون ولایت فقیه
- * دعای
- * مکتبی - سیاسی

بازره بنیادی با ترورسیم

صفحه ۱۵

آرزو!

در صفحه ۱۰

پیرامون

ولایت فقیه

قیمت دوم

در صفحه ۲۰

نوشه گیری از قرآن

البر (سیم)

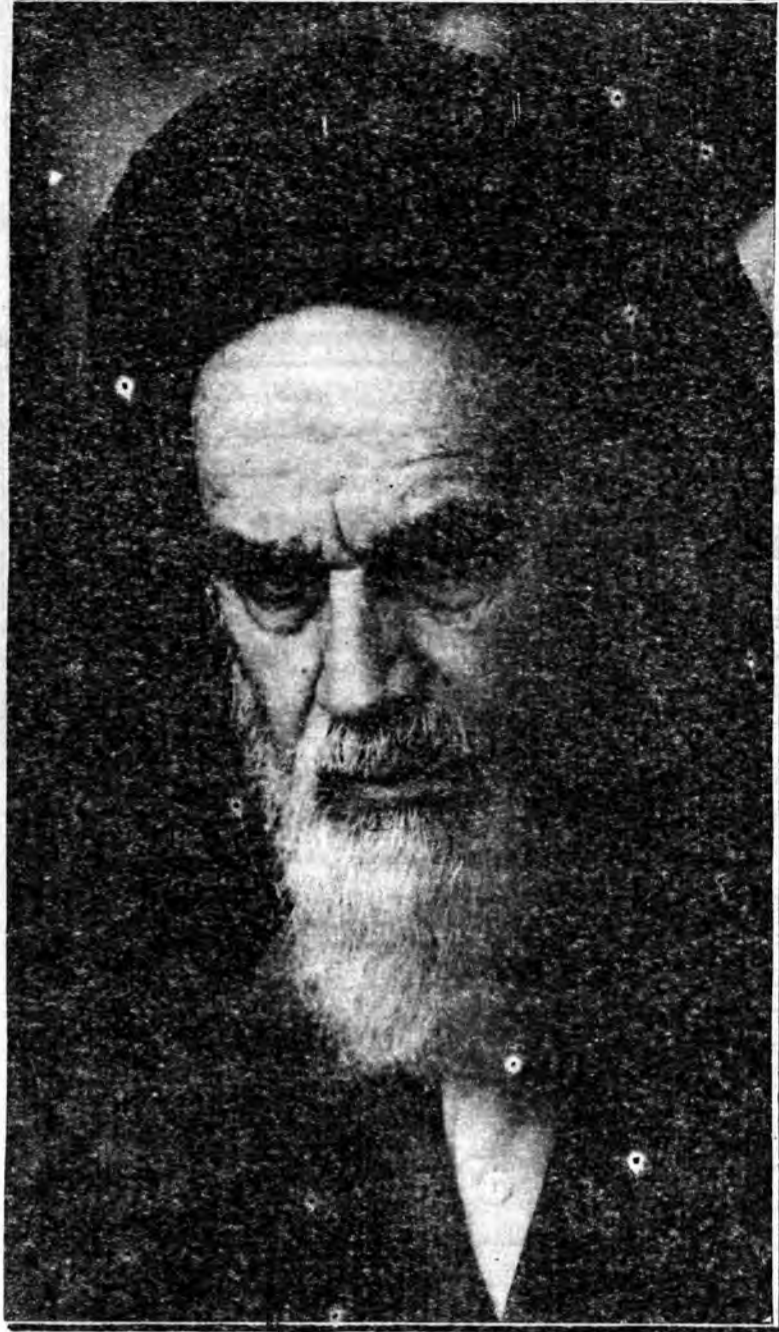
عصیانگر همیشه تاریخ

در صفحه ۱۸



در صفحه ۹

رأیهای تضعیفی



اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۵
بسم الله الرحمن الرحيم
ستاد پیگیری تغلفات قضایی
و اداری

اخیرا چند کتاب بعنوان سئوالات
دینی واید تلووی اسلامی راملاحظه
نمودم و بسیار متأسف شدم از آنچه
در این کتابها و جزواتی از این قبیل
به اسم اسلام این دین انسان ساز
الهی برای گزینش عمومی مطرح شده
است و آثار امیزان رد و قبولی افراد
قرار داده اند این نوشته ها که
مشحون از سئوالات غیر مربوط به
اسلام و دیانت و احیاناً مستهجن
و اسف آوار است از آنجا که به اسم
دیانت اسلام منتشر شده است
از کتب و جزوات انحرافی است که
برای حیثیت اسلام و جمهوری
اسلامی مضر است و به وزیر ارشاد
توصیه نمودم که امثال این کتب
را در اسرع وقت جمع آوری و فروش
و خرید و نشر آنها ممنوع شرعی اعلام
نمایند شاید بسیاری از افرادی که
در رد وین آنها خالت داشته اند
دارای حسن نیت بوده اند لکن
احتمال نفوذ شیاطین در این نحو
مسائل قوی است که برای مشوره
نمودن چهره نورانی اسلام
یا جمهوری اسلامی به این امر
اقدام نموده اند. لهد امراتیب
زیرا از ستاد محترم خواستارم :

۱- تمام هیئت های راکه بنام
گزینش در سراسر کشور تشکیل شده اند
منحل اعلام مینمایم چه در قوای
سلح یاد روزارتخانه ها و ادارات چه
در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به
دانشگاهها ، تمام آنها منحل است
و ستاد انحلال را اعلام نمایند .

۲- ستاد موظف است در اسرع
وقت دستور دهد تا هیئتهایی به
جای هیئتهای منحل از افراد
صالح و متعهد و عاقل و صاحب
اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به
مسائل روز تعیین تا در گزینش
افراد صالح بدون ملاحظه روابط
اقدام نماید . و گزینش زیر نظر آنها
انجام گیرد و قتشود تا این افراد
تنگ نظرونند خو و نیز سامحه کار و
سهل انگار نباشند و چنانچه قبلا
تذکره داده ام میزان در گزینش حال
فعلی افراد است مگر آنکه از گروهک
ها و مفسدین باشند یا حال فعلی
آنها مفسده جویی و اخلال گری
باشد و اما کمپانی که در رژیم سابق
بواسطه جوحاکم یا الزام رژیم مستعمر
مرتکب بعضی نارواها شده اند ولی
فعلا به حال عادی و اخلاق صحیح
برگشته اند تند روی های جاهلانه

۳- ستاد محترم دستور دهد کتابچه
های مختصری شامل بعضی
از مسایل شرعی که محل اطلاع عمومی
است و مسایل اعتقادی که دانستن
آنها در اسلام لازم است
بطور ساده بدون معامها که در این
کتب و نشریات انحرافی موجود است
و بعضی مسایل مناسب با شغل
افراد با نظارت اشخاص مطلع از
احکام اسلام و متوجه به اطراف مسایل
سیاسی و اجتماعی تهیه شود و
آنها را در دسترس افراد قرار
داده و در صورت احتیاج اشخاص را
آموزش دهند و بدون آموزش سئوال
از آنها نشود و میزان رد و قبولی
موازین اسلام و انسانی باشد که
هدایت جاهلان منظور نظر اصیل
است .

۴- ستاد محترم دستور دهد کتابچه
های مختصری شامل بعضی
از مسایل شرعی که محل اطلاع عمومی
است و مسایل اعتقادی که دانستن
آنها در اسلام لازم است
بطور ساده بدون معامها که در این
کتب و نشریات انحرافی موجود است
و بعضی مسایل مناسب با شغل
افراد با نظارت اشخاص مطلع از
احکام اسلام و متوجه به اطراف مسایل
سیاسی و اجتماعی تهیه شود و
آنها را در دسترس افراد قرار
داده و در صورت احتیاج اشخاص را
آموزش دهند و بدون آموزش سئوال
از آنها نشود و میزان رد و قبولی
موازین اسلام و انسانی باشد که
هدایت جاهلان منظور نظر اصیل
است .

۵- تجسس از احوال اشخاص
در غیر مفسدین و گروههای خرابگر
مطلقا ممنوع است و سئوال از افراد
به اینک چند معصیت نمیبودی
چنانچه بنابه بعضی گزارشات این
نحو سئوالات می شود مخالف اسلام
و تجسس کننده معصیت کار است
باید گزینش افراد این نحوه امور

د ر حق آنها نشود که این ظلم است
و مخالف دستور اسلام و باید ممنوع
اعلام شود .
۳- از آنجا که بسیاری از سئوالهای
اسلامی این کتابچه ها از مسایل غیر
محل اطلاع میباشد که شاید فضلا
و علمای زحمتکش نیز در جواب آنها
عاجز باشند و نیز بعضی آنها غلط
و بعضی از سئوالها و جوابها برخلاف
است این نحوه سئوالات به هیچ وجه
ضعیارد گزینش افراد نیست و ندانستن
آنها برای آنان اشکال و هیچ عیبی
ندارد لازم است ستاد محترم اشخاصی
را مامور کنند که اگر افرادی چه بواسطه
سئوالهای شرعی که دانستن آنها
برای این اشخاص لزوم ندارد و چه
سئوالهای ناروایی که به اسلام
ارتباط ندارد از ادارات و یاد روزارتخانه
ها و یاد یگرمراکز اخراج شده اند و یا
بواسطه آن استخدام نشده اند ،
تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم
پذیرش به صرف این امور یا شباه آن
بوده است آنان را به محل خود برای
خدمت برگردانند که این نحوه عمل
که به آنها شده است ظلم فاحش است
و محروم ماندن کشور از اشخاص مفید
میباشد که از همه اینها باید جلوگیری
گردد و نیز از افراد صحیحی که
در هیئتهای گزینش بوده اند
قدر دانی شود و به افراد دیگر آنها
نصیحت شو تا نظیر این افعال
در کشور اسلامی واقع نشود .

۶- بنابه گزارش رسیده بعضی
کلاسهای درس که در ارتش و سپاه
و سایر مراکز نظامی و انتظامی
تاسیس شده است بسیار مستهجن
و مبتذل است ، باید این کلاسها
بوسیله اشخاص عالم عاقل و متعهد
اداره شود .
و نمایندگان اینجانب در نیروهای
نظامی و انتظامی با کمال جدیت
به اصلاح آنان پرداخته و بکار خود
ادامه دهند . این ستاد موظف
است برای هر روزارتخانه یا مراکز
دیگر کتابچه هایی مناسب با کسار
آنان بصورت معقول و اسلامی
تهیه نموده و از تعلیمات جاهلانه
و احیاناً ضد انقلابی جلوگیری نمایند
از خداوند تعالی توفیق آقایان را
در امور محوله و حسن جریان آنرا
خواستارم .
والسلام علیکم ورحمة الله

۷- ستاد محترم دستور دهد کتابچه
های مختصری شامل بعضی
از مسایل شرعی که محل اطلاع عمومی
است و مسایل اعتقادی که دانستن
آنها در اسلام لازم است
بطور ساده بدون معامها که در این
کتب و نشریات انحرافی موجود است
و بعضی مسایل مناسب با شغل
افراد با نظارت اشخاص مطلع از
احکام اسلام و متوجه به اطراف مسایل
سیاسی و اجتماعی تهیه شود و
آنها را در دسترس افراد قرار
داده و در صورت احتیاج اشخاص را
آموزش دهند و بدون آموزش سئوال
از آنها نشود و میزان رد و قبولی
موازین اسلام و انسانی باشد که
هدایت جاهلان منظور نظر اصیل
است .

۸- تجسس از احوال اشخاص
در غیر مفسدین و گروههای خرابگر
مطلقا ممنوع است و سئوال از افراد
به اینک چند معصیت نمیبودی
چنانچه بنابه بعضی گزارشات این
نحو سئوالات می شود مخالف اسلام
و تجسس کننده معصیت کار است
باید گزینش افراد این نحوه امور

۹- ستاد محترم دستور دهد کتابچه
های مختصری شامل بعضی
از مسایل شرعی که محل اطلاع عمومی
است و مسایل اعتقادی که دانستن
آنها در اسلام لازم است
بطور ساده بدون معامها که در این
کتب و نشریات انحرافی موجود است
و بعضی مسایل مناسب با شغل
افراد با نظارت اشخاص مطلع از
احکام اسلام و متوجه به اطراف مسایل
سیاسی و اجتماعی تهیه شود و
آنها را در دسترس افراد قرار
داده و در صورت احتیاج اشخاص را
آموزش دهند و بدون آموزش سئوال
از آنها نشود و میزان رد و قبولی
موازین اسلام و انسانی باشد که
هدایت جاهلان منظور نظر اصیل
است .

۱۰- ستاد محترم دستور دهد کتابچه
های مختصری شامل بعضی
از مسایل شرعی که محل اطلاع عمومی
است و مسایل اعتقادی که دانستن
آنها در اسلام لازم است
بطور ساده بدون معامها که در این
کتب و نشریات انحرافی موجود است
و بعضی مسایل مناسب با شغل
افراد با نظارت اشخاص مطلع از
احکام اسلام و متوجه به اطراف مسایل
سیاسی و اجتماعی تهیه شود و
آنها را در دسترس افراد قرار
داده و در صورت احتیاج اشخاص را
آموزش دهند و بدون آموزش سئوال
از آنها نشود و میزان رد و قبولی
موازین اسلام و انسانی باشد که
هدایت جاهلان منظور نظر اصیل
است .

روح منی خمینی بت شکنی خمینی

کوشش این بوده است که از خود
مردم بجان خود مردم بریزد همیشه
بنابر این بوده که یک کودتای در
خود کشور ایجاد کند یک اختلافی
در خود کشور ایجاد کنند اینها
در این صدد هستند همیشه ،
دست از ما بر نمی دارند .

کپهان ۶۱/۱۰/۲
این شکر نعمت است . که با تمام گرفتاریها به چنین
نعمتی که خداوند به ما داده است استقراری رسیده ایم از غنایات خداوند
شکر نعمت این است که ما وند است .
بجای صحبت عمل کنیم ، آنطور همیشه اجانب بنایشان بر این
طبق ضوابط اسلام . نه تجاوز است که از داخل کارها را خراب
کنیم و نه تقصیر . همانطور که عرض کنند و اتحاد مردم را از بین ببرند
کردم رفتن و جاسوسی کردن و تجسس اختلاف ایجاد کنند و بعد به
نمودن خلاف اسلام است و از طرفی ایاری داخلیشان دستور دهند
تجاهر به فسق و خلاف شرع هم تا مقاهد پلید آنها را پیاده
خلاف شرع است . البته توده های مردم را حفظ نماید و تنها در صواب
دهند . سو استفاده کنند . نه این اتحاد است که ماتحت هیچ بهتری
سو استفاده هم نباید بشود . نیستیم .
احکام اسلام در تمام ابعسادش باید عمل بشود .
عده این است که ما به اسلام
خدمت کنیم خدمت به ملت خدمت
به اسلام است .

این ایمان است که اینها را
اینطور کرده . . . این ارتشی
مثل شیر مقاومت می کند برای این
که برای خداست .
که اگر یک وقتی بنا شد یک
زمزمه خلاف پیدا شد بدانید که
نمونه این است که یک مسالدهای
در دست کنند
انشاء الله بسیج عمومی که برای
یاد گرفتن باشد هم تعلیمات دینی
و یاد گرفتن قرآن و کتاب و هم
تعلیمات نظامی و اینها یک کشور
نظامی شود نظامی شود ، نظامی
الهی یک همچه کشوری که اینطور
شد دیگر کسی بهش طمع نمی کند
نظیر این جوان های این زمان
از اول تاریخ تا حالا نبوده است .
شما این را بدانید که آنها
همیشه اینطور بوده که استعمارگر

باید در مقابل ملت بزرگ ایران
متواضع باشیم و به آنها خدمت کنیم
بقیه در صفحه ۱۴

وصیت نامه شهید

امید انقلاب ۴۰
شهید مصطفی حسینی : ۰۰۰ در زمانی زندگی میکنم که برادران مسلمان فلسطینم در زیر چکمه زورگویان فریاد یاری میطلبند دستشان بسه دعابوسی خدا و نگاهشان بسوی من است من چگونه بنشینم و همچنان به خواب روم و این واقعیتها را نادیده بگیرم ۰۰۰ بنابراین به جبهه میروم برای اینکه امریکانیا بدو جبهه میروم برای ظهور همه ارزشهای الهی و تداوم و استمرار آن ۰۰۰

امید انقلاب ۴۶
شهید حسین تاجیک : ۰۰۰ انسان باید در راهی سیر کند که سعادتش در آن راه باشد و به الله سوگند من سعادت خوش رانیم مگر در زور دیدن خط خونین اباعبدالله حسین (ع) و این جهاد به جاودان بودن فرد منتهی میشود . جهاد در راه خدا گذشتن از علائق نفسانی و حسین وار شدن و حسین گونه شدن است به مکانی خواهم رفت که تا نفوس تکمیل و روانها تطهیر نباشد کسی نمیتواند به این منزلت دست رسی پیدا کند ۰۰۰

کیهان
شهید شفیع : ۰۰۰ حال در ریایان یاد آور میشوم که شمسیای خوانین مزد و روزگام در عشایر سیار و ثابت بد اندید و آگاه باشید که شما دیگر جایی بین این طبقه ندارید و به شما میگوم که پایانی شوم در انتظارشان خواهد بود ۰۰۰

پیام انقلاب ۷۵
شهید علی عباسی : ۰۰۰ مادر جان اگر به جبهه میروم نه به خاطر انتقام خون برادرم است بلکه به خاطر رضای خدا میباشد و من فقط راه اوراطی میکنم چون وصیت او همین بود شهادت او باعث حرکت من شد و نماز شب خواندن او باعث نزدیکی من با خدا شد ۰۰۰

پیام انقلاب ۷۵
شهید منوچهر آصفی : ۰۰۰ امید است هر چه زود تر نیروهای اسلام بر نیروهای کفر پیروز شوند ولی باید به گفته امام صبر کرد و مابا پیروزی نیروهای اسلام بر کفر اطمینان دارم ۰۰۰

کیهان
شهید عبد الله نوروزی : ۰۰۰ پس من هم با کمال میل به این جبهه مقدس که برای پیروزی اسلام است میروم چون مابه خود مان تعلق ندارم که راحت طلب باشم یا درسی آسایش دنیوی باشم نه این ارزشی ندارد بلکه ما خلق شده ایم تا جانان خود را فدای زمین باشیم و تا آزمایش شویم پس در صد و انقلاب اسلامی کوشا باشید و از این انقلاب پر برکت الهی پاسدار می کنید ۰۰۰ (خطاب به همسر) بچه هارا طوری تربیت کن که ادامه دهند راه شهیدان باشند چون شهید گریه زاری نمیطلبند بلکه پیروی میطلبند ۰۰۰

کیهان
شهید صفت الله مقدم : ۰۰۰ خدا ای این راه را بدو دلیل انتخاب کردم ۱- بخاطر رضای تو و بخاطر اسلام و بخاطر لبیک گفتن به امام حسین (ع) و ۲۰۰۰- بخاطر اینکه به رهبر لبیک گفته و بانثار جان خود از تو استعدا کنم امام عزیز را سلامت نگهداری و ۰۰۰

کیهان
شهید مجید ابوترابی : ۰۰۰ سعی کنی آزاد فکر کنی و داری محتوای فکری باشی و شخصیت کاذب برای خود نسازد که هلاک خواهی شد ۰۰۰ انجمن اسلامی را از نفوذ گروهها حفظ کنی و از خودتان ابتکار نشان دهید و نگذارید استعداد هایتان را سرکوب کنند ۰۰۰

کیهان
شهید علیرضا رحیمی : ۰۰۰ شرمند ام از امام این نعمت بزرگ خداوند چرا که توفیق نیافتم آن طور که باید در رفتارم تفکر کنم و توفیق نیافتم که بیشتر شناسمش ۰۰۰

کیهان
شهید محمد رضا توسلی خطاب به برادر : ۰۰۰ از تو میخواهم که راهم را ادامه دهی و برادران دیگرم ۰۰۰ را با اعمال خود ارشاد و راهنمایی و وادار این کارنمای البته برادرم باتوجه به اینکه همه برادران من مسلمان هستند این مسئله را ام میگویم نه اینکه بازور باین راه بیایند پس تویاید با عمل کردن به آنها نشان بدی نه با حرف حرف برای هیچکس چیزی نمیشود عمل شرط است .

تمام مراحل و ابعاد از مسئولین میخواهد خدا نکند در حالیکه جوانان مخلص و عزیز ما در جبهه های جنگ تحمیلی آنچنان از خود ایمان گذشتند و فداکاری برای رضای خدا و پیروزی اسلام عزیز بر کفر نشان میدهند مگر گرفتار بعضی صفات و اخلاق مذموم شده باشیم و نتوانیم آنچنان که باید مخلصانه به وظائف خود عمل نمائیم به یقین اگر ما تحولی داخلی در خود و روش خود بوجود نمیآوریم دست آورد های انقلاب و خون پاک شهیدان عالی قدر اسلام را به خطر انداخته ایم چرا باید هر چند بار رهبر معظم انقلاب اینچنین فریاد زنند و کجیها و ناخالصی ها ایشان را نگران سازد در رایسن

بسم الله الرحمن الرحيم
ملت مسلمان و مقام ایران ایدکم
۰۰۱ تعالی

انقلاب عظیم اسلامی که خون بهای هزاران شهید و معلول شجاعت در آستانه پنجمین سالگرد خود میباشد با توجه به شرایط و ویژگیهای خاصی که این انقلاب دارد بیجاست مسائلی را مورد ارزیابی قرار دهیم از ویژگیهای مهم انقلاب ما داشتن ایدئولوژی و مکتبی همچون اسلام است و همین ویژگی است که انقلاب عظیم ما را در تمام ابعاد از دیگر انقلابهای گذشته و معاصر متمایز کرده و مسئولیتهای مهمی را متوجه دست اندر

پیام فقیه عالیقدر آیت الله منتظری به مناسبت دهه فجر

کاران و مسئولان میسازد بهترین صد اقت افراد در انقلابی بودن و داشتن مکتب برخورد های اجتماعی و اهمیت دادن آنان به ضوابط مکتب در عمل است ممکن است افرادی در مقام شعار بهترین شعارها و کلمات مکتبی و انقلابی را به زبان و قلم بیاورند ولی در عمل خلاف آن را نشان دهند این حالت همان نفاق است که در اسلام بانفرت از آن یاد شده بودن چنین افرادی خدای ناکرده در مسئولیتهای مختلف انقلاب را از داخل تهی ساخته و دیگران را به آن بد بین میسازد و سرانجام دشمن از آن بهره مند میشود بنظر میرسد یکی از عوامل مهم انحراف انقلابها در طول تاریخ نفوذ اشخاص فرصت طلب و غیر متعهد به انقلاب در پستهای حساس آن میباشد .

ثبات و اوج گیری انقلاب مایبش از هر چیز نیاز به صداقت و تقوی و داشتن اخلاق مکتبی و اسلامی دارد تبلور اخلاق اسلامی در افراد نشان دهنده اصالت انقلاب و اتکاء آن به ارزشهای الهی است جامعه انقلابی ما امروز نیاز به عمل خالص و تلاش بیگانه برای رضای خدا دارد امروز ملت بزرگ ما با اینکه گرفتار توطئه های خارجی و داخلی و جنگ تحمیلی شیطان بزرگ میباشد با تمام وجود از خود ایثار و گذشت در جبهه هایشان میدهند و هرگز

رابطه ستاد پیگیری فرمان معظم له باید توجه نماید افرادی را مسئول تعقیب و ساده نمودن پیام اخیر ایشان قرار دهند که علاوه بر ایمان به انقلاب و اخلاص در عمل هیچگونه گرایش شخصی و گروهی نداشته باشند و بتوانند جریانها را قاصد در بعضی ارگانها را تشخیص داده و قاطعانه با آن مبارزه اساسی وریشه ای بنمایند اگر خدای ناکرده از این فرصت الهی استفاده نشود و به افراد سرخورده و مایوس پاسخ مثبت ندهیم و حاکمیت خط روشن امام در ارگانهای دولتی و انقلابی عملی نشود جوایبی در پیشگاه باری تعالی نخواهیم داشت امروز جمهوری اسلامی ایران بمسئول محرومین و مستضعفین جهان بر سر صورت الگویی حرکت آفرین درآمده است عمل ما نباید موجب مایوس و بد بینی آنان به انقلاب اسلامی گردد . امروز ملت رشید ما با گذشت چهار سال از انقلاب اسلامی خود بهترین تجربه های معنوی و فکری را میتوانست در اختیار مظلومین جهان قرار دهد آگاهی و مقاومت ملت ما تمام معادلات سیاسی ابرق در تها و اعمال آنان را برهم زد و آنان را برای جلوگیری از رشد روز افزون این حرکت الهی و حصار نمود

باشد ما نباید در تصمیم گیری هاد چار حالت انفعال و عکس العمل نشان دادن باشیم باید صلاح جامعه اسلامی و آینده انقلاب را منظور نمائیم حمایت و تقویت بیش از پیش دولت و مجلس شورای اسلامی میتوانست مشکلات پیچیده جامعه انقلابی ما موثر باشد نباید با جوسازی نامشروع مانع خدمت ارگانها و افراد خدمتگزار شوم نباید درصد خورد کردن نیروها و بیرون راندن آنها از صحنه باشیم در جمهوری اسلامی باید به لیاقتها و ارزشهای افراد متعهد و با کفایت ارج نهاد و از بی مهریها و تند خوئیها پرهیز نمود و احترام و حیثیت افراد را رعایت کرد امید است با حفظ وحدت کلمه و توکل به خدای متعال و استمداد از توجهات خاص حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء این دهه فجر مظلومی باشد برای شکوفائی انقلاب اسلامی در همه جهات و ابعاد و آزادی قدس عزیز دست مسلمانان و نیز بتوانیم گوشه ای از دستاوردهای و پیشرفت های انقلاب را به برادرانی از نقاط مختلف جهان در مراسم باشکوه سالگسرد پیروزی انقلاب شرکت کرده اند نشان دهیم .

والسلام علی جمیع اخواننا
المسلمین ورحمه ۰۰۱ وبرکاته

در جبهه ها داشت جبهه هانشان میدهند و هرگز با بودن کمبود همسای تلخیهای جنگ و فتنه گروهکهای منحرف و وابسته خم به ابروی خود وارد نیسازد ولی همین ملت خود خواهی گروه با زبها و اعمال تزویر و نفاق را تحمل نخواهد کرد ملت ایران بارشد و آگاهی سیاسی که نصیبش شده است خط مستقیم امام خود را به خوبی میشناسد و با تمام وجود حاکمیت همین خط را در

اگر ما تحولی داخلی در خود و روش خود بوجود نیاوریم، دستاوردهای انقلاب و خون پاک شهیدای عالیقدر اسلام را بخطر انداخته ایم.

آیه الله العظمی منتظری

و انقلابی بتدریج می‌رفتند که با پایگاه‌ها و شیوه‌های
حریانه‌ای فوق هر چه بیشتر در درون مبارزه کنند. این
خط مشی اصیل انقلاب و خطری بزرگ برای دشمنان
آن بود.

شیوه امپریالیسم برای مقابله با سیر رشد انقلاب ترو
عناصر و کادرهایی بود که هر کدام به نسبتی به مثابه بازوان
امامت انقلاب بوده و می‌توانستند در پایداری و نیازهای
اسلامی نیروهای انقلاب و مبارزه با خطوط غیراصیل، موثر
و منشاء شمر باشند تا بتدریج نظام جمهوری اسلامی را
در درون، کم‌کم کیفیت کرده و با نفوذ و حاکمیت جریان‌های
انحرافی و افراد کم‌صلاحیت، خط امام هر چه بیشتر از نظام
تصفیه شود و در نتیجه با رواج شیوه‌های غیر اسلامی موجبات
دلسرد شدن مردم و منفعل شدن نیروهای اسلامی و انقلابی
نسبت به نظام جمهوری اسلامی فراهم گردد. لذا در این
مرحله از انقلاب آنچه که حتی از تروسم و جریان رجوسی
برای انقلاب خطرناک‌تر و تهدیدکننده‌تر بود نفوذ و حاکمیت
شیوه‌های همین جریان‌هایی بود که ظاهر اسلامی و در
بسیاری موارد خط امامی داشتند.

بدنیال عزل بنی صدر و اوجگیری ترورهای جنایتکارانه
جنبش ملی مجاهدین همزمان با انفجار هفتم تیرماه در دفتر
حزب جمهوری اسلامی، امام خمینی این خطر اصلی را به
صورت اسلام راحت طلب در مقابل طریقه انبیا، شخص
و معرفی نمودند و در حقیقت خط مشی آینده انقلاب را که
مبارزه بنیادی با همین جریان در وجوه عقیدتی و سیاسی
بود ترسیم کردند. (پیام به مناسبت ۷ تیرماه ۶۰)

با جوی که بر اثر ترورهای وحشیانه در جامعه بوجود
آمده بود و تروسم بیشترین تنفر مردم را به سوی خود
متوجه ساخته بود، متاسفانه به جریان‌های غیراصیل و اسلام
عاقبت طلب کمتر توجه شده و آنها هم از محیط و جوی که
تروسم می‌ساخت بعنوان زمینه‌ای برای رواج شیوه‌های
غیر اسلامی و غیر انسانی خودشان استفاده می‌کردند و عموماً
تحت عنوان مبارزه با تروسم و منافقین هر شیوه غلطی
را مشروعیت داده و توجیه می‌کردند و با سارک‌های مختلف
بسیاری از نیروهای را که قصد خدمت و دلسوزی به انقلاب
داشتند تصفیه و منزوی می‌کردند اما با توجه به جوهره
مکتبی انقلاب و سازش‌ناپذیری آن با جریان‌های انحرافی
و شیوه‌های غیر اسلامی، نیروهای اصیل جامعه بتدریج
نسبت به شیوه‌های غلطی که صورت میگرفت حساس شدند و
در مقابل آن به موضعگیری و برخورد پرداختند. جرقه‌های
این حرکت اصیل یعنی دفاع و پاسداری از ارزشهای مکتبی
انقلاب و مبارزه با شیوه‌های غیر اسلامی بتدریج آشکار
و آشکارتر گردید از میان برخورد های موجود و مقاومت‌هایی که
در برابر این توطئه خرنده و غیر مکتبی صورت میگرفت، برخورد
های بیدارکننده و افشاگرانه امین امام و امت حضرت
آیت الله العظمی منتظری چشمگیرتر بود. پیامهای ایشان
به مناسبت هفته وحدت و دهه فجر در سال گذشته (۱۳۶۰)
و نیز پیامهای ایشان به مناسبت تحویل سال ۶۱ و ۶۰۰۰
نیروهای دردمند و متعهد جامعه را متوجه خطر و دستهای
مرموز و در نتیجه عمق نیازهای انقلاب نمود. این حرکت
در ابعاد هر چند محدود در نهادها و ارگانهای مختلف
نیز دیده و شنیده می‌شد و روز بروز هم رشد و گسترش می‌یافت
ولی یکی از مشکلات مهم این بود که جوی بخصوص توسط
همان جریان‌ها ساخته شده بود که هرگونه انتقاد و اصولاً
استقلال فکری را به منزله نفی نظام جمهوری اسلامی تلقی
می‌کردند و این امر باعث می‌شد که نطفه‌های این حرکت
را در اولین مراحل بروز تلاشی و منزوی کند و لذا این
خطر وجود داشت که بتدریج نیروهایی که استقلال فکری
داشته و نسبت به شیوه‌های غیراصولی موجود انتقاد
داشتند به این نتیجه برسند که در چهارچوب نظام موجود
امکان برخورد و طرح نظراتشان وجود نداشته و بتدریج
از آن سلب امید کنند و نظام جمهوری اسلامی را از دست
رفته بدانند که این خود خدمت بزرگی به همان جریان‌های
خرنده بود تا از انفعال این نیروها استفاده کرد و حاکمیت
خود را هر چه بیشتر تثبیت کنند.

باتوجه به چنین سیری، امام خمینی که از قبل و بارها
مسئولین و مجریان امور را به رعایت تقوا و شیوه‌های اسلامی
توصیه کرده و آنها را از برخورد های غیر انسانی، اسلامی
حتی با مخالفین جمهوری اسلامی بر حذر داشته بود و
و حجت را بر آنها که گوش شنوا داشتند عرضه کرده بود
این بار بصورتی قاطع و مشخص روی اشکالات انگشت گذاشتند
و مردم و نیروهای متعهد را برای مبارزه با آنها بسیج
کردند و بخصوص این امر را در پیامها و سخنانشان
از پیام تاریخی، هر چه بیشتر تصریح و تعقیب نمودند.

در علم امام (ع) امام هم خودشان بعد از پیام اخیر در
جریان انحلال گیرش‌ها فرمودند که عدای فکر میکردند چون
ما، مخالفتی در مقابل این شیوه‌ها نمی‌کنیم پس آنها را تایید
می‌کنیم.

۳- نیاز به تصفیه و تعیین انقلاب
یک جریان فکری که بخصوص در میان نیروهای بینابینی
جامعه پایگاه زیادی داشت پاره‌های نارسایی‌ها و روش‌های
غیر انسانی و اسلامی را با اعمال این شیوه‌ها در زمان رژیم
سابق مقایسه کرده و همچنین میگفت بندهج را که دارند مثلش

نوشته‌گیری از پیام قیام‌گونه امام خمینی در ۲۴ دیماه

"پیام مهم ۸ ماده‌ای"

می‌کنند در حالیکه در آن رژیم حد اقل یک اصلاحات ارضی
آبکی هم که شده کردند. حالا ما از خارج مواد اولیه
و کالا وارد می‌کنیم. آن موقع هم که وارد میکردند. حالا
توقیف‌های غیر قانونی میشود. آن موقع هم میشد حالا این همه
در کار مردم تجسس میکنند آن موقع هم که میکردند و ۰۰۰ پس
این اوضاع فرق اساسی با رژیم سابق نکرده و بدین ترتیب
در اصل و محتوای انقلاب شک میکردند با توجه به اینکه هر
یک از شک‌ها و سردید‌هایی که ذکر شد به ترتیب اهمیت
شک در اصول و ارکان انقلاب است طبیعتاً باعث میشد که
نیروهای بخصوص از میان جوانان منفعل شده و اقماری
از آنها هم به صف ضد انقلاب و نهایتاً "تروسم پیوندند".
این تردیدها زمینه تغذیه و رشد جریان مسعود رجوسی
بود تا با دست گذاشتن روی آنها بر انسجام درونی و گسترش
خود افزوده و افراد بسیاری را به قاطعیت در جنایات
خودش برساند. لذا ضروری بود که جریان جوهری و اصیل
انقلاب به رهبری امام خمینی مواضع اصولی انقلاب را که با
روشها و برخوردهای غیر اسلامی موجود مغایر است مزیندی
کرده و ناراضی‌های اصولی و انتقاد های واقعی را مشخص کرده و
با رهبری صحیح آن اجازه ندهند که جریان‌های انحرافی
و برانداز مانند تروسم و جریان‌های لیبرال و عاقبت طلب
در داخل از آنها در خدمت خط مشی خود استفاده کنند.
د: نیاز به تعالی تضادها - ملاک حق و باطل، شیوه‌ها
- ی اسلامی است.

ب: انتخابات مجلس خبرگان و آشکار شدن نیش‌توانه مردمی
خط امام علی‌رغم انزوا در نظام:

از زمینه‌های چشمگیر پیام امام نتایج انتخابات مجلس
خبرگان بود در این انتخابات کاندیداهای خط امام در اکثر
نقاط از نظر تعداد آراء موقعیت خوبی داشتند و در حقیقت
در این انتخابات یاران امام که طبعاً ضامن اجرای پیام
در آینده هستند موقعیت و پشتوانه مردمی خود را نشان
دادند. هر چند برخی از آنها از طرف جریان‌های نفوذی
در نظام تحت فشار بودند. این امر علاوه بر اینکه رصفوف
نیروهای غیر مکتبی و عاقبت طلب تزلزل می‌اندازد، باعث
تقویت روحیه و انسجام و قاطعیت یاران مکتبی امام خواهد
بود و آنها را در صحنه اجتماع فعال‌تر نموده و بر اعتبار
نقطه نظرهایشان می‌افزاید. اگر امام این پیام را قبل
از انتخابات مجلس خبرگان صادر میکردند چه بسا کهدر
مخالفین خط پیام و افکار عمومی سایر کشورها چنین تلقی
می‌شد که امام برای کسب پایگاه مردمی و کسب نتیجه بهتر
در انتخابات مجلس خبرگان به چنین کاری دست زده است
و طبعاً پیام کارایی و تاثیر کم خود را از دست میداد در
حالی که صدور این پیام مهم پس از انتخابات خبرگان نشان
داد که امام کماکان بر حسب احساس مسئولیت و بنا بر
تکلیف الهی چنین پیامی را صادر کرده‌اند.

ج: نیاز به درک و تحقق اصول در میان نیروهای صادق:

۱- نیاز به ارائه سیستم‌های اقتصادی، سیاسی
قضایی ۰۰۰ در مکتب اسلام:

با توجه به عملکردها و نقطه نظرهای خطوط غیراصیل
و عاقبت طلب در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی
نظیر مخالفت با طرح‌های تقسیم مشاع زمین (بندج) و ملی
کردن صنایع بزرگ و ۰۰۰ تحت عنوان دفاع مطلق از مالکیت
و همچنین ایجاد کندی و موانع بسیار در راه حمایت از
نهضت های آزاد بخش و نظایر اینها بتدریج این سؤال
و شک در ذهن جریانی از افراد صادق نضج میگرفت که آیا
اسلام می‌تواند به یک نظام مستقل، عادلانه و رهایی بخش
در زمینه‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی تبدیل شود.

۲- نیاز به مزیندی خط امام و خطوط انحرافی:

بسیاری از نیروها که با عمق نظرات و ایدئولوژی امام
آشنا نبوده و قادر به تبیین شیوه برخورد هدایتی امام
خمینی با جریان‌های انحرافی نبودند، سکوت ظاهری
امام را حمل بر این میکردند که امام به اتحاد صنفی روحانیت
اصالت داده و در مقابل جریان‌های غیراصولی در حوزه‌ها
و نیز شیوه‌های غیراصولی در ارگانها و نهادها که عموماً
جناحشان توسط جریانی از حوزه‌ها حمایت هم میشود
قاطعیت ندارند. این طرز فکر خطرناکی بود که بتدریج
در عمق و پیش‌تاز بودن خط مشی امامت جامعه شک میکرد
جریانی بود که می‌گفت: "اگر امام مسائل را میدانند چرا
چیزی نمی‌گویند" (شک در عدالت امام) و "اگر نمیدانند
پس چطور امامتی است که مسائل امتش را نمیدانند" (شک

همچنانکه قبلاً اشاره شد بنی صدر از ایران رفت ولی افکار
و پایگاه‌هایش در داخل علی‌رغم ضربه‌هایی که خورده بود
باقی بود و به حیاتش ادامه میداد و اتحاد خطرناکی در
محتوا بین سه جریان رفرمیست و جنبش ملی مجاهدین و گروه
- های عاقبت طلب و روحانیت غیر مکتبی علیه خط امام و هدف
- ها و ارزشهای مکتبی آن بوجود آمد. جریان اول کادری
- های امام را ترور میکرد. جریان دوم از طریق نفوذ در
ارگانها و نهادها تصفیه میکرد و جریان سوم هم از طریق
تکفیر سعی در نفی ارزش‌های انقلاب در چهارچوب غیر شرعی
دانستن آنها به این خط ضربه میزد. جریان دوم و سوم
اتحادشان در جامعه امروز ما کاملاً مشخص است ولی این
دو جریان با جریان تروسمی رجوی علی‌رغم اختلاف ظاهری
پیوند های عمیقی در ایدئولوژی و خط مشی دارند. تضاد
دو جریان رفرمیست روحانیت غیر مکتبی و گروه‌های عاقبت
طلب با خط اسلامی انقلاب بتدریج و بخصوص در زمینه
اقتصادی شکل با رزی به خود گرفت. جریان‌های رفرمیست
برای تثبیت موقعیت خودشان علی‌رغم اینکه در محتوا یا خط
جنگ مخالف هستند و دشمن اصلی را همسایه ملحد
شمالی میدانند به تائید جنگ پرداختند. بقول برادر
حجت الاسلام خوئینی‌ها "جریان‌های مذکور در زمینه
سیاسی وقتی قاطعیت از جانب امام و نیروهای انقلاب
می‌بینند عقب می‌نشینند". اما این جریان بتدریج در زمینه
- های اقتصادی و اجتماعی تحت عنوان اسلام قهاستی و
تشریح تضاد ایدئولوژیک خود را با خط اسلامی امام آشکار

بسم الله الرحمن الرحيم
يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تحسسوا ولا يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم ان ياكل لحم اخيه ميتا فكرهوه . (حجرات - ۱)
ای کسانی که ایمان آورده‌اند بهره‌زید بسیار از گمانها (شك نسبت به افراد) همانا بخشش از گمانها گناه است و تجسس نکنید عده‌ای از شما نسبت به عده‌ای دیگر آیا کسی از شما می‌پسندد که گوشت برادر مرده خود را بخورد پس وقت کنید که چقدر از این عمل اگره دارید .

امام خمینی در پیام ۸ ماه‌های اخیر شان و همینطور در صحبت‌های که پس از این پیام در دیدار هسلا و ملاقات‌هایشان داشتند با تاکید و قاطعیت هر چه بیشتر مسئولین و مجریان امور و همچنین مردم را از تجسس و غیبت در امور دیگران بازداشتند . پیام مهم امام که هدف اصلی اش رعایت تقوا در شئون مختلف جامعه است در زمینه‌های مختلف به مبارزه با شیوه‌های غیر اسلامی و رویه‌های نادرستی پرداخته است که غالبا توسط جریان‌های عاقبت طلب و دست‌های مرموز هدایت شده و همچنین بسیاری از برادران صادق و ناآگاه در سطح مختلف اعم از نهادها، ارگان‌های قضایی و انتظامی، گزینش‌ها و بدلیل اینکه تبیین صحیحی از شیوه‌ای غیر اسلامی نداشتند و یا حداقل در مقابل آنها روش‌ها اثباتی و تصحیحی که قابل ارائه باشد در دسترس شان نبود معمولا مجریان شیوه‌ها

ها و کارهایی واقع می‌شدند که امام در پیام خود به آنها اشاره نمود و به مبارزه با آنها برخاسته است. همزمان با تلاشی و کوششی که برای شناخت و افشای این دست‌های مرموز و جریان‌های عاقبت‌طلب به عمل می‌آید لازم است که این شیوه‌های غیر اسلامی را در جامعه هر چه بیشتر سرزنس و مذمت کرده و از نقطه نظر عقیدتی با آن مبارزه کنیم تا با پاکسازی زمینه‌های بروز و رشد این گونه اعمال امکان جان گرفتن دوباره و اعمال مجدد آنها را از بین ببریم همچنین تبیین شیوه‌های غیر اسلامی و حتی المقدور ارک روش‌های اسلامی و صحیح در مقابل آنها باعث می‌شود که افراد صادق نه تنها به دام آنها نیفتاده بلکه بتوانند در هر نقطه‌ای که این شیوه‌ها مشاهده گردند قاطعانه همچون امامان در مقابل اعمال کنندگان بایستند و مقاومت کنند .

تجسس نمودن خلاف اسلام است
امام خمینی در دیدار مسئولین

وزارت کشور و استانداریان فرمودند تجسس نمودن خلاف اسلام است و همچنین گفتند "نه جاسوسی شود و تخفیف عقاید و نه کسی متجاهره فسق شود" امام در پیام خود می‌گویند: کسی حق ندارد در امور دیگری تجسس نماید و یا سرکشی که بطور سیدیه برای دیگری فاش نماید امام در ملاقات با ائمه جمعه

و اساتید دانشگاه آموزگاران می‌فرمایند: کسی که غیبت می‌کند در روایات هست که زبانش به اندازه بین مکه و مدینه دراز می‌شود و مردم در روز محشر از روی این زبان عبور می‌کنند، این نتیجه غیبت است یک کسی که زبانش از اینور شهر به آنور شهر دراز می‌شود و اعراض مردم را ذکر می‌کند و آبروی مردم را می‌برد

مرز تجسس چیست؟

در این مورد برداشتهای مختلفی وجود دارد که به ذکر پاره‌ای از آنها می‌پردازیم : (۱- تفکر رایجی هست که می‌گوید به هر کس باید باید مشکوک و بدبین بوده با اینکه خلافش ثابت شود، یعنی در مورد همه افراد و گروه‌ها باید به دیده شک نگاه کرد و به جمع‌آوری اطلاعات و تمقیب و مراقبت و احیاناً نفوذ و . . . در آنها پرداخت تا اینکه در حسن نیت یا ناخالص بودن آنها به یقین برسیم؛ این شیوه بخصوص در يك جامعه اسلامی و انقلابی که مردم در بسیج و در حال رشد و تکامل هستند به جای اینکه به فطرت و نفسهای بیدار و زنده شده انسانها اصالت داده و اساس را بر اعتماد و دیدن نقاط مثبت و شکوفائی ارزشهای انقلاب ببینند با عینک شك و گمان به مردم نگاه کرده و قبل از هر چیز به پیسند آ کردن ضعفها و اشتباهات می پردازد که در نتیجه چه بسا به جمع‌بندی‌های نادرست و بدبینانه‌ای هم نسبت به افراد و نیروهای انقلاب برسد گسترش چنین دیدگاهی علاوه بر اینکه باعث افزایش جو اختلافات و بدبینی‌های شده همچنین بر خورد ها را از مسیر هدایت و تعالی دادن افراد و اجازه داشتن نسبت به اکثریت نیروهای جامعه که زمینه رشد دارند خارج می‌کند.

۲- تفکر دیگری هم می‌گوید باید به همه خوش‌بین بوده تا آنکه خلافش ثابت شود، این تفکر در روابط درونی است و در جریسمن بسیج جامعه نظیر روابطی که در جبهه‌های جنگ اسلام و کفر

وجود دارد تفکر صحیحی است اما در سطح جامعه که جریان‌های مختلف اعم از نیروهای ضد انقلاب آشکار و غیر آشکار و نیروهای مترقی-نما وجود دارد اگر این فکر را تعمیم بدیم موجب ساده‌اندیشی و ضربه پذیری است. این تفکر اولاً وقتی از دشمن صریح خورد به مقابله و چاره جویی بر می‌آید .

شیوه‌های غیر اسلامی تجسس و غیبت

ثانیاً شیوه‌اش برای شناخت دشمن هم جمع‌آوری اطلاعات و تجسس در اعمال و رفتار است .
۳- اشکال اساسی که در شیوه فوق به نظر می‌رسد اینست که اصولاً هر دو برای رسیدن به شناخت صحیح از دوست و دشمن روش تجسس و جمع‌آوری اطلاعات و گزارش و احیاناً نفوذ را قبول دارند منتها در یقین حدود آن اختلاف وجود دارد .

اصولا این روش شناخت که مسا آنرا روش اصالت اطلاعاتی دانیم روش درستی نیست و علاوه بر اینکه در روابط میان نیروهای انقلاب که اساس با یقینی بر اعتماد و حسن نظر باشد نباید به کار گرفته شده در برخورد با دشمن هم آگهی بخواییم به این شیوه سستی باشیم و ملاکها و تحلیل درستی برای برخورد با اطلاعات موجود نداشته باشیم بجای اینکه خودمان پیشتاز باشیم دشمن را به تعجب و واکنش نسبت به حرکات خودمان

و ادراک کنیم ، ناخود آگاه دنبال روش دشمن می‌شویم و همیشه مترصدیم ببینیم دشمن دست به کار چه حرکت و توطئه تازه است نزوه بر این مسا همیشه شناختن از دشمن به اندازه اطلاعات محدودی است .
(برای آشنائی بیشتر با ناراستیها روش اصالت اطلاعات به سرمقاله

راه مجاهد شماره ۱۴ تحت عنوان ارگان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران* (مراجعه کنید .)

روش اسلامی شناخت قلبی و جوهری است یعنی ما با شناختی که از ویژگیهای اصیل و ذاتی انسانها داریم به بررسی اعمال رفتار هر کس می‌پردازیم و بسا ملاک قرار دادن امامت و عمل صالح ابتدا مرز دوست و دشمن را از هم تشخیص می‌دهیم و سپس خصوصیات و عملکرد هر یک را با توجه به ملاک فوق تبیین می‌کنیم ؛ بعنوان مثال وقتی جمعی کارتر شعار حقوق بشر و دفاع از دموکراسی را سر داد ملت مسلمان ما با توجه به اینکه کارتر را جوهری در تضاد با انقلاب اسلامی و قیام خلقهای مستضعف ایران و فلسطین می‌دیدند فریب موضعگیریهایی شکلی و ظاهری او را نخوردند و نگفتند حالا که کارتر قول دفاع از حقوق بشر را می‌دهد بیائیم و در تجربه بررسی کنیم و کسب اطلاع کنیم از نقاط دیگر و ببینیم که آیا راست می‌گوید یا نه

سخن‌گام راهپیمایان ضعیف

ارزششان به امثال این مسائل است و روی موازین عقلی اگر بعد از خارج نیست . تا در داخل اثر يك جایی باشد و بواسطه آن مبداء اثر این آدم با این شی‌ها نمی‌توانند کاری انجام دهند . پیدا کند آن مبداء اثر ارزشش حال این است که مسردم مطمئن باشند و نسبت به همه چیز شان اطمینان داشته باشند .
سرمایه‌ها ایشان را بکار اندازند و نسبت سرمایه‌هایشان اطمینان داشته باشند .

در سیرالسی . . . لازم نیست که انسان در يك گوشه ای بنشیند و بگوید من میخواهم سیرالسی . . . داشته باشم خیر ، سیرالسی . . . همان سیره و روش انبیا* و خصوصا پیغمبر اسلام و ائمه معصومین است که در عین حالی که در جنگ وارد میشدند و میکشند و کشته میدادند و حکومت میکردند ، همه چیزش سیرالسی . . . بود . . .

مثال دیگر جریان نخست‌وزیر شدن شریف امامی است ، به اینصورت که شریف امامی در ابتدا ای نخست‌وزیرش و عده * آزاد بیهای سیاسی و اصلاحات اجتماعی بود در مقابل او و دشویره برخورد وجود داشت يك جریان به باطن امر توجه کرده می‌دانست که انتصاب شریف امامی از جانب شاه در جهت تثبیت و تدوین سلطنت است و این جریان جوهری با ایمان به این مطلب در تدوین حرکت خود و در صحنه‌های خونین ۱۷ شهریور . . . هر چه بیشتر ماهیت فاشیستی دولت شریف امامی را شناخت و افشا کرد جریان دوم می‌گفت بهتر است به دولت شریف امامی ۲ ماه فرصت بدیم مابین ما بینیم که چقدر این وعده‌هایی را که می‌دهد عملی می‌کند ، شریعت‌مداری در این چنین جریانی بود .

اما اعمال شیوه تجسس در مورد نیروهای انقلاب نه تنها در جهت شناخت ناراستی و نادرست است که اساسا يك انحراف است زیرا مبتدای برخورد را با دوستان انقلاب بر بدبینی و شك و گمان قرار دادیم و این امر همانطور که قبلا ملاحظه شد در قرآن پشت تپسی شده است .

ادامه دارد .

بدترین انحراف این است که انسان در ظاهر يك جورى نمایش دهند که واقعا بر خلاف اوست این نفاق است و نفاق ابرترین خبیهایی است که در قرآن مجید آمده .

بنابر این ما باید دعوت کنیم و دعوت ما به خود نباشد دعوت دنیا نباشد دعوت به خدا باشد وقتی دعوت بخدا شد و دنیا هم الهی شد میشود آخرت و میشود ملگوت دنیا . و فرقی ندارد ما بین اینجا و ملگوت و جبروت همه اش جلوه ای است از خدا .

مجاهد شهید احمد رضایی

و

راه حسین

بسم الله رب الشهداء

در فاصله سالهای ۴۶ تا ۴۹ آن زمان که عشق به استقلال و آزادی و پیاده کردن احکام الهی در قلب عوامی از جوانان این مرز و بوم شعله میکشید زمانیکه نوکر سرسپرده شیطان بزرگ پهلوی در تخیم کوچکترین ندای حق غلبانه ای را بسا و حشانه ترین شیوه ها در گلو خفه میکرد جوانانی چون مجاهد شهید احمد رضایی برای برپایی حکومت الله و تابدوی رژیم وابسته و دست نشاندگان شیطان بزرگ قدم برافراشتند.

نیاز به ایدئولوژی راهنمای عمل

شهید احمد رضایی از جمله مجاهدانی بود که در این راه جان بر کف نهاد و در جستجوی شیوه های الهی و همه جانبه و هماهنگ جهت تحقق امر خدا و تابدوی رژیم پهلوی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد احمد به دنبال مکتبی بود تا بتواند آنرا در ریزش زندگیش تحقق دهد احمد به دنبال "مالک یوم الدین" و خدای لحظه به لحظه بود و این نیاز به او حرکت میداد و باعث نزدیکی مستمر او به خدای سبحان میگشت.

راه انبیاء و راه بشر

جریان تائید تئولوژی که در آن روز در دسترس جوانهای نیازمند چون احمد بود هیچ کدام نمیتوانست راهنمای عمل و شیوه های رزمندگان قرار گیرد. علت هم آن بود که تمام این جریانها ایدئولوژیک که در دسترس جوانها بودند به انحاء مختلف راه انبیاء را از راه بشر جدا میکردند و معتقد بودند طریقه انبیاء که مبتنی بر وحی است با روش بشر که عمدتاً متکی بر تجربه است فرق دارد چرا که راه بشر هم هر تداوم خود در انتها به نتایج راه انبیاء میرسد اما احمد و یارانش فطرتاً به خدای واحد و قهار ایمان داشتند و در نتیجه میگفتند "قانون واحدی در جهان حاکم است". ایمان داشتند قانون خدا برای ما و الله تفاوتی نمیکند و تنها مرتبه و درجه تحقق و تسلیم به قوانین الهی است که در ما و الله فرق میکند این تشنگان حقیقت پس از مدت ها برخورد با تفکرات مبارز اسلامی به این پاسخ رسیدند که بجز شیوه های حسینی هیچ چیز قادر به پاسخگویی به نیاز امیلتان نیست. بنابراین مستقیماً رویه امام حسین (ع) آوردند و تلاش کردند تا از طریق الله و شیوه های معصومین و سنت آل محمد (ص) سیراب شوند. با اینکه در ایدئولوژی تدوین شده سازمان مجاهدین هم تحت تاثیر جریانهای فکری رایج راه انبیاء از راه بشر جدا میشد و برای هر یک قانونفندی جداگانه ای قائل بودند اما کسانی مانند احمد بر اساس فطرت پاک و زلال خود و جوهره ایدئولوژیک سازمان که همانا اعتقاد به انسان بی نهایت طلب و هدفدار است بدنبال شیوه های کربلایی و حسینی رفتند و به میزان توان خود از انقلاب حسینی توشه ای گرفتند در واقع در خود سازمان هم دو جریان و دو خط فکری (راه انبیاء و راه بشر) وجود داشت. عده ای مانند محمد آقا، احمد، رضاهمدی و... جریان راه انبیاء و جریان الهی سازمان بودند که با وجود اینکه ایدئولوژی تدوین شده سازمان دارای عدم انسجامی بود حرکت این مجاهدان تحقق شیوه های الله و معصومین بود و این افراد باتکیه به جوهره

ایدئولوژیک سازمان و مبانی شناخت (انسان بی نهایت طلب) سعی در رشد و باروری دستاوردهای سازمان داشتند. ولی از طرفی جریانی همچون جریان شهرام بهرام رجوی جریان راه بشر در سازمان بود این جریان با اعمال دادن به راه بشر و علم کلاسیک تا به آنجا پیش رفت که تقی شهرام به علم مارکسیسم و دکامتیسیم چپ و مبارزه مسلحانه در مقابل شهید شریف واقفی و رجوی به علم غرب و منطق ارسطو و مبارزه علیه امام مستضعفین رسیدند. این جریان جریان خیانت باری بود که با سوء استفاده از عدم انسجامی ایدئولوژیک سازمان و نادیده گرفتن جوهره حرکت محمدی و شناخت به خون شهدا خیانت کرده و در خط شیطان بزرگ قدم برداشت. شیوه برخورد با الله (تسلیم و تعقل در مقابل تحلیل) نکته حائز اهمیت در طول کتاب "راه حسین" برخورد مجاهد شهید احمد با شیوه های الله است. عده ای هستند باتکیه بر ذهن و تحلیل خود با شیوه های انبیاء

و الله برخورد کرده و هر چه را مطابق تحلیلشان بود پذیرفته و تعقل در مورد احادیث و اعمال الله را درست نمیدانند که این جماعت عموماً به کلمه و محتوای شیوه های الله توجه پیدا نکرده و نهایتاً به برداشتهای ظاهری و شکلی از آنها اکتفا میکنند جریان صحیح جریان تسلیم و تعقل است. این جریان با وجود اینکه بر اساس فطرت تسلیم خود تسلیم شیوه های الله است و به درستی آن ایمان دارد بدنبال تعقل در این مورد و تبیین شیوه های الله پس مبنای اصول اسلام است که نمونه این شیوه را در برخورد شهید احمد با صلح امام حسن (ع) میبینیم که چگونه با تسلیم به خط مشی امام حسن (ع) به تبیین آن پرداخته و این تبیین در آن زمان حل کننده مسائل بسیاری از علما و روشنفکران بود.

به ضمیمه سالگرد شهادت مجاهد ایثارگر احمد رضایی قسمتی از کتاب "راه حسین" را که نشان دهنده تبیین احمد از حرکت الله است در زیر می آوریم. مصفاً را به قضاوت دعوت میکنیم و از خدا میخواهیم که ما را در راه احمد که همان راه امام حسین و امام معنی است ثابت قدم بدارد.

ربنا افزع علینا و ثبت اقدامنا و اصرنا علی القوم الکافرین
در مورد صلح امام حسن (ع) تحلیل شهید احمد را چنین میخوانیم:
"..... بکار بردن کلمه صلح در مورد امام حسن بسی کوتاه بینانه است چرا که صلح او در صورتی است که در آرمانهای و ایدئولوژی اثر سازنده و جانب عاقبت و رفاه را برگزیده باشد. فرق بسیاری است میان آنکه کسی

سازش میکند و آنکه که ضرورتها را تشخیص میدهد عدم درک چنین تفاوت موجب شده است برخی امام حسن (ع) را با همان چشمهائی ببینند که "فته گریزان مصلحت پر از" را نظاره کرده است. اگر او صلح کرده بود چرا معاویه تا آخر عمر از وی دست برنداشت و بارها در صد گشتن وی برآمد؟ آیا برآستی امام (ع) بر جانشان خود میترسید و به وسیله آن صلح ایمنی یافت؟ آیا به کامروایی دشمنان و طعمه جانگانه دوستان دلخوش داشت؟ اینجاست که باید به یکی از دایهانترین تشخیصات انقلابی يك انقلابی حرفه ای عصر حاضر اشاره نمود که سازش نکردن در موقع لزوم تاکنیک جدی يك طبقه انقلابی نیست بلکه عمل بچه گانه روشنفکران است." در جایی دیگر در مورد این جمله امام حسین (ع) که اگر من در جای خود بمانم این خلق هلاک شده به چه چیز امتحان شوند؟ میگوید:

"آشکار است که سخن امام حسین (ع) بر خلاف نصیحت همه ناصحین است که میگویند: یا حسین خود را در فتنه مینداز. میبینیم حسین (ع) از فتنه گریزان نیست حسین (ع) ابتلا را ابتدای راه تکامل میداند و هدف او به ابتلا و فتنه انداختن خلقی است که حکومت طولانی عثمان و معاویه و اکنون یزید، شرف و مرد انگلی و وحش مردی را از آنها باز گرفته و روح انقلابی اسلامی آنها را اسیر سازد. زور زور ساخته است او به انحرافات می اندیشد. نتیجه اش بازگشت نظام جاهلیست و اشرافیت قبلی است. (آری هنگامیکه انحرافات ریشه ای و محوری وجود دارد باید تولدی دیگر صورت گیرد و

این تولد شامل ایجاد نظام نو و انسانهای نو است. او میرود که او دل این نظام بوسیده که انسانها را به قهقرا سوق میدهد جامعه نو و انسانی نو بیافریند و روشن است که این آفرینش جز با نابودی لایه زاینده انسان کهنه صورت نمیگیرد."

"حسین خود برای در هم کوفتن ظالم قدم به جلومی گذارد، چرا که معتقد است که دست خدا (ید الله) از آستین خلق بیرون می آید (باید کم ۰۰۰۰) و این انسان (خلیفه الله) است که باید جاری کننده مشیت خدا که همان نابود کردن موانع راه تکامل است باشد. بدستان حزب اموی از آستین یزید بیرون آمده و راه کمال را سد کرده بود و اینک این یزید بود که با ایجساد نظام ضد انسانی و ضد تکاملی خود راه کمال را مسدود ساخته است. ولذا امام (ع) در یکی از خطبه هایش میگوید:

"این که شما دارید، زندگی نیست بردگی است و فساد همه این نکبتها را دست ظالم بر شما تحمیل کرده است من میرم تا آن دست را قطع کنم، میرم تا ظلم را نابود سازم، این است راه من و این است هدف من. آنانکه با منند بیایند و کسانی که سودای دیگر دارند روی به زندگی بازگردند."

در صفحه ۱۲۴ کتاب راه حسین میخوانیم که:
"..... حضرت بار دیگر با یاران خود و لشکریان حر" نماز گزارد و بعد از نماز رو به جانب مردم آورد و چنین گفت: "ای مردم، اگر از خدا تقوا داشته باشید و حق را برای اهلش بشناسید، خدا را از شما خشنود میسازد و ما خاندان پیغمبریم و سزاوارتر از اینان به حکومت به شما میباشیم، از این مدعیان که امروز برسوکارند و آنچه را که اهل آن نیستند ادعا میکنند و در میان شما ستم و بیداد میکنند و در میان امر تعیین کننده اجتماعی که مسئله حکومت و نظام حاکم است

..... اما احمد و یارانش فطرتاً به خدای واحد و قهار ایمان داشتند و در نتیجه میگفتند "قانون واحدی در جهان حاکم است". ایمان داشتند قانون خدا برای ما و الله تفاوتی نمیکند و.....

برای ایشان سخن گفت و نشان داد که چگونه بدون شناخت و عمده ترین حق اجتماعی که "حق حکومت برای شایسته افراد" باشد همه حقوق و موازین دیگر شکسته و لگد کوب خواهد شد و آنگاه با عدم رضایت و خشنودی خدا که لاجرم سرنوشت محتوم چنین اجتماعی است نه در این دنیا و نه در جهان دیگر برایشان سعادت و نیکبختی بر جای نخواهد ماند.

در صفحه ۱۲۵ این کتاب امام از قول پیامبر (ع) میفرماید:
"..... ای مردم رسول خدا گفت: هر کس حاکم بیدادگری را ببیند که حرامهای خدا را حلال میسازد و عهد و پیمان پروردگار را میشکند و از سنت رسول خدا منحرف میگردد و در میان بندگان خدا به گناه و ستم عمل میکند، پس با عمل و گفتار خود او را باز ندارد و روشن ناپسند و سزانش آمیز او را تغییر ندهد، بر خدا لازم است که او را با آن حاکم ظالم به یکجا ببرد و فریاد او را بیدادگران راه شیطان را در پیش گرفته اند و فریاد او را میبرند و از اطاعت خدای روگردانده دست بسازند تبهکاری گشودند حد و الهی را تعطیل کرده و مسال خدا را به خود و یاران خود اختصاص دادند. حرام خدا را حلال، حلال او را حرام کرده اند و اکنون بیش از همه کس من وظیفه دارم که این بدعتها را تغییر دهم و دست ستمکاران را کوتاه کنم."

در صفحه ۱۵۱ شهید احمد بعد از به میدان رفتن حر علیه سپاه یزید، در وصف یاران حسین (ع) میفرماید:
"..... چنینند یاران حسین (ع) که جنبش را بردوش و دست ستمکاران را کوتاه کردند."

ندارد. انقلاب دیگر راست‌فکره و خدمت به آن بی‌فایده است. عده‌ای دیگر بودند که وقتی با آنها مطرح می‌شد که دستهای مرموزی این کارها را می‌کنند تا نیروهای متعهد را منفعیل کرده و با امام به ضدیت بکشاند و اینها غیر خط امام هستند، در جواب می‌گفتند: شما اشتباه می‌کنید. خط امام همین است که هست با همه جوانبش این برخوردها بخاطر این است که شما گروهید. امت حزب ۰۰۰۰ همین است. اینها برخورد های حزب الله است. خلاصه هر شیوه انحرافی و غلطی را به امام و حزب ۰۰۰۰ نسبت داده و با آن سازش می‌کردند.

ولی تقی هیچگاه به امام و انقلاب اسلامی پشت نکرد چرا که اینگونه برخورد ها را غیر از خط اسلامی امام میدانست. بهمین لحاظ به تلاش خود ادامه داد. گرچه رفتن به خونین شهر از طرفه سایر نیروها پذیرفته نشده و تلاش برادران برای رفتن چند نفره به آنجا به جایی نرسید. ولی او تصمیم گرفت به آبادان برود و نیروی خود را در جهت تحقق خط امام کسب شکستن حصر آبادان بود گذشت برخورد شهید تقی برخوردی بود که با تکیه بر جوهر انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی برای رفع مشکلات و شتاب جنگ و دفع سریع تجاوز می‌کوشید.

پس از شهادت او حصر آبادان شکست و بالاخره خونین شهر آزاد شد. اینک پس از گذشت دو سال می‌بینیم که امام خروشیده است و برعلیه شیوه‌های غیر اسلامی و منشا این شیوه‌ها توده‌ها را بسیج نموده است. آری خروش امام فریاد دل مستضعفین هم چون تقی و انسانهای متعهد بسیاری است که صرفاً بخاطر خود جوش می‌زنند و اندیشه مستقل و برخورد مستقل داشتن تصفیه و پیا منزوی شده‌اند.

به این شکل بیرون شوم (۵۹/۸/۱۱) " کتاب خود سازی و مکتب ص ۶۳ " آدم گاهی به فکر فرو میرود که چرا باید با ما اینگونه برخورد شود و در حقیقت باید فکر کنیم چه راه حلی برای این تضاد می‌توان یافت. این مسئله است که مادر آیند نیز با آن برخورد خواهیم کرد. مشکلاتی برایشان فراهم خواهد کرد. حتی ممکن است برای بچه‌های دیگری که در قسمت‌های دیگر هستند این مسئله تولید شود. گاهی این توهم بوجود می‌آید که این مسئله ناشی از وابستگی ما به گروه است و ما باید این وابستگی را از بین ببریم. اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود. باید دید اشکال از طرف ماست یا آنها گویا مسئله‌ای برای آنها مطرح است. مجاهد شهید تقی مندلی به اینکه با این شیوه‌ها برخورد داشت ولی هیچگاه به جوهر انقلاب بدبین نشده و تلاش خود را برای تقویت انقلاب بیشتر نمود.

او برایی که می‌رفت ایمان داشت و اعتماد به نفس قوی او باعث میشد که در مقابل حدود و موانع تسلیم نشود و انسانی که اعتماد به نفس داشته باشد تنها به خدا تکیه کرده و از مارك خوردن نمی‌هراسد آری این است رمز خود سازی مکتبسی که ترسیدن از غیر خدا و ترسیدن از مارك خوردن و پند زندان اتهامات افتاده و در همان حال خوشحال بودن و برای متهم کنند متاثر شدن و در ضمن بد نبال شیوه صحیح برخورد گشتن. این همان برخورد کرامانه با انحرافات است. جریاناتی بودند که در برخورد با این شیوه‌های غیر اسلامی نظیر مارك و تهمت و تصفیه و ۰۰۰ یا به یاس افتادند و در کل انقلاب و جنگ شک میکردند و یا با این شیوه‌ها سازش کرده‌اند آنها را بعنوان خط امام قلمداد می‌نمودند.

عده‌ای می‌گفتند دیگر کار فایده‌ای

تقی مندلی مجاهد بود

تقی همواره در راه طلب شوق خدا را داشت

و او در گوشه نمناک سلولش

و در آن لحظه‌ای که گریه و امید را با خدا داشت

و آنچه از خدا دریافت در خود هم تقی داد

تقی ما کوثر ما بود همیشه از سلولش بیزار

و هر جا هر جا که جانش فرزند

تقی مندلی مجاهد بود

تقی مندلی چریکی بود بدوش بار سنگین هزاران قهرمان خون جوانان بدست او سلاح آتشین زخم و قلبش مملو از عشق خدا و لبش درین

و در هر کار او مکتب ما بود

تقی مندلی مجاهد بود

تقی مندلی مجاهد بود و سر باز خمینی بود

و راهش راه خونین خمینی بود

و طلب او عشق کربلا می‌سوزت

و در آرزوی فتح قدس و روزه و من عالم است

تقی از توده که برخاست و عمری برای توده که زحمید

و در آخر براه سرخ مندلی در درون خود غلطید

تقی مان خوب میدانست این ره هیچ خم دارد

ولی از جهان و دل در آن قدم بنهاد

زیرا که

تقی مندلی مجاهد بود

سختی از برایش هر زمان

هر کف

هر جا

گشتش بود

خروش امام فریاد دل آنهاست که می‌دیدند در جبهه‌ها سکون است و وقتی اغراض میکردند بعنوان ضد ولایت فقیه تصفیه میشدند.

خروش امام فریاد دل آنهاست که اگر انحرافی می‌دیدند و مطرح می‌کردند تحت عنوان اینکه هر چه کانال ولایت فقیه بگوید باید اطاعت محض محض شود. تصفیه و یا با مارك منزوی می‌شدند.

امروز امام می‌گوید ضوابط بر روابط مقدم است یعنی آنچه باید ملاک باشد ضوابط و قوانین انقلابی اسلامی است و این است که زمینه را برای رشد نیروهای متعهد آماده می‌سازد و مخالف باند بازی و گروه‌گرایی است. همان باند با کمپانی که بسیاری را منزوی و منفعیل نمود. امروز دستهای مرموزی که به قول آیت الله منتظری سعی در سرکوب کردن و به انفجار کشاندن نظام از درون داشتند می‌رود که منزوی و افشا شوند. خروش امام در جبهه‌ها نیز بسن بست شکن بسوده و باعث رشد خود جوشی و بسیج مجدد جبهه‌ها خواهد شد.

آنچه امروز وظیفه همه نیروهای متعهد و مومن و آنچه خط امام است این است که هم چون سابق این اشکالات را فقط در حد نواقض معرفتی و یا اشکالات طبیعی قلمداد نکنیم و باعث ساده‌اندیشی نشویم بلکه علیرغم وجود عناصر صادق و ناآگاه در اعمال این شیوه‌های غیر اسلامی بقول امام نفوذ شیاطین را به احتمال قوی بدانیم و به کشف ریشه‌های این شیوه‌ها و جریانات و باند هایی که باعث اعمال این شیوه‌ها شدند و طرح نقشه آنها و افشای جریانات انحرافی پردازیم.

باشد که با استمرار انقلاب و سعی در تحقق پیام امام، پاسدار خون شهیدان باشیم.

والسلام

جد از خدا حیثیتی قائل نیست علم و فرهنگ نیز نمی‌استقلال ندارد. این منطق علمی را می‌پذیرد که در جهت خدا باشد. چرا که علم مطلق از آن خداست. در این بینش تزکیه و تمسک به دین مبنای پیشرفت علمی قرار می‌گیرد و از آنجا که اساس تزکیه و وابستگی بخدا و وابستگی از موجودات دیگر است، تحقیقات علمی و دستاوردهای آن در جهت غیر الهی بکار گرفته نمی‌شود و در خدمت مستضعفین قرار می‌گیرد. آیت الله منتظری در پیام به مناسبت افتتاح دانشگاه امام صادق (ع) گفتند: " قهرا راهی برای اصلاح وضع

دنیا غیر از آنچه قرآن می‌گوید وجود ندارد و باید دنیای علم و صنعت متوجه خسران و زیان خود بشود و براه وحی برگردد. و تزکیه و تمسک به دین و معنویات را اساس و پایه پیشرفت مادی و علمی خود قرار دهد. تنها راه نجات علم از وابستگی و دستیابی به علم و فرهنگ مستقل همین است که علم در جهت رضایت خدا و مستضعفین قرار گیرد. تنها در این صورت است که علم در راه غیر انسانی و استثمار بکار گرفته نمی‌شود اما کسانیکه اصالت به علم میدهند، در نهایت تابع غرب خواهند شد. چرا که اپرالیسم در مدار علمی از ما

بیشتر تر بوده و مهند علم و تکنولوژی است. بعنوان مثال تحقق این بینش در زمینه اقتصادی به این نحو است که مابایستی در جاده سعادت و استقلال و رضایت خدا حرکت کنیم و با جبهه رفاه و وابستگی مبارزه دراز مدت داشته باشیم. چرا که لازمه استقلال اقتصادی این است که هیچگاه بدام روابط اقتصادی با کشورهای استعماری نیفتیم.

در حالیکه اگر به اقتصاد بعنوان یک پدیده مستقل نگاه کنیم خط مشی اقتصادی ما تابع عرضه و تقاضا شده و در جهت رفع نارضایتیهای طبقه مرفه قرار می‌گیرد.

دستیابی به استقلال در تمامی وجوه مکتبی، سیاسی، اقتصادی و ۰۰۰ که آرمان شهدای انقلاب است لازمه‌اش داشتن بینش و ایدئولوژی است که منتهی به استقلال شود. امام خمینی در تفسیر " الحمد " و کلیه پیامها و سخنرانیها - نشان چنین بینشی را ارائه داد و شیوه‌های خود ایشان نیز ملهم از آن است. انشاء الله که این بینش و شیوه‌های متأثر از آن راهنمای عمل جمهوری اسلامی قرار بگیرد. قدم اول در این راه الهی این است که بقول امام باورمان بیاید که می‌توانیم مستقل شویم.

والسلام

مشکلات انقلاب ما را تنها کارهای مکتبی، هماهنگی و خود کفایی نتوانند حل کنند.

مجاهد شهید محمد تقی باقری:



پیامون پیام ۸ ماهه ای امام خمینی

جامعه انقلابی ما در این مرحله از حرکت خود شتاب گرفته است که پیش از هر چیز احتیاج به آرامش خاطر و اطمینان به جریان قانون و احکام شرعی دارد. . . انتخابات خبرگان و حق شناسی مردم و شرکت وسیع مردم و هماهنگی مردم با سیاست مملکت در صدور این بیانیه موثر بوده. . . تاکید کرده اند روی اینکه به ادله انقلابی نمائی یا ضرورت انقلاب یا ضرورت تامین امنیت و چیز هائی از این قبیل به مردمی که دست اندر کار مبارزه مسلحانه با حکومت نیستند هیچگونه وبه هیچ نحوی تعدی و ستم نشود.

اطلاعات ۶۱/۹/۲۷
آیت ا. . . طاهری: در احکام الهام از آن بدون اجمال و تعارف برخورد کنند و خدای ناگردد با دادن چند شعار و تکریم و تجلیل بی محتوا از آن گذر نکنند. . .

اطلاعات ۶۱/۹/۲۷
پیام مشترک رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر به محضر امام: . . . باید با قدرت در مقابل افراد معدود . . . که با انقلابی نمائی و با تجسس غیر قانونی در زندگی مردم سعی مینمایند جوید بینی و یاس را بر جامعه و ادارات حکروما کنند ایستاد مسلمانان افراد مکتبی و مقلدان واقعی امام امت همیشه از شیوه هائی که با انگ زدن و تهمت زدن و به چپ و راست مقهم کردن اشخاص توأم بوده است برابر بوده اند. . . همه ملت آگاه و مسلمان حاضر در روضه صید اند که ملاک اصلی برخورد جمهوری اسلامی با اتحاد ملت بر اساس عدل و برابری در مقابل قوانین و مقررات است. . .

اطلاعات ۶۱/۹/۲۷
جمهوری اسلامی
آیت ا. . . موسوی اردبیلی: اگر این دستورات به وقت مورد مطالعه قرار گیرد و وجیزیش از همه جلب نظر میکند یکی آرامش اجتماع که مورد باید واقعاً احساس آرامش بکنند و در اجرای صحیح قوانین شرعی. . .

کیهان ۶۱/۹/۲۸
نخست وزیر: در جامعه اسلامی قبل از اینکه قرینه ای روشن بدست ما بیاید نباید نسبت به افراد با سوء ظن و بدبینی نگاه بکنیم در عین اینکه حساسیت خود مان را نگاه داریم و نمیدانیم چکار کنیم

کیهان ۶۱/۹/۲۸
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: حجت الاسلام خامنه ای: نگذارد بیاناتی که امروز امام عزیز و رهبر پیام امام محو می رنگ شود و بتدریج عظیم الشان شنیدیم ما را موظف میکند خشک شود و فراموش شود شما میتوانید یک مقدار برای تطبیق دادن خود - به استناد این پیام از نهاد های مان به روحیه بزرگ امام و راهنمای انقلابی هم که در آنجایی که لازم های بموقع و رهبری های لحظه به لحظه ایشان تطبیق بدیم بهترین قضای هم همینطور. . . نیرویتان شکر نعمت، نعمت چنین رهبری برای مسئولان اجرایی آن است که خودشان راهمانند با مردم که حقا همراه رهبر حرکت میکنند بنمایند. . . آنچه که تکیه گاه صحبت امام است در این بیانیه تاریخی آن نیاز مهم

کیهان ۶۱/۹/۲۸
حجت الاسلام ناطق نوری: داخل ارگانها و نهاد ها جلوگیری

بنام خدای شهیدان
توضیح:
۱- کما هو الحال
۲- دادان بینش استراتژیک از رویداد های ایران
۳- کما به پید کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم
۴- منطقه و جهان
۵- که به این کار اختصاص دادیم درج نمائیم
۶- اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از:
۷- کما به باورهای تحلیلی سیاسی نیروهای میگرد

آیت ا. . . العظمی منتظری امید امت و امام

به یقین هنوز اندر خم یک کوچه بودیم. . . باید با ایجاد ارتباط و تماس دائم بین حوزه و دانشگاه و تبادل دستاوردهای فکری و مکتبی بین این دو مرکز ترویج فاصله ها و بدبینی های حاصل از تبلیغات عمل رژیم گذشته را از بین برد.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
در دیدار با مسئولین هیئت و تلگراف: اکنون که فرصت خدمت به اسلام و مردم بدست آمده سعی کنید کارها برای رضای خدا انجام شود زیرا با این حقوق ناچیز و کارزار بسیار و مسئولیت سنگین اگر انسان بسیاری خدا کار نکند مغبون شده است. . . تمام نیروها را بکار گیرید و به آنها بیکی که قصد خدمت در روند مجال خدمت دهید و برخورد شما با آنها طوری باشد که از انقلاب زده شوند و به سمت دشمن گرایش پیدا نکنند البته افراد فاسد و توطئه گر حسابشان جداست. . . همانگونه که رهبر انقلاب تاکید فرمودند نباید در اسرار شخصی مردم تجسس و تفتیش شود.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
در دیدار با گروهی از طلاب اهل تسنن: ضمن تاکید بر فراگیری علم خطاب به طلاب گفتند: بجای پرداختن به مستحبات تحصیل علم کنید و هر چه وقت دارید صرف علم کنید زیرا جامعه ما به علم و فرهنگ اسلام احتیاج زیادی دارد و اگر مردم با تقوا باشند همه چیز درست میشود شما نباید زندگیتان را با کاغذ نشینان مقایسه کنید.

شهرستانها تعیین نمایند و ترتیبی دهند که محتوای پیام ایشان با حسن وجه پیاده شود.

انقلاب فرهنگی

همانگونه که امام متذکر شدند این است که یک انقلاب اساسی و کامل در تمام شئون و رشته های فرهنگی ما باید سالها بطول انجامد و به صرف طرحها و برنامه های ذهنی و سردور از جریان عمل نمیتوان به هدف اصلی رسید بلکه باید در عمل و برخورد



عینی و درازند هن گزائی دست یافت از این رونمای فکر کنیم که حرکت انقلاب فرهنگی به پایان رسیده باید با شروع کار دانشگاه ها و بکارگیری استعداد های اساتید و دانشجویان مومن به انقلاب اسلامی و دادن امکانات لازم به آنان انقلاب فرهنگی را باور ساخت. . . اگر ما میخواستیم در چارچوب نظام اداری کعبه الاسف هنوز بقایای بروکراسی آن به چشم میخورد، انقلاب فرهنگی را شروع نمائیم

پیام امام

۶۱/۹/۲۸

۲- پیام مهم و تاریخی اخیر امام راهمه شنیدیم و باید برای فهم روح و زمینه تحقق آن کوشا باشیم معظّم له در این پیام لزوم مراعات واجرا «عدالت را منحصر به دستگاه قضایی ندانسته بلکه تمام ارگانها را متوجه وظیفه سنگین خود ساختند در رهبر ارگانی از هر مسئولی اگر عمل خلاف عدالت و اصول انقلاب اسلامی سرزد باید بگریستولان آن را گوشزد و به مقامات بالا جهت اقدام قانونی گزارش دهند. . . و زمام دگرگمی خواهند به ابعاد مکتب عقیدتی افراد توجه نمایند آنچنان افراط میشود که احیاناً عسدهای فرصت طلب با تظاهر به مکتبی بودن و قبول ولایت فقیه و اسلام فقهتسی بیاند اشتن لیاقت و کاردانی کافی پستهای کلیدی را قبضه می نمایند و در عمل صحنه را از افراد لایسحق و مستدین و دلسوز و بدون تظاهر وادعا خالی میسازند و کوچکترین لغزش را از چنین افرادی نمی بخشند. . . خداوند غفار پس از توبه از گناهان بندگان میگردد ولی متأسفانه برخی از افراد ان بی جهت گرفتار ساخت گیری و تنگ نظری میباشند و احیاناً خدای ناگردد به صرف یک اتهام واهی و با اختلاف ناچیز آبرو و حیثیت افراد خد متگزار و معرض خطر قرار میگردد. عامل مهم دیگری که در ارگانها زمینه خروج از مرز عدالت میشود تمایلات شخصی و گروهی است. . . معیار انتخاب افراد برای مسئولیتها را داشتن تقوی و لیاقت و تخصص بودن در خط رهبری دانست و هیچگونه ملاحظاتی شخصی و یا گروهی د بگرز ملاحظ قرار نداد. . .
۴- ریاست محترم دیوان عالی کشور و جناب آقای نخست وزیر. . . سعی کنند هیاتهای از افراد بی طرف و خبیرات فاهم کامل با ائمه محتبرم جمعه و نمایندگان معظم له در



کرد ویا... و بطور کلی شیوه مبارزه
بادشمن و شناخت او چیست؟ برای
توضیح بیشتر به مقالات "طرح
ارگان اطلاعات و امنیت جمهوری
اسلامی ایران" در راه مجاهد شماره
۱۴ و مقاله "سازماندهی و مکتب
(اول بسیج مستضعفین بعد نفوذ یا
اول نفوذ در دشمن بعد بسیج...؟)
شماره ۵ در راه مجاهد شماره ۱۱،
رجوع شود.

اطلاعات ۶۱/۹/۲۸
حجست الاسلام امامی کاشانی
اگر مابه اخلاق اسلامی آشنا بودیم
امام ناچار نمیشدند آن بیانیه مهم
را صادر کنند.

اطلاعات ۶۱/۹/۲۸
یکی از کسبه خیابان جمهوری
اسلامی: اگر منافقین و اصولا جبهه
صد انقلاب میخواهد که هر روز بر جبهه
ناامنی دامن زند دلیل نمیشود که
بعضی از برادران امام سازمان های
اداری و انتظامی از اصول خود خارج
شده و به عکس العمل ناجور بپردازند
پیام اخیر امام مشخصا چنین منظوری
را دنبال میکند یعنی حفظ اصول
اسلامی در چهارچوب نظام جمهوری
اسلامی ایران.

اطلاعات ۶۱/۹/۲۷
احمد عطاری نماینده اراک: طرح
این مسئله از جانب امام تصویب این
نکته است که بدان این مسائل ضروری
برای قوای مختلفه کشورند و بلکه
به تصحیح امور کمک میکند و خط
سالم رابه جامعه میاندازد.

کیهان ۶۱/۹/۳۰
شهاب الدین بیعقدار نماینده
ورزقان: پیشنهاد میکنم هر سه روز
یکبار یا هر ماه یکبار بطور مردم اوم گزارش
عملکرد مسئولین در مورد این پیام
در اختیار است: حزب الله قرار گیرد.

کیهان ۶۱/۹/۳۰
حجت الاسلام سید هادی
خامنه ای: ... متاسفانه این
توصیفها... خود برای پوشاندن
و ناپذیر ساختن پیام و موج و پویایی
آن "حجاب اکبر است و غالباً تعریف
- ها و تمجید های زبانی دلیل فقدان
تصمیم جدی برای پیگیری و یاد آور
و جبهی از وجوه مرگ زای نظام گذشته
است که افشاء الله از مسئولین ما از
بالا تا پائین در ویران.

کیهان ۶۱/۹/۳۰
یونس محمدی نماینده خرمشهر:
امام عزیزمان با این پیام خواهان
تحول و درگرونی در اخلاق جامعه
گردیده مسئولین و نهاد ها و مردم را
به سوی انقلاب عظیم اخلاقی و
اسلامی هدایت کرد.

کیهان ۶۱/۹/۳۰
رجبعلی طاهری نماینده کازرون:
همچنین در نهاد های انقلابی که
در آنها نیز عناصر نفوذی مخصوصا
از منافقین از قبل نفوذ کرده بودند و
هنوز هم هستند ولی شناخته نشدند
و این ها برای آنکه نهاد های انقلابی

را از رون بپوک و تنهی کنند سعی
دارند تا هر حکم الهی را در جهت
منویات سوء خودشان قرار داده
و جمهوری اسلامی را مخدوش نمایند
و اساس کار آنها این است که مردم را
ناراضی کرده بحساب خودشان یا
آن ناراضیتی عمومی که بدین وسیله
بوجود می آورند یک قیام علیه رژیم
بوجود آورند.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
حجت الاسلام سید هادی خامنه
- ای: ... صد و زاین پیام هساز
نوعی ویژگی و موقعیت و شرایط
جامعه حکایت میکند - ۲- طراحان
و برنامه ریزان از مدار اصلی و حقیقی
هدفهای اساسی انقلاب اسلامی
انحرافات (کم یا زیاد) دارند.
- ۳- به تخلفاتی که پاره ای
مسئولین مرتکب میشوند (و این
تخلفات هر یک بنوبه خود پیامدهای
خطرناک بسیاری دارد) رسیدگی
لازم نمیشود.
- ۴- رابطه همچنان بر گرسی ضابطه
نشسته و حکومت میکند.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
حسن شاهچراغی نماینده
دامغان: گاه روح پرتلاطم امام
سخن میگوید و جامعه را بوجد و
التهاب می آورد اما بجای استفاده
از زمینه های مساعد آن برای حل
مسائل و یاری گرفتن از مردم مومن
و انقلابی تلاشها خلاصه میشود در
اجداد انحراف و گمانهای انحرافی
و تفسیرهای به رای و تاویل های
متناسب با ضعفها و نسیانیت پیام
امام با یاد اجرا شود باید دید انگیزه
رهمر چه بوده و چه چیزی او را به این
فریاد ها واداشته است خیانت است
که همه چیز را با روحیات ضعیفو
نفسانیات خویش تفسیر و تاویل
کنیم و بابه چند شعار موافق اکتفا
کنیم... اجازه ندهند که جوهره
آنها گرفته و به صورت یک کار تشریفاتی
بی محتوا و همراه با شعار آبرامعکس
نمایند... از قوه قضائیه و مجریه
بپرسند که چرا چنین شده و چنین
میشود؟ چه کسانی خشم مقدس امام
را برانگیخته اند؟ چه کسانی
اینگونه گستاخند که پس از تذکرات
مکرر مجلس و نگرانیهای فراوان آیت
... العظمی منتظری و سخنان
برادر هاشمی رفسنجانی و... هم
چنان تنگ نظرانه عوامانه و احياناً
مفرضانه بکار خویش دامه میدهند؟

کیهان ۶۱/۱۰/۱۱
مهندس موسوی: مفهوم این
بیانیه... به این مناسبت تا در
جامعه آن استفاده های نامشروع
از قدرت را از زمین ببرد و زمینه های
استفاده های نامشروع قدرت را در
هر سطحی و هر رگانی بخشکاند...
در ریشه کن کردن این امر یک مقداری
صراحت لازم است که باید در مقابل
مردم آنها جواب داد خطی که
ستاد در پیش گرفته است این است که
مسائل را برای مردم توضیح دهد و
مافکر میکنیم این مسئله نه باعث
تضعیف دولت و قوه قضائیه و نه
نهاد های انقلاب خواهد شد...
این فرصت بسیار گرانبهایی است
که امام امت در اختیار همه ما گذاشته
- اند و شکر این نعمت آن است که از
این سلاح بهترین استفاده را برای
گسترش حق و عدالت بنمائیم... در
حال حاضر جو طوری است که اگر این
روحیه برقرار شود بیش از منافع ما در
منفعت معنوی خواهیم برد... به
محض آنکه مردم احساس آرامش میکنند
و میبینند که حق و عدالت در جامعه
گسترده شده و احساس میکنند که
ظالمانه کسی بازداشت نمیشود...
بلافاصله یک رشد و شکوفایی در
اقتصاد ما بوجود میاید.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۱
حجت الاسلام محقق داماد: فرمان
امام برای این صادر شده است که
از کج اندیشی های مذهبی و انقلابی
که آفت هر انقلاب است جلوگیری کند
... با مقدس مایی های دروغین
و تفتیش های غیر قانونی و تخلفاتی

بلکه در سطوح دیگری... چندان
که انسان نمیتواند خوشبین باشد
که پیام امام بتواند آنطور که انتظار
جامعه است اجرا شود.

راه مجاهد:
علیرغم مشکلات و ضعفهای
موجود در اجرای فرمان ۸ ماده -
ای امام و اصلی ترین وظیفه کلیه
نیروهای خط امام، ریشه یابی
عمیق و درست بگفتار و شیوه های
غیر اسلامی است تا از این طریق و با
قاطعیت بیشتر و به بهترین وجهی
فرمان امام و اجرا گردد.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۱
حجت الاسلام در نجف آبادی،
نماینده اربیل چیزی که قابل توجه
است یکی مسئله حقوق مردم است
و دیگر اینکه هدف کلی انبیا، مسئله
هدایت و تربیت و مسئله رحمت بود
است یکی از هدفهای بزرگ انبیا
در طول تاریخ از جمله هدف انقلاب
اسلامی ایران این است که هر چه
بیشتر مردم تربیت شوند هدایت
شوند و به مسیر فطرت عمل کرده و ساز
گردند... بر اساس این است که
باز مردم برخوردی بر اساس رحمت و بر
اساس جذب بشود نه بر اساس دفع
و طرد و یا خدای نکرده بر اساس سوء
ظن و بدبینی یا تعالیات شخصی و یا
گروهی و غیره.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۱
مهندس موسوی: مفهوم این
بیانیه... به این مناسبت تا در
جامعه آن استفاده های نامشروع
از قدرت را از زمین ببرد و زمینه های
استفاده های نامشروع قدرت را در
هر سطحی و هر رگانی بخشکاند...
در ریشه کن کردن این امر یک مقداری
صراحت لازم است که باید در مقابل
مردم آنها جواب داد خطی که
ستاد در پیش گرفته است این است که
مسائل را برای مردم توضیح دهد و
مافکر میکنیم این مسئله نه باعث
تضعیف دولت و قوه قضائیه و نه
نهاد های انقلاب خواهد شد...
این فرصت بسیار گرانبهایی است
که امام امت در اختیار همه ما گذاشته
- اند و شکر این نعمت آن است که از
این سلاح بهترین استفاده را برای
گسترش حق و عدالت بنمائیم... در
حال حاضر جو طوری است که اگر این
روحیه برقرار شود بیش از منافع ما در
منفعت معنوی خواهیم برد... به
محض آنکه مردم احساس آرامش میکنند
و میبینند که حق و عدالت در جامعه
گسترده شده و احساس میکنند که
ظالمانه کسی بازداشت نمیشود...
بلافاصله یک رشد و شکوفایی در
اقتصاد ما بوجود میاید.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۱
حجت الاسلام محقق داماد: فرمان
امام برای این صادر شده است که
از کج اندیشی های مذهبی و انقلابی
که آفت هر انقلاب است جلوگیری کند
... با مقدس مایی های دروغین
و تفتیش های غیر قانونی و تخلفاتی

از این قبیل... باید قاطعانه همه صد برخورد کردن با مسایل
برخورد شود... است اینکه عده ای از مسئولان به
صرف اینکه احتمال دارد مدبریت
اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
زیر علامت ستوال بیرون عقب نشینی
در چهارده همین گرد همبسی
کند در حکم توجیه اعمال استانیان
معاونین اداری و مالی وزارتخانه ها باید درک کنند که اعمال خلاف قانون
و سازمانهای دولتی... خاطر نشان و تند رویها تا چنانچه از و در چه ابعاد
شد روح فرمان امام حاکمیت قانون و... ی جامعه را بدین و ناراضی بسیار

... آی دزد!

بسم الله الرحمن الرحيم

گفته اند روزی تبهکاری در بازار دخل مغازه ای را خالی
کرده بود و برای رد گم کردن جلوتر از همه جمعیت
خودش میدوید و فریاد میزد: "... آی دزد، آی دزد!"
یاری بد نبال فرمان صریح ۸ ماده ای امام بسیاری
از شخصیت های خط امامی، یاران امام، و امت
حزب الله، پشتپناهی و آمادگی خود را برای اجرای
دقیق پیام امام اعلام کردند، اما امکان
دارد بعضی اشخاص و جریاناتی که خود به بدترین
و جبهی عامل شیوه های غیر اسلامی، محل نفوذ جریانات
انحرافی، و "بهبانه جورکن" برای دشمنان انقلاب اسلامی
بوده اند، فریاد: "... آی دزد! سر داده تا بخیسال
خام خود از دست مدعیان انقلابی" بیزگم کنند.
در عین حالی که باید گوش بزند اینگونه حیلها و
نیز توطئه های پیچیده تر باشیم، باید زمینه های نفوذ
و انحراف و سنخیت های خود را نیز با جریانات
انحرافی و نفوذی در خط امام، و همچنین شیوه های غیر
اسلامی از بین ببریم.

روایت کرده اند که پیش از خلقت حضرت آدم (ع)،
روزی خداوند خطاب به ملائکه میفرماید: "بزودی یکی
از میان شما منحرف شده، و باعث فساد میشود." ملائکه
به جنب و جوش می افتند و هر یک از جانب خود
استغفار میکنند که مباد آن ملك منحرف و فاسد او
باشد. اما در این میان "ابلیس" (که در آن موقع ملسک
مقرب درگاه باری تعالی بود) پیش خودش حساب کرد
که "خوب، سرانگشتی هم که بخواهی حساب کنی، خیال
ما یکی که جمع است! چرا که از طرفی شش هزار سال
است که مشغول عبادت خدا هستم و تازه سالیان دراز
از این مدت طولانی را به سجده او مشغول بوده ام، از
طرف دیگر از نزد یکتربین و والا مقام ترین ملائکه مقرب
هستم و منزلگاهم عرش خداوندی است، و از طرفی هم
از لحاظ اصلیت و جنس و ماده، خلقت بر همه برتری دارم
و به این ترتیب "ابلیس" امکان انحراف و تمرد از پروردگار
را در هر کس دیگری میدید غیر از خودش. و نطفه
انحراف و تمرد ابلیس نیز همینجا بسته شد.

آری، ما نیز در عین مبارزه با جریانات انحرافی
و تصفیه آنها از خط امام، باید سنخیت های خود، ان
را هم با این جریانات پاکسازی و تزکیه نمائیم تا مبادا
فرد ای روزگار، خدای ناکرده، خودمان بدام انحراف
بیافتیم. آری، نباید فکر کنیم که مخاطب امام تنهاد یگران
هستند و ما از هرگونه خطا و انحراف، و ایراد و اشکال
مبری هستیم. عمیقاً فکر کنیم و ضمن یافتن کوچکترین
شیوه غیر اسلامی در رفتار و خط مشی مان، به تزکیه
خود بپردازیم.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن
لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا
تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ
پروردگارا، قلبهای ما را پس از آنکه هدایتمان کردی
در چار لغزش و انحراف مگردان و نور رحمت را بر ما
پرتو افشان بگردان پروردگارا، براستی که تو بسیار
بخشنده ای.
پروردگارا، از گناهان ما، و آن برادرانمان که در
ایمان بر ما سبقت گرفتند چشمپوشی کن و در دل های
ما نسبت به کسانی که ایمان آورده اند غل و غشش
و ذهنیتی قرار مده. پروردگارا، براستی که تو مهربان
و رحیمی.

سیری در مواضع امید امام

بسم رب المستضعفین

خدا مالکی ، اساس مالکیت در اسلام

فقیه عالیقدر آیت ۰۰۰ منتظری اساس اقتصاد اسلامی را اصل مالکیت مطلقه خدا دانسته و میگوید : " اقتصاد اسلامی نظامی مستقل است که بر اساس اصل مالکیت مطلقه خدا بر همه چیز و موازین قسط و رعایت حقوق همه افراد استوار شده است . "

" اساس مالکیت در اسلام اصل خدا مالکی است مالکیت مطلق فقط و فقط از آن خداست و مالکیت های دیگر امانتی است که خداوند به امام و امت سپرده است تا در مسیر قسط و تأمین نیازهای همگان بکار برند . "

(پیام به سمینار بررسی مسائل اقتصادی - ۵۸/۵/۲۸)

اصل خدا مالکی بصورتیکه اعتقاد فطری در بین توده های مستضعف مسلمان مطرح بوده و هست . که بزرگان مردم ، در قالب این شعر آمده است : " در حقیقت مالک اصلی خداست این امانت یکد و روزی به روزی دست ماست " این نظریه نسبت به مالکیت ، تحقق ایمان به توحید است و اینکه خودشان و هر چه را که دارند از آن خدا گرفته اند و در نیاراجل گذر میدهند . اصل خدا مالکی تحقق آیه حکم " انالله وانا الیه راجعون " است که بر اساس آن خدا مالک و حاکم بر انسان و آنچه که در تصرف اوست ، میباشد .

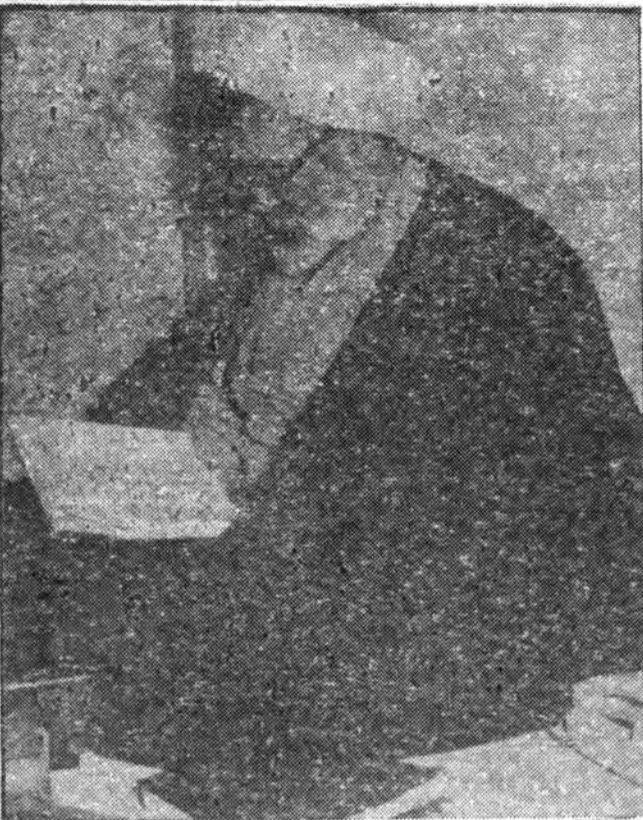
از دیدگاه اسلام ، عالم چیزی جز خدا و تجلیات او نیست . خدا وجود واحد مستقل از ذهن و قائم به ذات است و تمامی پدیده ها وابسته به اویند . ماهیج استقلال بی برای مخلوقات نمی توانیم قائل شویم و به همین ترتیب انسان هم در برابر خدا استقلال ندارد و بالطبع نمی تواند در تصرف نعمات خدا مستقل عمل کند . بلکه تازمانی می تواند از نعمات الهی بهره مند شود که در جهت تحقق اراده خداوند است ، که همانا حاکمیت مستضعفین بر روی زمین است ، از آنها استفاده نماید .

از نظر آیت ۰۰۰ منتظری بجز مالکیت خدا ، مالکیت های دیگر همه امانتهایی هستند که بدست انسان سپرده شده است و انسان باید در بکارگیری آن ، امین و متقی باشد .

هر کس مالک کار خویش است

باتوجه به اینکه اساس مالکیت در اسلام " خدا مالکی " است باید دید که تحقق این اصل ، در مورد انسان که خلیفه الله و بقول قرآن وارث زمین می باشد ، چیست ؟ آیت ۰۰۰ منتظری در این باره میگویند : " توجه داشته باشید که کار ، اساس و پایه اقتصاد در اسلام است . یعنی به این معنی چون کار محصول و بازده نیروها و فعالیت های جسمی و فکری من است ، کار من بمن وابسته است . اگر در اسلام ، مالکیت خصوصی قائم بدین معناست که مالکیت خصوصی برای اینکه آن محصول و بازده کار من ، این بمن وابسته است . اساس اقتصاد اسلام این است . "

مالکیت



" در اسلام نه سرمایه داری بدین معنی که مطلق و آزاد باشد ، ارزش دارد برای ما و نه کمونیسم ، بلکه مالکیت خصوصی در اسلام است . اما بهمین طور که کار و کوشش میکند و بازده کار و محصول کارش مال خودش است . کسی که اراضی موات را احیاء کند ، مال آنست . نه اینکه رقبه زمین مال آن است . مالک احیاء آن است . "

(پیام - ۵۸/۲/۱۱)

بناسبت روز کارگر

" این مالکیت (بازده کار) یک امر طبیعی و تکوینی است و تا وقتی که اثر کار باقی است ، زمین هم در اختیار اوست و او حق است به آن زمین . ولی همینکه از کشت و ساختمان خود صرف نظر کنند آن زمین به جای او دل خود برگردد . حق او از زمین سلب میشود . "

(بحثی پیرامون اقتصاد اسلامی)

" اینهم که بگوی مالک چیزی نیست ، برخلاف

قانون تکوین است . چون هر فردی مالک کار خود میباشد و بعکس اینکه کسی بیاید زمینهای زیاده را گرفته و با هم خود ثبت دهد و خود را مالک بداند از نظر اسلام مطرود است . "

(۵۸/۳/۱۵)

با خبرنگار فرانسوی

" پس کسی را نمی رسد قسمتهایی از زمین را بنام خود ثبت دهد و زمین بازی و بورس بازی راه بیندازد مگر اینکه زمین را از طرف حکومت دریافت کند و آنرا احیاء نماید . بوسیله کشت ، ساختمان که در این صورت حاصل کار او و زمین که زیر کشت و ساختمان اوست و حق دارد آنها را بدیگری منتقل نماید . "

بر اساس مواضع فوق ، مالکیت خصوصی مشروط به کار است . یعنی تازمانیکه اثر کار باقیست زمین در اختیار انسان قرار میگیرد . بر اساس این دیدگاه بورس بازی و خرید و فروش زمین مشروع نیست . چرا که فروشندة آن هیچ کار و زحمتی برای زمین نکشیده است . به این ترتیب اراضی وسیع بایری که فقط در سند به اسم مالکین و فئودالها است و علا به نفع مردم مستضعف نیست ، متعلق به حکومت اسلامی بوده و باید در اختیار مستضعفین روستائی قرار گیرد .

در همین رابطه آیت ۰۰۰ منتظری میگویند : " این محصول کار و بازده کارش مال آن است . ولی زمین ، معدن ، جنگل ، دریاها ، این قبیل چیزها اینها متعلق به افراد نیست ،

اینها متعلق به خداست و بایستی زیر نظر حکومت عادل اسلامی بین افراد توزیع و واگذار بشود به افراد . "

(۵۸/۲/۱۱)

بناسبت روز کارگر

رابطه خدا مالکی و کلامی

باتوجه به نظریات آیت ۰۰۰ منتظری که نقل شد ، دو اصل اساس مالکیت ، یکی خدا مالکی و دیگری کار مالکی میباشد . اما این سؤال باقی است که کدامیک از این دو اصالت دارد و رابطه بین خدا مالکی و کار مالکی چیست ؟

عده ای خدا مالکی را یک اصل عرفانی دانسته و در زمینه اقتصاد اسلامی ، نقش عملی برای مالکیت خدا قائل نیستند و خدا مالکی را در طرح اقتصادی خود تحقق نمیدهند . به نظر میرسد که اشکال اصلی جریان مزبور این است که رابطه صحیح بین مالکیت خدا و مالکیت خصوصی را مشخص نکرده است .

اما عده ای نیز هستند که در زمینه اقتصاد اسلامی ، خدا مالکی را اصل اساسی میدانند و کار مالکی را در کادر آن قبول دارند یعنی در اسلام " کار " وقتی ایجاد مالکیت میکند که در راه خدا و سعادت خلقت مستضعف باشد . برای نمونه یک شکنجه گر ساواک را در نظر آوریم . این فرد با اینکه کار میکند و در مقابل کارش حقوق می گیرد ، اما چون کار او در جهت رضای خدا نیست و برای تحکیم پایه های ظلم و کفر است ، مشروعیت نداشته و اموال او بدست حکومت اسلامی مصادف میشود . لذا هر نوع کاری منشأ مالکیت نیست و مالکیت خصوصی تا آنجا محترم است که موجب رشد و تعالی انسانها بشود . چنانچه آیت ۰۰۰ منتظری میگویند :

" از نظر حق تصمیم گیری در مالکیت فردی نیز افراد محدود هستند و خداوند حدودی را تعیین نموده است که در حدود آن حدود افراد میتوانند در اموالشان تصرف نمایند و این حدود ، حدودی است که مایه تکامل فرد شده و مصالح همگان را تأمین می نماید . " سایر علما نیز قید مشروع بودن را همراه کار می آورند . در اسلام کار صرف ارزشمند نیست و کار مشروع در جهت اصولی ارزشمند است .

امید امت و امام در مورد رابطه بین خدا مالکی و کار مالکی چنین می گویند :

" هر چند محصول کار از آن صاحب کار است ولی چون مالک اصلی خداست ، طبق قوانین الهی توسط نماینده خدا ، حاکم اسلام با اخذ مالیاتهای اسلامی از تمرکز ثروت در یکجا جلوگیری کرده حتی الامکان در مسیر جامعه بی طبقه گام بر میدارد که البته مالیات مقرر در قوانین اسلام چ در آمد مازاد بر احتیاج شخص منظور گشته که در مواقع ضروری ، سیر صعودی می پیماید . مثلاً ۸۰ درصد و حتی در صورت اقتضا همه ثروت گرفته خواهد شد . "

(۵۸/۳/۱۵)

با خبرنگار فرانسوی

امام بر مالکیت خصوصی

حق ولایت دارد

به این ترتیب تحقق مالکیت خداوند ، حاکمیت نماینده خدا بر جان و مال مردم است . رهبران الهی از پیامبران گرفته تا ائمه معصوم و اولی الامر در عصر غیبت ، حتی بر مالکیت های خصوصی و مشروع هم حاکمیت داشته و در مورد آنها تصمیم می گیرند .

بر اساس آنچه گفته شد ، مبنای مالکیت در اسلام خدا مالکی و مالکیت امام ولایت فقیه است و کار مالکی در کادر اصل فوق مورد قبول می باشد . اما جریانی معتقد است که مالکیت خصوصی ، فطری و از اصول اسلام است . حال آنکه ولایت فقیه را در استثنائات و مقاطع می پذیرند . مسلماً با این دیدگاه نمی توان حاکمیت ولایت فقیه بر مال و انفس را تبیین کرد . اینها در عمل به مالکیت فردی و خصوصی در مقابل مالکیت مطلقه خدا اصالت میدهند . حال آنکه طبق نظر آیت ۰۰۰

منتظری در عین اینکه کار موجب مالکیت میشود اما نماینده خدا طبق قوانین الهی میتواند در مورد سرمایه و ثروت افراد تصمیم بگیرد . ایشان در این رابطه می فرمایند :

" بنا بر اصل ولایت امام می توانند در موارد لازم در جهت تأمین نیازهای جامعه در مورد اموال افراد تصمیم بگیرند . ولایت امام در اموال ضامن حفظ اسلامیت نظام اقتصادی و

سیری در موانع امید است و امام

حافظ مصالح است و بدین ترتیب همواره مالکیت فردی را در جهت منافع عموم بکار می گیرد.

"مالکیت فردی در اسلام بصورت مطلق نیست بلکه همواره جامعه در منافع ناشی از مالکیت افراد شریک است و دولت بدین منظور مالیاتهایی بنام خمس و زکات و غیره به نفع عموم از اموال و درآمدها مطالبه می کند. بنابراین شکل مالکیت فردی در اسلام بصورت مالکیت خصوصی - عمومی است. از آن گذشته مالکیت فردی از نظر کیفی محدود است. زیرا انفال و سایر موارد فوق الذکر در مالکیت فردی درسی آیند و همچنین مالکیت از نظر کیفیت محدود است، بوسیله اصولی مانند "لا ضرر ولا ضرار" محدود شده است. بوسیله مواردی که مستقیم یا غیر مستقیم زبانی به جامعه نرساند و یا موجب استثمار افراد دیگر نگردد."

(۲۸ / ۵ / ۵۸ - بهمنیار بررسی مسائل اقتصادی)

ایمان به مالکیت خدا و ولایت امر، در بین توده های مردم و در تاریخ شیعه بچشم می خورد. برای نمونه در اوج فتوح الیسم در دنیا، پنج زمینهای ایران وقف بوده است. یعنی مردم زمینهای خود را در راه خدا و ائمه واجتماع وقف می کردند. حتی در یک مورد فردی یک ده را شش انگ وقف کرده بود، برای ماد رانیکه اگر فرزند انشان یک بشقابسی را شکستند، مادرها به آنها توهین نکنند و بچه ها خود کم بین نشوند که در آینده عوارض اجتماعی ببار بیاورند. این است حقیقت مالکیت اسلام که آیت ۵۰۰ منتظری آن را در قالب مالکیت خصوصی - عمومی مطرح می نمایند. و میگویند همواره مالکیت فردی در جهت منافع عموم بکار می افتد.

در این رابطه یک نمونه تاریخی، حزب برادران در شیراز است. در سالهای ۲۸-۲۷ اعضای این حزب تمام اسناد مالکیت اعم از مغازه و باغ را به سید نورالدین که رهبر حزب برادران بود، سپردند. یعنی اینکه سید نورالدین مالک است و اینها مالکیتی ندارند. ماد تاریخ خودمان میبینیم که مردم د اوطلبانه سند هایشان را به رهبر مذهبی شان میدهند و او مالک آنها میدانند. و ایسن سنت شیعه است که همیشه مردم مؤمن و معتقد، اموالشان را نزد مرجع تقلید یا نماینده اش میبرند و برای آنها حق دخل و تصرف در مالکیت فردی خود قائل هستند.

امت اسلام بطرف جامعه ای پیش می رود که در آن ملاک مالکیت شخصی شکسته و ملاک تقرب به خدا و امام زمان (عج) بر همه چیز حاکمیت پیدا کرده و ملاک مالکیت میشود. جامعه عدل امام زمان (عج)، جامعه صلواتی است که در آن هر فرد به اندازه توانش کسار میکند و به اندازه درجه مسئولیت و تکاملش از نعمات بهره می گیرد. روایت است که در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)، مردم در صورت احتیاج از جیب یکدیگر نیازهایشان را تأمین می کنند. یعنی به آن مرتبه ای از ترب به خدا و عشق به امت واحده می رسند که تقدیم برای خود نسبت بدیگران قائل نیستند.

بلکه مالکیت خدا را بر تمام مالکیتها حاکم می بینند.

منطق مسلمانین، منطق انالله و انا الیه راجعون است

به این ترتیب، توده های فطری اموال خود را امانتی میدانند که از طرف خدا به انسان سپرده شده است و خود را موظف می بینند که آن را در جهت مصالح اسلام و مسلمین بکارند.

با توجه به آنچه گفته شد، باید از جریانها - شیخ مالکیت خصوصی را فطری میدانند. پرسید که با این منطق، ایثار چگونه تبیین می شود؟ آیا ایثار یک عمل مخالف فطرت نیستی شود؟ چرا هر قدر انسان فطری تر و بخد انزدیتر میشود، مالکیت خود را در جهت مالکیت خدا نمایند و اونقی می کند؟ با این دیدگاه مسئله شهادت چگونه تبیین می شود؟ شهادتی که از مال و جان می گذرند تا به مرتبه شهادت برسند، و بقول امام به وجه الله نظر کنند. این شهادت تحقق آیات قرآن هستند که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند:

الذین آمنوا و عاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عند الله و اولئک هم الفائقون (آیه ۲۰ سوره التوبه)

اینها اموال و حتی جان خود را امانتیهایی می بینند که باید در راه خدا و حکومت عدل اسلامی نثار کنند.

در این رابطه بیجاست سخن امام را بسا جان و دل شنوا باشیم که:

"داری، زن و فرزند امانتیهایی خدا هستند. جوانهای ما از خدا هستند و در راه خدا فدای خود را می کنند و به خدا مراجعت می کنند. اگر چنانچه هر که دارد، بفرموده خداست اگر زندگی دارد خدا به او داده است و اگر اولاد دارد خدا به او اعطا کرده است و اگر ثروت دارد خدا به او اعطا کرده است. همه چیز را خدای تبارک و تعالی اعطا فرموده است. اگر دل انسان به این معنی ایمان بیورد و اطمینان به این معنی داشته باشد، چیزیکه امانت الهی است، به خدا برگرداند. اولادها امانتیهایی هستند از خدا. زن و فرزند امانتیهایی هستند از خدا. دارائیهایی امانتیهایی هستند از خدا و به او رسیده است. و ما از خدا هستیم و بسوی او رجوع می کنیم."

(۷ / ۱۰ / ۵۹)

آری، با ایمان به خدا مالکی است که می توان ایثار و شهادت را تبیین کرد. و بقول امام منطق ما، منطق انا لله و انا الیه راجعون است.

انگیزه حرکت انسان چیست؟

عده ای مالکیت خصوصی را عامل محرک انسان میدانند و معتقدند انگیزه انسان برای کار و فعالیت، از عشق او به تملک ناشی می شود و هر اندازه مالکیت وی محدود گردد، به همان اندازه عشق کار و فعالیت از او سلب می شود.

اما باید دید که اگر مالکیت مبنای انگیزه انسان برای حرکت باشد، پس خدا چه نقشی در حرکت انسان دارد؟ باید پرسید که ویژگی اصلی انسان خداجویی است یا مال طلبی؟ و در پاسخ به این سؤال است که می توانیم عامل حرکت انسان را در اینجا در این رابطه می توان از سوره همزه الهام گرفت که جمع کردن مال را از ویژگیهای

نکوئیده انسان میدانند و می گوید: "و سل لكل همزة لمزه، الذی جمع مالا" و عده دهه یجب ان نماله اخلده" (آیه ۱ تا ۳) "وای بر هر نکوئیشگر عیب جو، آنکه گرد آورد مال را و شمارش، بپردازد که مالش جاودان داردش."

لازم به ذکر است که در شرایط فعلی بسیاری هستند که با انگیزه مالکیت شخصی خودشان عمل میکنند و اگر مالکیت انسان محدود شود، از کار و فعالیت مأیوس میشوند. در برخورد با این افراد باید گوشید در پیاده کردن قوانین و اصول اسلامی، مرحله بنسندی کرد تا فرصت کافی برای رشد و تعالی انسان فراهم آید. اما اصالت دادن به مالکیت فردی و پذیرش آن بعنوان یک اصل اسلامی با روح اسلام و قرآن نامازگار است. چرا که هدف قرآن آن است که انسانها حب نفس و حب مال را کنار بگذارند. بقول امام: "آنچه انسان را گرفتار میکند این علاقه ای است که انسان دارد و آنهم حب نفس است همان حب نفس است، حب دنیا، حب ریاست درد است که انسان را به هلاکت میرساند."

بذل مال مقدمه بذل جان

آیت ۵۰۰ منتظری، آرمان اقتصاد اسلامی را تحقق اقتصاد ایثار" میدانند و گفته اند "اقتصاد کشور باید بر اساس اسلام رشد کند و هماهنگ با انقلاب و رشد اقتصادی، انقلاب فرهنگی و اخلاقی نیز باید بگونه ای صورت گیرد و تعالی یابد که در آینده جامعه ای بر اساس برادری و مساوات ایجاد کنیم. جامعه ای که همه در کنار هم برادروار اقتصاد خویش را بر اساس ایثار بنا نمانیم."

(۲۸ / ۵ / ۵۸ - بهمنیار بررسی مسائل اقتصادی)

"اقتصاد ایثار" تحقق اصالت انسان در زمینه اقتصاد است. ایثار، همان تغییر و تحول درونی انسانهاست که هر قدر به خدا بیشتر وابسته میشوند، از دنیا و متعلقاتش وارسته میگردند. یعنی وقتی انسان نسبت به مالکیت و حاکمیت خدا باور قلبی پیدا کند، از مال و جان در راه خدا میگذرد و ایثار میکند.

رسالت انبیا و در استمرار آن تکلیف الهی که اولی الامر بعهده دارند، تربیت و تحول درونی انسانهاست. در این جهت وقتی ولی فقیه و حاکم عادل اسلامی، از مردم خمس و زکات میگیرد، این پول را صرف تشکل شیعه میکند و امت واحده را رشد و گسترش میدهد. در این مسیر، انسانها متحول شده و از قبیله مال و حتی جانشان نیز در راه آرمان اسلام میگذرند و هر چه دارند فدای اسلام میکنند. و این تحقق "اقتصاد ایثار" است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه ای ضمن تشریح بخشی از کتاب خمس آیت ۵۰۰ منتظری میگویند: "۵۰۰ ساله تقوا مطرح است یعنی وقتی که قصد قربت مطرح شد، مستقیما متکی میشود به تقوای انسان، آن داستان معروف هابیل و قابیل را شنیده اید که قرآن میگوید وقتی که دو برادر آمدند در مقابل خدا قربانی کردند: "یتقبل من احدیها ولم یتقبل من الاخر" از یکی قبول شد و از دیگری قبول نشد و این ناراحت شد که چرا از او قبول نشده و قرآن میفرماید

"انما یتقبل الله من المتقین" خدا اونقدر از متقین میپذیرد و خمس داد همراه تقوا و مبلغ تقوا است. یعنی نمیشود آدم بی تقوا برای خدا از مال و هستیش بگذرد آن کسه میگذرد توجه خواهد کرد که تقوا دارد. خمس در واقع سبیل آمادگی یک فرد مسلمان برای بذل کامل جان و مالش در راه خداست چرا که نیت او در برداختن خمس، تقرب به خداست و هرگاه لازم بشود در راه رضای خدا از همه چیزش نیز خواهد گذشت. به این ترتیب برداختن خمس مقدمه ای است برای بذل چهارینجم بقیه اموال بشکل د اوطلبانه و سهم امام، اعلام آمادگی به مرجع و امامت جامعه است و بیان اینکه، وی در سیر حفظ و تسد ام انقلاب، هم در زمینه بذل جان و هم در سذل امکانات میتواند روی ماحساب کند.

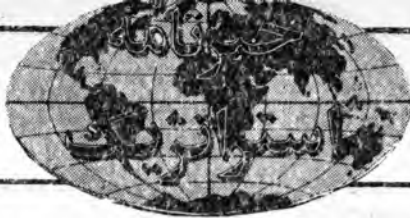
خمس، بودجه حکومت اسلامی بوده است. اما هر وقت شیعیان، حکومت را اسلام نمی دانستند، وجه خمس را به ائمه و پس از آن به علماء میبرد اختند. یعنی پول خود را برای تقویت نهضت شیعه صرف میکرد و میدانستند که این مسیر خون و شهادت و ایثار است. اکنون که این ملت به امام خمینی، خمس و زکات و سهم امام میپردازند، در واقع امامت او را در استراتژی خونین فتح قدس از طریق کربلا بذیرفته و در این مسیر خونین آمادگی خود را برای بذل جان و مال اعلام میکنند، پرداخت خمس و زکات، در واقع نشانگر بیعت خونین مردم با امامت انقلاب در راستای سبیل قدس و کربلاست. قبل از انقلاب نیز برداخت وجوهات بمنامینندگان امام خمینی مستلزم آمادگی برای زنده ماندن و شکرجه و از دست دادن جان و مال و فرزند بود. مردم ایمان دارند که با پرداخت میزانی از اموال و دارائی هایشان، مراحل بالاتری از ایثار و از خودگذشتگی را در پیش خواهند داشت و امامشان آنان را در یک صراط توأم با خون و شهادت بسپار کرده و حرکتشان را بسوی خدا شدت خواهد بخشید.

عده ای با احکام مالی اسلام، برخوردی برعکس آنچه گفته شد، دارند. بدین معنی که به امید درمان ماندن جان و اموال خود بخشی از آن را به مرجع خود واگذار میکنند. به این ترتیب پرداخت خمس، تضمین برای حفظ چهارینجم دیگر است. در اینجا هر مرجعی که سلامت جان و اموال افراد را بیشتر تضمین کند، محبوب تر واقع میشود و نقش مرجع، نگهداری از منافع شخصی و حفظ زندگی عایت طلبانه مقلدین میشود که انشاء الله اینان تعالی یافته و با این مسئله آنچنان که هست برخورد کنند.

و السلام

پاورقی (۱) - منظور از نقل این مورد تاریخی اشاره به روحیه ایست که مردم است نه تأیید حزب برادران

اساس مالکیت در اسلام اصل خدا مالکی است مالکیت مطلق فقط و فقط از آن خدا آیت منتظری



قد در ارم در ارتباط با این معامله تحقیقاتی را آغاز کنیم زیرا بنظر میرسد این معامله ها هم از جمله سیاست های باشد که در پی آن رژیم هائی برای بدست آوردن منافع کوتاه مدت بدون توجه به ضرورت های ناشی از آن از جانب امریکا حمایت میشوند.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱
طارق عزیز اعلام کرد که رژیم صدام معادل ۲ میلیارد دلار سفارش خرید اسلحه به یک کارخانه فرانسوی داده است.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۵
علاوه بر ارسال تجهیزات نظامی ابر قدرت شوروی به عراق از جمله موشکهای در برورد فزاد و تانکهای تی - ۷۲ و ۲۵ اخیستار سوسیالیستهای فرانسه تعداد زیادی موشک ضد تانک مارتل و موشک های آگزوست را جهت مقابله با انقلاب اسلامی به عراق ارسال کرده اند. . . امریکا اخیراً نیز مقدار بسیار مستجابی سلاحهای شیمیایی

اطلاعات ۶۱/۱۰/۵
رئیس حکومت نظامی ترکیه و فرمانده نیروی دریائی سعودی از پاکستان دیدار کردند.

کیهان ۶۱/۱۰/۵
حبیب شطی در بیرکل سازمان کنفرانس اسلامی وارد پاکستان شد وی در مورد مسائل مربوط به جهان اسلام بخصوص جنگ ایران و عراق با مقامات پاکستانی گفتگو خواهد نمود.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۲
رئیس ستاد کل ارتش عربستان سعودی برای یک دیدار شش روزه، وارد اسلام آباد شد.

کیهان ۶۱/۱۰/۸
معاون وزارت دفاع پاکستان پس از سفر به چند کشور حوزه خلیج فارس در مصاحبه ای ضمن اعلام این مطلب که روابط پاکستان با کشورهای خلیج خصوصاً رژیمه مسایل دفاع و هواپیمایی کشوری بسیار نزدیک و مستانه است افزود که امنیت خلیج فارس به امنیت پاکستان بستگی دارد.

شوقی که بر میدارند به فکر این باشند که آیا روبرو با بستگی میرویم یا به طرف رهایی و آزادی، و رابطه با کشورهای خارجی که نمیخواهند از طریق روابط ما را ببلعند باید باشد به آنها که میخواهند از طریق روابط ما را وابسته بکنند هیچ لزومی ندارد و باید با احتیاط با آنها برخورد نشود. ما باید به سختی حرکت کنیم که میخواهیم با کفایت خودشان خودکفا باشیم.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
واشنگتن پست: . . . عراق علناً اعلام کرد که علیرغم نزدیکی به چهار سال قطع رابطه با مصر به علت اعضای پیمان صلح با اسرائیل مجدداً آماده است بدون توجه به این قرارداد روابط دیپلماتیک خود با این کشور را از سرگیرد. طارق عزیز گفته است که ما مخالف از سرگیری روابط حسن با مصر نیستیم و آماده ایم با مقامات مصری بمنظور تحکیم روابط گفتگو کنیم.

اخبار داخلی
کیهان ۶۱/۹/۲۹
بیانیه مشترک ایران و لیبی بطور همزمان در تهران و طرابلس انتشار یافت. . . و طرف بر ضرورت تلاش برای ایجاد جبهه متحد اسلامی ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی و تقویت همبستگی جبهه پایداری تا اینکه بتواند قاطعانه در مقابل توطئه های امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع ایستادگی نماید تاکید داشتند.

در چند روز گذشته مطبوعات امریکا برای توجیه کمکهای غرب به بغداد رسماً خواستار اتحاد و حمایت گسترده امریکا و کشورهای عضو ناتو از بغداد شده اند. . . واشنگتن تا به نوشت: امریکا باید در جهت جلوگیری از پیروزی ایران علاوه بر پشتیبانی همه جانبه از رژیم های مترجع عرب که به صدام کمک مالی میکنند مستقیماً به یاری رژیم بغداد برخاسته و با ایجاد فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران مانع پیروزی قطعی رژیمندگان این کشور در جنگ با عراق شود.

کیهان ۶۱/۹/۱۶
وزیر بازرگانی امریکا پس از دیدار از عربستان سعودی: امریکا و سعودی دارای اهداف سیاسی و اقتصادی یکسان هستند.

کیهان ۶۱/۹/۱۸
وزیر دفاع ترکیه که برای یک دیدار رسمی از اردن عازم عمان شد گفت که با مقامهای اردن پیرامون امکان همکاری نظامی در کشور گفتگو خواهد کرد.

کشور کرد آباد ولت میتواند چنین تصمیمی در جهت واگذاری آنها به بخش خصوصی بگیرد.

سؤال: سیاست دولت در مسائل تجاری در ارتباط با فروش نفت چیست؟

مهندس موسوی: مناسبت ارزی کشور اخیراً بهبودی خوبی یافته است ولی این بهبودی موجب زیر پا گذاشتن اصولی که بدان معتقدیم نخواهد بود بایست بودی وضعیت ارزی مقدار ارزش بیشتر به ورود کالا های واسطه ای و کود و سم اختصاص یافته است و رقم کمتری به مسائل رفاهی تخصیص یافته که بر مبنای ضرورت صورت گرفته است.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
سید حسن شاه جراحی مخبر کمیسیون در این خصوص توضیحاتی داد و گفت در این رابطه شورایی بنام شورای حمایت از حرکت های اسلامی و نهضت های آزاد بیخبر مرکب از وزیر امور خارجه بایک نماینده تام الاختیار از طرف وی وزیر ارشاد اسلامی بایک نماینده تام الاختیار از طرف وی و نماینده مقام رهبری زیر نظر نخست وزیر تشکیل میگردد.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۹
وزیر کشاورزی: اجرای این قانون زیر نظر ستاد است که وزارت کشاورزی موظف به تشکیل آن هست این ستاد متشکل از یک نفر روحانی به معرفی وزارت کشاورزی یک نفر به عنوان نماینده وزارت کشاورزی نماینده جبهه سازندگی نماینده وزارت کشاورزی و نماینده وزارت دادگستری که سه نفر اخیراً به تائید وزارت کشاورزی رسیده باشد. . . بر اساس اولویت هائیک این قانون باید به زمین های دولتی و موات قابل احیاء در اسرع وقت موجود میباشد و یا خیر؟ و این زمین ها را در اختیار آنها قرار میدهم اگر احیاناً این زمین ها تکافونکرد و تعداد روستائیان کم زمین و بیابانی زمین زیاد بود نسبت به تقسیم زمین های سایر میرسد و دوباره در صورت عدم رفع نیاز زمین های بزرگ و اکثر تقسیم خواهد شد.

سؤال: با توجه به اینکه پیرایه اجرا در آمدن مصره شورای انقلاب مانکن مقدار از زمین های خود را جهت سوء استفاده و فساد در جهت مشمولیت قانون تبدیل به باغ کردند و باد نظر گرفتن اینکه در تبصره ماده ۶ قانون اراضی که میگوید باغات و قلمستانها در حد نصاب اراضی زراعی منظور نخواهد شد مگر اینکه بعد از تاریخ ۱/۱/۵۹ بدون مجوز قانونی بصورت باغ تبدیل شده باشد و جمله آخر حذف شد.

وزیر کشاورزی: بدلیل اهمیت و حساسیت موضوع انشاء الله پیگیری خواهد شد تا در مجلس مورد تصویب قرار گیرد و بدین ترتیب جلوی تبدیل زمینها به تاسیسات دیگر گرفته شود.

جمهوری اسلامی ۶۱/۹/۲۷
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

قانون احیاء و واگذاری زمین

در معدن نظرات فقها اینجور است بعضیها کل معدن را از انفال میدانند اگر معدن از انفال باشد یعنی دولت می تواند به مردم واگذار کند و یا پروانه ای که میدهند مردم استفاده کنند.

امروز در جمهوری اسلامی ما معدن را از انفال حساب کردیم و بر این اساس قوانین را قرار دادیم و اینها می توانند با اجازت و پروانه دولت از معدن استفاده کنند بر این اساس از معدنی که استخراج میشود ۲۰٪ را بخش خصوصی از برداشتن باید بدولت بدهند بعد از مخارج استخراج و این رقم عظیمی است.

نفت

کیهان ۶۱/۹/۲۴
مهندس موسوی نخست وزیر: اکنون از ابزار نفت به صورت یک اهرم سیاسی در سراسر جهان استفاده می کنیم. مصوبه های در رهبات دولت داریم که درصدی از نفت را با تسهیلاتی برای کشورهای جهان سوم در نظر گرفته ایم.

۲۵ درصد از واردات صنعتی ما از ژاپن وارد میشد ولیکن در ازای آن نفت از کشور مانعی خرید و با توجه به ۲۵ درصد کالا که رقم کلانی می باشد ژاپن رابطه سالی کلانی می باشد ژاپن فکر میکرد که ما نمی توانیم از این رقم صرف نظر کنیم ولیکن با اتکا به اصول با این ساله

مقابله کردیم و اکنون توانسته ایم بر قرار کنیم و این مساله در رابطه با دیگر کشورهای اروپای غربی و شرقی تعمیم یافته است. البته لازم به ذکر این نکته است که حجم مبادلات ما با خارج بطور دائم به نفع کشورهای جهان سوم تغییر می کند و بتدریج از حالت قطبی بگذر خارج میشود.

کیهان ۶۱/۹/۲۱
معاون بین المللی وزارت نفت گفت: ۱- قیمت خام مینا لازم است در سطح ۳۴ دلار در هر بشکه حفظ شود.

۲- تولیدی حدود ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز برای کل اوک تعیین گردد.

۳- ما معتقدیم که در این اجلاس باید بر اساس اصول منطقی سهمیه هر یک از کشورها تعیین گردانین اصول منطقی عبارتند از: تولید گذشته اوک مقدار ذخایر نفتی هر یک از کشورهای عضو جمعیت اعضای اوک، نیازهای مالی و ذخایر کشورهای عضو. . . ایران در همان کنفرانس اعلام کرد خواهان تولید

تبرایک عظیم در وقت است که مسلمین توجه بکنند به گرفتاریهایی که دارند و توجه بکنند اینکه از کجا این گرفتاریها آمده است.



سه میلیون بشکه نفت در روز است ما تا به امروز در کلیه کنفرانس های اویک اعلام کرده ایم که رقم ۱/۲ میلیون بشکه در روز به هیچ وجه مورد قبول ما نیست.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۴
رئیس کمیسیون نفت در مجلس: این کمیسیون ذخایر نفتی را وسیله ارتقا سطح زندگی مستضعفین می داند و سعی بر آن دارد که کم کم مسئله نفت را به عنوان تنها عامل تعیین کننده سیاست اقتصادی تلقی شده خارج ساخته و آن را به عنوان یک ابزار سیاسی چه بلحاظ مسائل داخلی و چه بلحاظ مسائل خارجی بکار ببرد.

تفاهم شرق و غرب
کیهان ۶۱/۱۱/۱۴
شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه رژیم سعودی در جریان سفر هیات منتخب اتحادیه عرب به مسکو روز جمعه با اندروگرومیو وزیر خارجه شوروی ملاقات کرد. شوروی و پادشاهی سعودی بسا سال ۱۹۳۸ دارای روابط کامل دیپلماتیک بودند اما شوروی در این سال سفارت خود در پادشاهی سعودی را بعنوان گاهش هزینه تعطیل کرد.



کیهان ۶۱/۹/۱۲
بیانیه عدن پس از تشست رهبران فلسطینی در یمن جنوبی انتشار یافت: برای مقابله با این نقشه ها و طرحهای نابود کننده، وحدت ملی ما با یکی شده ابزار انقلاب در چاره چوبسازمان آزاد بیخش فلسطین و ارگانهای آن از طریق مشارکت فعال خلق ما بوسيله کلبه گروهها و نیروهای ملی مبارز و گسترش دامنه مبارزه سلحانه فلسطین بخصوص در داخل سرزمین اشغال شده ما و در پشت خطوط دشمن و متحول ساختن توان نظامی ما در مواضع جدید و تحکیم پایداری شجاعانه توده های مادر داخل وطن اشغال

شده و لبنان و تثبیت تجمع خلق فلسطینی ماهر جاکه هستند حصول سازمان آزاد بیخش فلسطین و برنامہ سیاسی ملی و تصمیم گیری مستقل آن، باید بیشتر مستحکم شود.

کیهان ۶۱/۹/۱۲
عمر موسی نماینده مصر در سازمان ملل متحد گفت حال که سازمان آزاد بیخش فلسطین واقعا قدم هائی در جهت صحیح برداشته میبایست گفت و شنود سازنده بین امریکا و این سازمان هر چه زودتر انجام پذیرد.

کیهان ۶۱/۹/۱۲
ابویاد گفت: تا وقتی مصر از پیمان کمپ دیوید کناره گیری نکند عرفات از آن کشور دیدار نمی کند وی افزود که این تصمیم طی اجلاس سران عرب در بغداد اتخاذ شد.
کیهان ۶۱/۹/۳۰
نایف حواته گفت: از آنجا که پراکنده بودن فلسطینیها در کشورهای مختلف به مصلحت مبارزه این ملت و اعراب نیست بر نامه های در دست اقدام است که همه گروههای فلسطینی را که پس از خروج از بیروت به کشورهای دیگر رفته اند در سوریه جمع آوری کرده.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱
زائو زیانگ نخست وزیر چین گفت: حق فلسطینیها برای داشتن یک کشور مستقل و همچنین حق اسرائیل برای ادامه حیات حمایت کرد. چین طرح صلح کنفرانس سران عرب در نامزاعاد لانه و علی میدانند زائو افزود: کلیه کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله اسرائیل حق موجودیت و استقلال دارند لکن این بدان معنی نیست که چین قصد شناسائی اسرائیل را داشته باشد.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۴
معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه کویت اظهار داشت: شرکت شوروی در یک کنفرانس بین المللی برای حل مسئله خاورمیانه ضروری است. وحل مسئله فلسطین جز با شرکت دو ابر قدرت امکان پذیر نیست.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۴
فارق قدومی رئیس بخش سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین دیروز برای گفتگو با مقام های ترکیه در مورد اوضاع خاورمیانه و روابط ترکیه و سازمان متبوعش وارد آنکارا شد. ترکیه تنها عضو سازمان کشورهای اسلامی است که با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارد.

سخن امام

راهنمای مستضعفین

کیهان ۶۱/۹/۲۹
ارزش در لسان انبیاء و در لسان اولیا خدا و در راس آنها قرآن کریم و رسول اکرم (ص) ارزش به علم و تقواست میزان ارزش این نوع خاصه است علم و تقواست. ملت اگر متقی شد میتواند کسب حفظ کند خودش را از همه آفاتی که در دنیا پیش میاید. باید مردم را آشنا کرد با آن چیزی که انبیا برای آن آمدند "بعثت لا تم مکارم الاخلاق" برای تقوا و آدم سازی آمدند. اگر علم تنها وی تقوا باشد ولو علم، علم توحید باشد و لیسو علم ادیان باشد در آن علم ارزش ندارد.

مساله د و راه هست يك راه انبیا است و يك راه شیاطین يك راه طغیان است و يك راه انبیاها را انبیا ارزشها را طوری دیگری می داند. انسان را صاحب ارزش می داند و ارزشش را به حیوان نمی داند به جماد نمی داند به دارائی نمی داند به آن چیزهایی که در باطن خودش انسان بفهمد چکاره است. آنها هست می داند به علم می داند که در این راهند که راه را پیدا به تقوا می دانند. به مکارم اخلاق گشود می توانند حجابها را پاره کنند می داند و این قشر از جمعیت بشر تمام ارزشها را تغییر آن چیزی که انبیا می دانند خداوند انشا ما و شما را موفق کند که ارزشهای انبیا توجه کنیم و ما دنبال انبیا و در خط آنها باشیم. و از ارزش های انبیائی که برخلاف سیره انبیا است پرهیز کنیم دنیاکی را بخواهیم که ارزشش انبیا دادند عصمتی را بخواهیم که ارزشش راتقوا و علم داده است.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۵
وقتی بنا بر این شد که ما باید خودمان باشیم، و وابسته به غیر نباشیم، و خودمان حیثیت خودمان را حفظ کنیم، و این احساس در ما پیدا شد، همین امر انشاء الله منتهی میشود که همه چیز ما اصلاح بشود.

عده این است که انسان در آن راهی که باید سیر کند وارد بشود و که پیدا کردن راه، مشکلی نیست بعد از پیدا کردن پیسودن آن آسان است. همین کاری که شما در وزارت خارجه و سفرا در خارج می کنید، اگر در راه مستقیم اسلامی باشد سیر الی... است. چراغ را خود خدای تبارک و تعالی جلو گرفته و تاریکی را روشن کرد و هیچ وقت نگذاشت ملت مست شود این برای آن بود که ملت

بیتراضه راهش را پیدا کرد و به صراط مستقیم رسید.

کیهان ۶۱/۱۰/۶
وقتی بنا باشد که ارزش انسان به اسب و الاغ و سگ و تازی و امثال اینها باشد. آن مبداء ارزش ارزشش به اسب و الاغ و سگ و تازی و امثال اینها باشد آن مبداء ارزش ارزشش از این بخص بیشتر است. برای اینکه آنها مبداء ارزش هستند انسان خودش ارزش ندارد.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۷
از اول عالم تا بحال در حزب بوده است یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و شیطانی و آثار هر يك هم جدا بوده است. آنی که مال "الله" بوده چون نهضت خدای تبارک و تعالی است بسوی او و در راه مستقیم است و آنکه برخلاف این راه بود که اکثریت هم با اینها است.

حزبهای الهی آثارش این است که روح خداست. یعنی کوشش ان اینست که دعوت به خود نکند و دعوت به خدا بکند. دعوت به طبیعت نکند و دعوت به الهیت و ملکوت بکند و این علامتی است که انسان خودش می تواند بفهمد که ارزشش را به حیوان نمی داند به جماد نمی داند به دارائی نمی داند به آن چیزهایی که در باطن خودش انسان بفهمد چکاره است. آنها هست می داند به علم می داند که در این راهند که راه را پیدا به تقوا می دانند. به مکارم اخلاق گشود می توانند حجابها را پاره کنند می داند و این قشر از جمعیت بشر تمام ارزشها را تغییر آن چیزی که انبیا می دانند خداوند انشا ما و شما را موفق کند که ارزشهای انبیا توجه کنیم و ما دنبال انبیا و در خط آنها باشیم. و از ارزش های انبیائی که برخلاف سیره انبیا است پرهیز کنیم دنیاکی را بخواهیم که ارزشش انبیا دادند عصمتی را بخواهیم که ارزشش راتقوا و علم داده است.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۵
وقتی بنا بر این شد که ما باید خودمان باشیم، و وابسته به غیر نباشیم، و خودمان حیثیت خودمان را حفظ کنیم، و این احساس در ما پیدا شد، همین امر انشاء الله منتهی میشود که همه چیز ما اصلاح بشود.

عده این است که انسان در آن راهی که باید سیر کند وارد بشود و که پیدا کردن راه، مشکلی نیست بعد از پیدا کردن پیسودن آن آسان است. همین کاری که شما در وزارت خارجه و سفرا در خارج می کنید، اگر در راه مستقیم اسلامی باشد سیر الی... است. چراغ را خود خدای تبارک و تعالی جلو گرفته و تاریکی را روشن کرد و هیچ وقت نگذاشت ملت مست شود این برای آن بود که ملت

این آدم تخلف کرد و خلاف کسره است باید آنها یک مسئول هستند فوراً و غیبت الامر در ظرف سه روز به جای آنها کسی را بگذارند. لکن ما باید این بار ظلم که در الان در سرتاسر کشور گاه می شود به اشخاص سبک کنیم و از بین ببریم و اگر چنانچه من الان می گویم اگر چنانچه باشخص به واسطه اغراض فاسده بخواهند جو سازی کنند و بخواهند تلفن از این طرف و آن طرف بکنند و این مطلب معلوم بشود خود آنها برخلاف موازین شرعی و مقابل اسلام می خواهند کار بکنند و من به ملت اعلام می کنم که هر کس که اینکار را کرد با او معامله فسق بکنند. در هر صورت مسئله، مسئله مهم است مسئله مسئله آبروی اسلام است آبروی جمهوری اسلام ما مسئله شوخی نیست که يك کسی در يك شهری آن همه جنایت می کند آن وقت يك کسی دیگری برای خاطر او کله کند به او معین ظلمه باشد نباید اینکارها بشود.

بعد از اینکه يك کسی شاکسی دارد او را بخواهند هر کس می خواهد باشد اگر شکایتی دارد و دیدند يك شکستی است روی اساس صحیح باشد او را بخواهند و محاکمه کند اگر چنانچه بیگناه بودند خوب بروند سراغ کارشان و اگر بسی گناه نبودند آن وقت باید به محاربات خودشان به حسب موازین شرعی از تعزیر و از حد و از قصاص و از اینها چون بعضی از اینها قصاص دارند باید مردم قصاص کنند از آنها و بعضی از اینها تعزیر شرعی اکثر اینها تعزیر شرعی دارد و بایست تعزیر بشوند مابین اشخاص که مرتکب شدند و ابدا تخلف از این امر نخواهد شد.

هر کس هر جوسازی بکند به ضرر خودش است و او را در بین مردم ما اعلام می کنیم اگر کسی بخواهد يك جوسازی بکند که اسلام کار خودش را عمل نکند آن بدتر از آن کماری شوند هر جا که هستند برای اسلام و برای خدا و برای رسیدن به مقصد الهی، فعالیت کنند. و اگر در بین خودشان دیدند که کسی انحراف دارد به آقایان اطلاع دهند.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۳
تنها راه نجات خودشان را این می دانند که اسلام در این کشورها یا نباشد یا محتوا نداشته باشد یا نباشد را خیلی میدانند موفقیت پیدا نمی کنند لکن محتوا نداشتن را موفق شده اند و امید توفیق هم دارند.

جمهورية اسلامی ۶۱/۱۰/۸
ما نمی توانیم ببینیم که يك کشوری ادعای این بکند که حاکم جمهوری اسلامی هستیم و قاضی که باید آنقدر در شرع بهش اهتمام شده است آن وقت قاضی يك شهر را به آتش بکشد و سکوت بکنیم. از حالا به بعد اصلا سکوت معنا ندارد باید آقایان به طور جدی محکمه ای تشکیل بدهند برای نرسیدگی به امر متخلفین قضات متخلف و کسان دیگری که در هر جا هستند و متخلفند و متخلفین را بعد از اینکه معلوم شد که

وقتی که ما میخواهیم جهات معنوی را بشناسیم در مادیات و مادیات را به طرف معنویات بیاوریم این سیر الی است.



کیهان ۶۱/۱۰/۸
آیت ا... موسوی اردبیلی: مردم اگر ناراضی هستند از انقلاب نیست... مردم از تبعیض ناراحتند از سی عدالتی ناراحتند و روح فرمان امام هم این است که اگر تبعیضی، اگر تبعیضی بود و اگر تخلق در جایی از کسی دیده شد این باید خاتمه یابد

کیهان ۶۱/۱۰/۸
مهندس موسوی: اگر مفهوم عمیق

خلاصه رابرسی کنند و اگر خواهند برای آینده خلاصه رابرسی شود... باید از دانه های درشت شروع کنند... ضعف کشی کردن در سستی... همیشه آنجایی میتواند بازخواستها اثر عمیق داشته باشد و همه را حساب بیاورد که از آنجاها که خلاصه سنگین تراست و حیوانات مختلف از یک جاهایی هم حمایت میشود اطمینان دارد که کسی نمیتواند با او طرف شود از آنجا باید شروع کرد.

مقتضات

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۴
آیت ا... منتظری خطاب به میهمانان شرکتکننده در هفته وحدت گفت: افرادی که در بین رازسیاست جد امید اند یا معنی درین رانقیمید هاند و یاسیاست راه معنی خفه و تزویر قلمداد میکنند.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۷
مدرس مد رسه دارالعلوم جعفری پاکستان: هدف از مسافرت مابسه ایران لبیک گفتن به پیشنهاد فقیه عالیقدر حضرت آیت ا... العظمی منتظری در رابطه با هفته وحدت است. دشمنان انقلاب اسلامی هر چه بخواهند از ضد و رانقلاب اسلامی جلوگیری کنند نمیتوانند کما اینکه تاکنون نتوانسته اند... جنگ بین ایران و عراق در حقیقت جنگ بین اسلام و کفر است چرا که جمهوری اسلامی ایران از حق و حقیقت و از اسلام و قرآن دفاع میکند ولی رژیم بعثی - صهیونیستی عراق از امریکسا و صهیونیستها دفاع مینماید.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۷
سمیناریک روزه ائمه جمعه استان های اصفهان و چهارمحال بختیگر تشکیل شد... در رابطه با فرمان

هشتاد و هفت امامت و انتشار نظریات فقهی حضرت آیت الله العظمی منتظری بحث و تبادل نظر بعمل آمد و تصمیماتی اتخاذ شد.

اطلاعات ۶۱/۱۰/۹
آیت ا... طاهری امام جمعه اصفهان: در این کنگره ما کنفرانسها - سی داریم و جلساتی نیز به نام کمیسیون وجود دارد... بحث در داخل کمیسیونها در رابطه با مسائل اسلامی و در آیات مربوطه امر به معروف و نهی از منکر و قیام مسلمین و مبارزه با دشمن و جلوگیری از نفوذ شرق و غرب و استعمارگران و کفار و مشرکین بسیاری از مسائل روشن شده و هماهنگی مطلوبی ایجاد شده... در مورد اینکه امام جمعه باید سلاح بدست بگیرد بحث خواهد شد زیرا ملت های مسلمان باید در عین اینکه منکی به خدا و ایمان هستند باید سلاح بدست بگیرند و بر دشمنان اسلام و قرآن و کسانی که می خواهند منافع آنها را چپاول کنند به مقابله برخیزند... این موضوع باید گفته شود و مطرح بشود که باید بی تفاوت نباشیم و باید بها خیزیم و این مسئله هم شهید دادن و هم قربانی دادن دارد هم به ایثار مال و هم به ایثار جان احتیاج دارد زنده ان و شکنجه را بد نبال دارد مسلمان باید برای پیاد شدن اسلام در برابر همه این مسائل بایستند من فکر میکنم اگر همه این مسائل گفته شود بهترین رهنمود برای کنگره خواهد بود.

اطلاعات ۶۱/۹/۲۹
علی اکبر رضوانی نماینده فیروزآباد گفت: اگر کسی خیال کند که با تمام شدن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جنگ پایان یافته است درست نیاندیشیده و این ملت باید برای جنگ مستمر با استکبار جهانی خود را آماده کند و این ملت باید قدس را آزاد کند و این کار را خواهد کرد زیرا مطمئن هستیم که نیروی اسلام برای فتح قدس حرکت کرده و موفق خواهد شد

جنگ اسلام و کفر

اطلاعات ۶۱/۹/۲۷
یک مجاهد مسلمان عراقی... در حالیکه ۴۰۰ کیلوموادتی آن تی در اتومبیل خود جاسازی کرده بود خیرگزاری رژیم صدام را منفر کرد... در بیانیه مجاهدین عراقی چنین آمده است ای فرزندان آزاد و مجاهد ما وای فرزندان امت اسلامی تمام گذاری این عملیات قهرمانانه بنام مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق به این دلیل بود که میخواهیم ثابت کنیم این مجلس مورد پشتیبانی و حمایتها و مورد تأیید تمام مردم مسلمان عراق است زیرا این مجلس مومن به ولایت فقیه و مخلص مرجعیت است.

اطلاعات ۶۱/۹/۱۴
عربستان تعهد کرده است روزانه ۲۰۰۰۰ بشکه را به حساب عراق به فروش برساند اگر این مقدار نفت به قیمت پایه بشکه ای ۳۴ دلار و پیک به فروش برسد روزانه ۲۳/۸ میلیون دلار برای عراق جمع خواهد کرد.

اطلاعات ۶۱/۹/۲۱
رژیم عراق به دلیل مشکلات اقتصادی کار احداث خط لوله نفت عراق را که از طریق عربستان به دریای سرخ منتهی میشود متوقف کرده است

کیهان ۶۱/۹/۲۵
ریگان و مشاورانش... بر سر تحویل ۹۰ دستگاه از پیشرفته ترین و جدید ترین انواع هلی کوپترهای نظامی ساخت امریکابه عراق یکی از مشتریان مهم سلاحهای ساخت شوروی به توافق رسیده اند.

کیهان ۶۱/۹/۲۵
یکی از اعضای حزب دمکرات امریکا در مجلس نمایندگان امریکا گفت: ما

کیهان ۶۱/۹/۱۸
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: اگر سیاست غیر مستقیم با امریکادار کرد شویم و مثلاً کشورهای دیگر را در کند با ما بجنگند ترجیح میدهم با خود امریکادار رویشیم ملت ما زمانی که مبارزه با امریکادار شروع کرد خود را برای اینطور کارها هم آماده کرد.

اطلاعات ۶۱/۹/۳۰
سرهنگ صیاد شیرازی: ما بایستی به یاری خداوند نامرزه های غریب عراق هم پیشروی کنیم تا بتوانیم جلوی این موشک اندازی ها را بگیریم... ما تا کاملاً اورا سرنگون و ریشه کن نسازیم امنیت نداریم این است که به یاری خداوند جزو هدفها - پیمان هست و انشاء الله جوابشان را بعد خواهیم داد... عملیات آینده بصورت گسترده در سراسر جبهه ها خواهد بود.

اطلاعات ۶۱/۹/۳۰
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: ما اکنون در مرحله ای نیستیم که کار

مسئله، مسئله مسامحه و شوخی نیست اگر یک جانی مسامحه ما از کسی دیدیم ما از شما بازخواست خواهیم کرد و دیگر یک مقامی هر کس باشد بخواهد جو سازی بکند، این تخلف از احکام اسلام است.

"امام خمینی"

بیانیه امام رابرسی کنیم خواهیم دید که در عمق این بیانیه و فرمان اجرا شدن هر چه قاطع تر موازین اسلامی است که یکی از آنها میتواند مقابله با احتکار و تروریسم های اقتصادی باشد... راه مجاهد

اطلاعات ۶۱/۱۰/۱۱
آیت ا... حجتی: اگر بخواهند

مبارزه بنیادی با تروریسم

بسم الله الرحمن الرحيم

بد نبال فرمان مهم ۸ ماده ای امام، شنیده شده است که "جنش ملی" طی اطلاعیه ای اعلام کرده است که موقتاً تا معلوم شدن نتیجه "فورم های اخیر" (منظور فرمان انقلابی ۸ ماده ای است) عملیات مسلحانه خود را متوقف میکند.

در حقیقت رجوی که تا بحال با یک دست معرفی کردن جمهوری اسلامی و نسبت دادن شیوه های غیر اسلامی جریانات انحرافی به امام و فاشیست معرفی کردن ایشان وحدت هواداران ساده اندیش خود را حفظ میکرد، با صدور فرمان انقلابی امام انسجام تشکیلاتی اش را برای ترور کادرهای خط امامی از دست داده است. چرا که با صدور این فرمان مرز میان خط مکتبی و انقلابی امام با خطوط انحرافی و نفوذی مشخص تر شده و دیگر جای برای نسبت دادن شیوه های غیر اسلامی به خط اصیل امام باقی نماند. دیگر آشکارا مشخص شده که خط امام بطور بنیادی با خطوط عافیت طلب و شیوه های غیر مکتبی در تضاد بوده و با آنها مبارزه ای پیگیر را دنبال می کند.

آری، برای ادامه تروریسم، رجوی به کمرنگ شدن پیام امام و حاکم شدن خطوط خزنده چشم دوخته است. بیاییم با یافتن تبیین ایدئولوژیک - استراتژیک این پیام انقلابی و فعال شدن در جهت کشف شیوه های اسلامی و انقلابی برای اجرای هر چه دقیقتر و قاطع تر آن نگذاریم تا این حرکت انقلابی اصیل در عمل به فورمیسم کشیده شود، و زمینه های تروریسم امریکایی دوباره مهیا گردد.

سیرالی اند بهان سیره و روش انبیا، و خصوصاً پیغمبر اسلام و انده معصومین است امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ظرافتهای صلح امام حسن (ع)
کید متین (۲)

برای دستیابی به خط مشی مکتبی و اتحاد شیوه های اسلامی از آن لازم است روی سنت انبیاء و ائمه اطهار (ع) کار کرد از این طریق ما میتوانیم اسلام تحققی یافته را در مکتب آنان آموزش ببینیم. بر مبنای این نیاز، بر آن شدیم تا حرکت امام حسن (ع) را از جنگ با معاویه تا صلح (کید متین) بررسی کرد و از روش آن حضرت درس بگیریم. خصوصاً اینکه، علیرغم کارهایی که در این زمینه انجام گرفته، به جوهر عمیق و آمیز خط مشی امام حسن (ع) در برابر معاویه در این "صلح" کمتر توجه شده است.

با این انگیزه در راه مجاهد شماره ۱۲۲ مطبوعه تحت عنوان ظرافتهای صلح امام حسن (ع) "کید متین" ارائه کردیم. که در آن ضمن اشارت به برداشتهای فلفله از این صلح، پاره های از انگیزه های خود را در این رابطه بیان نمودیم.

همچنین با بررسی اجمالی از وضعیت جامعه در زمان امام حسن (ع) مختصراً به سئوالات زیر پاسخ دادیم:

- ۱- چرا معاویه اعلام جنگ داد؟
- ۲- چرا معاویه علیرغم قدرت سرکوب، پیشنهاد صلح داد؟
- ۳- چرا امام حسن (ع) پیشنهاد صلح را پذیرفت؟

در دید بجهت صلح امام حسن (ع) مذاکره از موضع قدرت و حرکتی نظیر صلح حدیبیه بود و دیدیم که امام حسن (ع) به علت عدم انسجامهای درونی امتش نمیتوانست به شیوه حسین بن علی (ع) تا آخر بجنگد تا کربلا تحقق یابد. چرا که اولاً واحد است که کربلا می سازد علاوه بر این، ادامه جنگ و به شهادت رسیدن امام حسن (ع) حق و باطل را مرزبندی نمی کرد.

در دیدیم که صلح امام حسن (ع) نه تنها پیمان عدم تعرض نبود بلکه "کیدی متین" بود که از محتوای قهرآمیز برعلیه معاویه برخوردار بود، و بنده بند آن صامند اوام "امامت"، شهادت گزافی اسلامی، و "نهی سلطنت موروثی" بود. و امام در این صلح، نهضت اسلامی را از زمان اسلام نمازبندی کرد و نظام متناسب با نهضت را تحقق بخشید.

در انتها چند سئوال بنیادی مطرح کردیم در این شماره بر آن هستیم تا یکی دیگر از وجود صلح را مورد بررسی قرار دهیم. (با توجه به اینکه جریان حق در عفو دشمن، انشعاب ایجاد کرده و عهد های را جذب خود می نماید، آیا میتوان گفت که جریان معاویه حق بود و به اصطلاح "حسرت آفرینی" کرده است؟ و آیا کسانیکه از سپاه امام جدا شدند معاویه شدند "حسرت آفرینی" بودند؟

۲- ملاک صحیح برای تشخیص حقانیت یک جریان چیست؟ آیا معاویه "حسرت آفرینی" کرده است؟

عاشورا، خربس یزید ریا خرد سپاه یزید، به امام حسین (ع) نزد یکتربود از سیار کسانیکه تا آنستد عموماً با ما بودند و عمل صالح امام حسین (ع) توانست حق و باطل را مرزبندی کند و هر کس را در موضع عدل خود قرار دهد. بطوریکه حربه سپاه امام حسین (ع) پیوسته و اولین شهید کربلا میشود. اما آنهایی که شب عاشورا به امام پشت کردند و او را تنها گذاشتند خواسته یا ناخواسته همه ست یزید شدند. تحقق کامل این قانونبندی را در شیوه های امیرمؤمنان علی (ع) می توان دید که گشت گدشت بینظیر ایشان، دشمنان را اسیر و ستان شدند و رامخالف می سازد. یعنی در رابطه با جریان حق، قدرت جاذبه و قدرت دفعه همراه یکدیگر وجود دارند.

در رابطه با جدائی افراد سپاه از امام حسن (ع)، عامل ایس جدائی چه بود؟ آیا دفعه ایشان عامل اصلی بود، یا جاذبه معاویه؟

امام حسن (ع) بر مبنای اسلام شهادت طلب، به معاویه اعلام جنگ میدهد. امام، وارث حکومت عدل علوی (ع) است و باید برای استعرا این حکومت و تثبیت حق، معاویه را به بیعت با خود وادار کند. عمل صالح امام، همه جریانها را به موضعگیری می اندازد. در نتیجه آنستد سپاه همان امام که بعزت خصلتهای عافیت طلبانه خود، کشش عمل صالح امام را دارند، از او و رشد هویه اعتبارسنجیتهای خود، جذب اسلام عافیت طلب معاویه شدند. حرکت امام و اعلان جنگ و موجب مرزبندی جریانها می شود. بی شک اگر امام حسن (ع) با معاویه نمیجنگید، این نیروها از حول او برآید نمی شدند آنها ترجیح میدادند که هم "عافیت" داشته باشند و هم از پیروان آل علی (ع) به شمار آیند. اما امام، مرزبندی این دو جریان را روشن کرد. سپاهیان امام باید تسلیم و جذب امام می شدند و تعالی می یافتند، یا اینکه از او رانده شدند و موضع منفعل می گرفتند و یا جذب قطب مخالف یعنی معاویه می میگشتند.

به این ترتیب، عامل جدائی آن بخش از سپاه، "عمل صالح" و "سنجیتهای شان با جریان معاویه" و "قدرت دفعه امام" بود. است امام حسن (ع) نیاز داشت تا امت واحد باشد به "انسجام" و "وحدت بالائت" دست یابند و ناخالصی ها را تصفیه اصولی کنند. در جریان جنگ، آن عده ای که راه امام را برگزیدند با ایشان "بیعت خونین" بسته و رمدار بالائت "جذب امام شدند و این قدرت جذب امام حسن (ع) است.

انسجام ناشی از این حرکت، در سال مبارزه مخفی و قهرآمیز از صلح، تجلی یافت و کربلائی حسینی تحقق کامل آن بود.

با این قانونبندی میتوان فهمید که آن گروه از مبارزین که در زندانها جذب ساواک و حامی سلطنت شدند، در واقع توان همراهی با حرکت "قهرآمیز" و "تانی سلطنت" را نداشتند و از موضع جدا می از حرکت مردم، جذب رژیم شدند.

در طول انقلاب نیز دیدیم که جریانهای مختلف با تصورات متفاوت نسبت به آینده انقلاب با حرکت مردم همراه شدند. اما پیمان پیروزی، بسیاری از این جریانها به انقلاب پشت کردند. از یک طرف مهند سران، رئیس دولت موقت، بنی صدر، رئیس جمهور، قطب زاده، وزیر امور خارجه، و... که هستهای کلیدی نظام جمهوری اسلامی را به عهد داشتند. و از طرف دیگر جریانهای نظیر جنبش ملی مجاهدین و شریعتمداری و... که سابقه مبارزاتی داشتند، یکی پیروز یگری از صف انقلاب جدا شدند این جدائی ها، ناشی از خط مشی و شتاب حرکت انقلابی می باشد. امام خمینی میخواستند که انقلاب را بر اساس قوانین اسلام عمق و گسترش بدهند، اما جریانهایی که تصویر بر سر داشتند یگری نسبت به انقلاب داشتند، کشش همگامی با امام را نداشتند و یا منفعل می تفاوت شدند و یا به صف ضد انقلاب پیوستند. هر چند در بین اینها، جریانات دلسوزانه اسلام و انقلاب هم وجود داشتند که بجای اصالت نادیده خط مشی انقلاب و ریشه یابی صحیح نارسائیه، نظام جمهوری اسلامی را یکپارچه دانستند و با آن به مبارزه برخاستند.

حق یک جریان هد فد راست که در برخورد با جریانهای دیگر اگر

آنها را قابل رشد و تعالی ببیند جذب و در غیر این صورت آنها را دفع میکند. مکتب اسلام هم میباید جذب میکند و دفع میکند.

پس جد شدن جریانها از حول محور حق، ناشی از قدرت جاذبه - باطل نیست بلکه باید آن را ناشی از شتاب حرکت حق "سنجیتهای افراد با باطل" و "قدرت دفعه حق" بدانیم.

ملاکهای موجود برای تشخیص حق از باطل

گفتیم که ملاک قدرت جذب نیروها می توان در تمام مقاطع حق را از باطل باز شناخت. اما ملاکهای دیگری نیز برای این منظور وجود دارند که بررسی آنها مپیرو ازیم.

الف - ملاک اکثریت یا پذیرش عامه
باملاک قرار داد ان اکثریت یزید برش عامه نمیتواند به حقانیت نهضت ائمه اطهار پی برد چرا که این نهضت، عمدتاً بصورت يك اقلیت رشد یابنده، در جامعه مطرح بود است، ملاک اکثریت یا اقلیت، به تنهایی نمی تواند ما را به حق برساند. بلکه ویژگی رشد یابندگی و کیفیت است که معرفت جریان حق میباشند همانند، که قبل از پیروزی انقلاب جریانهای مبارز در جامعه اقلیتی بیش نبودند و اکثریت جامعه در مقابل رژیم سکوت اختیار کرده بودند. ولی کیفیت و حقانیت این اقلیت رشد یابنده موجب بیداری فطرتها و شکل گیری انقلاب گردید.

ب - ملاک حاکمیت و غلبه بردشمن
باملاک حاکمیت و غلبه بردشمن نیز نمیتواند به حق رسید چرا که با این ملاک همواره توجیهگر نظامهای حاکم اعم از حق یا باطل بود و تسلیم غلبه و حاکمیت ظاهری این نظامها میشود. باملاک غلبه بردشمن در رسی تیر مردم "و عهد از ۲ مرد از رژیم" حق قلمداد میشود. با این ملاک در جمعه خونین میدان شهدا خلق مسلمان پیروز گردید یا رژیم سرکوبگر؟ ملاک حاکمیت یا غلبه بردشمن، نافی منطق پیروزی خون بر شمشیر است. چنانکه خون شهدای کربلا گرچه نتوانست در مقطع سلطنت یزید را سرنگون کند اما مظلومیت امام حسین (ع) و کفر یزید را آشکار نمود و این پیروزی خون بر شمشیر بود.

عامل جدائی آن بخش از سپاه، عمل صالح و سنجیتهای شان با جریان معاویه و قدرت دفعه امام بوده است امام حسن (ع) نیاز داشت تا امت واحد باشد به انسجام و وحدت بالائت دست یابند و ناخالصی ها را تصفیه اصولی کنند

ج - ملاک نزدیکی به سازماندهی امامت
این دیدگاه بجای اصالت دادن به وحدت ایدئولوژیک سیاسی با امامت، وحدت تشکیلاتی را اصل قرار می دهد. این دیدگاه افراد را که در ظاهر با امامت رابطه بیشتری دارند را نزدیکی تر به او در نتیجه آنها را حق میداند. این ملاک هم نمیتواند معرفت حق باشد چنانچه صحابه حضرت پیغمبر (ص) که نزدیکی ترین یاران پیغمبر بودند، بعد از رحلت آنحضرت خود به جناحهای مختلفی تقسیم شدند. نقل میکنند که در جریان جنگ صفین شخصی به حضرت علی (ع) گفته بود: من گویج شده ام يك طرف تو هستی از طرف دیگر ام المؤمنین عایشه و سیدالاسلام (طلحه) و زبیر و... حضرت (ع) در جواب فرموده بودند که تو میخواهی از فرد حق را بشناسی که این میسر نیست بلکه باید حق را بشناسی تا بتوانی حقدار را بشناسی.

در زمان حاضر نیز مشاهده میکنیم که کسانی نظیر بنی صدر، قطب زاده و... در ظاهر و در سازماندهی ظاهری به امام نزدیکی تر بودند اما با خط ایدئولوژیک - سیاسی امام فاصله عمیقی داشتند. در مقابل شهید حسین فهمیده بدون رابطه تشکیلاتی مستقیم با امام، خط مشی ایشان را درك کرده و به بهترین شکل تحقق میدهد بطوری که امام او را رهبر همه مینامند. بر مبنای منطق اصالت سازماندهی، جریانهای نفوذی و دستهای مرموزی که امام و آیت العظمی منتظری بر ضرورت برخورد قاطع با آنها تأکید میکنند، اگرچه ظاهراً جزو سازماندهی امامت هستند اما انگیزه و عملکرد آنها ضد خط و سازماندهی واقعی امامت است.

زندگی اخروی

نمونه های ایثار و شهادت

در جبهه های نبرد اسلام و کفر

روزگار کنار

بود هر آنرا به پیش میبزند و وقتی میشوان
بصیحت و نظام اسلامی انقلاب دست
یافت که در شیخ های شرقی و غربی میرا
باشد که این زندگی مینابود و متناسب
با آن به راه حلهای شیوه های مختلف
برسم .

نگویم اینها دیوانه اند و بعد برای
بازسازی الگوی فرانسویاتیالیا و اسپان
را بررسی کنیم .

نگویم اینها دیوانه اند و برای دفع
تجاوز به شیوه های غلط تکیه کنیم .
بلکه این واقعیت را باید بپذیریم و بدان گردن
نهمیم که تنها راه رشد انقلاب حفظ
و سازماندهی و استفاده از انسانهای
جان برکفی هم چون کربلای علی و مردم
دشمن میباشد در تمام زمینه ها .

و برای ساختن روابط اسلامی و
خانواده اسلامی الگوی کربلای علی
را که واقعیت عینی هم دارد سرمشق
بگیریم که در زیر خیمه و هر لحظه شهادت
دست با فچه اش را گل کاری میکند و همه
زندگی عشق میوزد و محل تضاد و نیاور
آخرت که اسباب بازی بجهایش ترکند
سی خیمه دشمن است .

که در زیر خیمه دشمن و تخریب
منزلش امیدوار و مومنی بخدا خانرا باز
سازی کرد و مقاومت میکند .

هر چند که در باره امکان تخریب دارد
که میزبان خوبی شان تخت سوراخ
سوراخ بخیمه خورد است .

که علی رغم همه سختیها و فشارها دست
از انقلاب و مقاومت برنداشته و با نشاط
و امید بی پایان بخدا زندگی میکند و
انتظاری را جاری از کسی نمیخواهد .

نیستند از جلوه دشمن عقب نشینی کرده
تا او بیاورد و خاک شان را اشغال کند .
و هر چه دشمن آنها را بکوبد باز آنها
به زندگی معمولی خود ادامه میدهند .
زندگی در جنگ یعنی همین . زندگی
در جنگ آن نیست که مرتب عقب نشینی
کنیم و با صد ایمان کنار نشینیم و تا به راحتی
قبل از جنگ برسم بلکه زندگی در جنگ
همین زندگی توده های است که
تیم متناسب با آن در میوزند و خون را
تطبیق میدهند . زندگی در جنگ
زندگی انسانهای جان بکف است .
راستی اگر شهرها تخلیه نمیشد و همه
مردم کمک میشد که بايستند و مقاومت
کنند آیا صدام میتواند این همه از
سرمین اسلامی ایران را اشغال کرده
و جنگ بعد از این کند . ممکن است گفته
شود اگر مردم میمانند کشته میشوند
میشوند . در پاسخ باید گفت بر فرض
هم اگر مردم شهید میشوند شهیدای
ان کمتر از این همه شهیدی بود که در
طی جنگ دادیم .

اری زندگی کربلای علی زندگی
آخری است . زندگی است که شهادت
در آن حل شد و او بر برگ تسلط دارد
و در زمین جان برکفی همه کارهای خود
را سازماندهی میکند . زندگی او الگو
و اسوه ای است برای همه ما و مسئولین
تا خط جنگ و راه حل مشکلات درونی
و دفع تجاوز و بازسازی را از درون
روابط کربلای علی و هزاران کربلای
علی بگیرند .

همان انسانهایی که باز زندگی جان
برکف و اخروی خود جوهر انقلاب اسلامی

رفته بود توپ را به آورد که عراقیها او را
دیدند و با کلاش او را
شهید کردند . این نمونه خلیس
برای ما عجیب بود . جان برکفیها
حیاط کربلای علی بود که با غنچه
گل که روی آن تورت نشسته بود و در
کنار ترکت سنگرتونی که در واقع خطر
آنجا میرفتند . در ضمن تختهای در
حیاط گذاشته بودند که از ترکت خیمه
سوراخ سوراخ شده بود . و روی آن غذا
میخوردند . زن کربلای علی
تعریف میکرد که هر موقع بغیثها خیمه
میروند بچه ها در آن دوران میروند تا
ترکت جمع کنند .

سوالی که برای هر کس مطرح میشود
این بود که اینها چرا اینجای زندگی
میکند . آیا برای زن و فرزند و مال و
منال است . خوب میتوانند بروند
جای دیگر آیا برای اینست که شهید
شوند و زود راحت بشوند . پس چرا
اینقدر برای زندگی تلاش میکنند و خود
را حفظ میکنند .

اینها بنظر میرسد که تنها انگیزه شان
دفاع از ناموس و وطن و ارزشهای
انسانی اسلامی شان باشد و حاضر

نمیروند انگیزه اش برای ماندن چیست ؟
چرا آنها را دیوانه میخوانند اگر اینها
بروند همیشه اگر بقیه مردم هم میمانند
ت چه میشد .

بله در دهی از او زندگی کردیم که
این وقایع در آن میگذشت . کربلای
علی و چند خانواده دیگر در این دسر
تا با ترکت خورد زندگی میکردند فاصله
دو تا آبادان ۵ کیلومتر بود . انجا خود
خط مقدم جبهه بودند کنار رود . فاصله
خط مقدم جبهه ما با بغیثها رود خانه
- ای به عرض ۳۰ متر بود . بغیثها
این ده را بارها و بارها به خاطر اینکه
تخلیه شوند گویند بود و در اولی مرد مشر
حاضر نمیشدند خانه و کاشانه خود را
ترکت کرد و او را میروند .

مردم این ده در فقر شدیدی به سر
میردند . و از طرف بنیاد مهاجرین
به آنها کمک مالی میشد . بایکی از آنها
که صحبت میکردم میگفت : تا بحال
دو بار خانه من خیمه خورد است و
ان سرشهر هم خورد که خوشبختانه
شوهرم شهید نشد یکبار دیگر کسی
از بچه هایم که توش لب نهر افتاد بود

بنام خدای شهیدان

ما که به جبهه میرویم به برای زندگی
مانند ونه برای مردن بلکه هدف
دفاع از ارزشهای انسانی است
حال اگر شهید هم شدیم عین پیروزی
است .

شهید عینی

از کربلای علی پرسیدم چرا
اینجا که در تیررس عراقیها است نمیروید
گفت : اینجا خانه من است زندگی
من است وطن من است جایی ندارم
که بروم . به برادری که از طرف بنیاد
مهاجرین همراه ما بود دگتم چسب
برای اینها سنگری نمیزاید . او گفت :
بابا اینها دیوانه هستند . صدام میزند
اینها میسازند . مصالح ندارم . امکان
نات ندارم . بنیاد به اینها گفته بیاید
بروید ما به شما جا و مکان میدهم .

لحظه ای در فکر فرو رفتم . و چند
سوال در ذهنم مطرح شد . سکوت
محض همه جا را فرا گرفته بود . تنهادهای
صد شنید میشد . صدای خیمه های
صدام و صدای بیل و کلنگ و آجرهای
این مرد . با خود گفتم چرا او از اینجا

چهار استان مولد و مبارز

نقاط کشور را هم جبهه ها شده اند
را در خود جای داده اند . نیروهای
زمنده و جان به کفی که در این
استانها آماده هر نوع دفاع
از جمهوری اسلامی در مقابل هجوم
دشمن می باشند قادرند به صورت یک
ارتش مبارز و مولد و متکی در طول
شهرها و دهات و نقاط مرزی مستقر
شده و امر تولید کشاورزی و بازسازی
مناطق جنگی را بعهده بگیرند .

و از طرفی بانجام بازسازی سوسه
مناطق جنگی اسکان آواره ها و حل
مشکلات داخلی بوسیله نیروهای
که برای جنگ و جهاد بسیج شده اند
امکان پذیر است زیرا بازسازی
مناطق مسکونی جنوب و غرب که زیر
آتش توپخانه عراق قرار دارد تنها
بوسیله نیروهای با انگیزه و جهاد
گری امکان پذیر است که با عزم
جهاد خانه و کاشانه خود را رها
کرده و به این مناطق آمده باشند .
از سوی دیگر رزمندگان اسلام نیاز
به رشد همه جانبه دارند (رشد
نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و ...)
و بوجود آمدن کادرهای همه جانبه
نیاز ضروری انقلاب اسلامی ایران
است . این رزمندگان در کنار رشد
نظامی در جبهه ها فعال شدن در
حل مسائل تولیدی و اقتصادی

در دن سازندگی از امر دفاع از اسلام
حرکت می کنند و تحقق این خطوط
چیزی جز وابستگی و جدا شدن
از ارزشهای انقلاب در پس ندارد .
شیوه ای که متضمن حل مسئله
بازرسی و مسائل اقتصادی
کشور باشد نیروی عظیمی را که گیر
معرفتی در این مورد دارند جذب
خط مشی آزادی کربلای قدس میکند .
ما معتقدیم که در دل جنگ
اسلام و کفر تمامی تضادهای درونی
جبهه اسلام به بهترین شکل قابل
حل می باشد .

در ادامه مطلب گذشته پیشنهاد
میشود که چهار استان هم سرز
با خطوط مقدم جبهه یعنی
استانهای خوزستان ، ایلام
، باختران و کردستان بعنوان
چهار استان مبارز و مولد اعلام
شوند . این چهار استان ، استان
- های هستند که هم اکنون خیل
عظیمی از نیروهای حزب اللهی
که برای دفاع از اسلام از اقصی

روز بروز ما را به سمت وابستگی
اقتصادی می کشاند و از این موضع
خواهان پایان جنگ هستند .
عده ای می گویند حال که در موضع
قدرت هستیم مدتی جنگ را متوقف
کرده و نیروها و امکانات جبهه را در
بازسازی کشور بسیج کنیم .
عده ای می خواهند بازسازی
مناطق جنگی و رشد اقتصادی کشور
از طریق فروش نفت تامین کنند
و عده ای حل مسئله سازندگی
و نارسایی های اقتصادی را به
از جنگ موکول می کنند این عده
مبارزه با شیطان بزرگ را امری
مطمئن میدانند .

وظیفه نیروهای خط امام است که
در جهت پاسخگویی
به نیاز فوق
و تحکیم خط مشی آزادی قدس
از طریق کربلا کوشش بیشتری کنند .
این امر خود مبارزه با خطوط
انحرافی است که در جهت
سکون کشیدن انقلاب و جد

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشنهاد تشکیل چهار استان
مبارز و مولد

در شماره گذشته مطلبی داشتیم
در مورد " مراحل آزادی کربلا "
که در قسمتی از آن به ضرورت
تشکیل ارتش " مبارز و مولد " در طی
مرحله جنگ و گریز با ارتش بعثت
اشاره شده گفتم که در شرایط
فعلی انقلاب ما دو نیاز اساسی
دارد : یکی دفاع از انقلاب اسلامی
در مقابل حملات کمپ دیپلماسی
و دیگری بازسازی سریع مناطق
جنگی و حل مشکلات داخلی . از
مهمترین مسائل انقلاب اسلامی ایران
دستیابی به شیوه اصولی است که ما
بتوانیم دو نیاز فوق یعنی جنگ
در مرزها و سازندگی کشور را توأما
انجام دهیم .

در این رابطه خطوط نارسا
و انحرافی آگاهانه و نا آگاهانه در
جامعه مطرح است .
عده ای می گویند که ادامه جنگ

"بسم الله الرحمن الرحيم"

در شماره گذشته راه مجاهد به بررسی آیه ۸۹ سوره انعام برداختیم که در مورد مفهوم "کتاب" و "حکم" و "تسبیوت" صحبت شد. گفتیم که "کتاب" همان اصول ثابت و مستقل از ذهن است و "حکم" تحقق اصول متناسب با شرایط و به عبارت دیگر خط مشی متنی با اصول میباشد. "تسبیوت" امری برهبری و هدایت انسانهاست و یکی از وظایف نسبی این است که با استخراج احکام صحیح از دل اصول و قوانین الهی رازنده و سوسا ارائه نماید. در آن محیط از رابطه تنگاتنگ سه عامل فوق سخن رفت و اینکه هر یک از آنها بدون دیگری فاقد محتوای اصیل و واقعی خواهد بود. در رابطه با بخش دوم آیه نیز گفتیم که کتاب و اصول، جاودانه هستند و اگر گروهی بخواهند آن را تغییر دهند و اگر دیگری بخواهد آنها را برخواهد گزید. به این ترتیب بالغرض انسانها، اصول دستخوش تغییر یا تعطیل نمی شوند. اکنون در ادامه بحث قرآنی ابراهیم

عصیانگر همیشه تاریخ به توشه گیری از آیه ۹۵ سوره آل عمران می برد ازیم: **قُلْ صَدَقَ اللَّهُ وَاتَّبَعُوا لِمَا آتَاكُمْ خَبِيرًا وَمَا كَانَ مِنَ الشَّرِيعَةِ**

"بگوراست گفت خدا، پس آئین ابراهیم حنفرای را پیروی کنید و او از مشرکین نبوده است." در این آیه خداوند به بندگانش حکم میکند که از "ملت" ابراهیم (ع) پیروی کنند به تعریف قاموس، واژه "ملت" به معنای دین و شریعت است که از جانب خداوند آمده است. "ملت" ابراهیم (ع) همان وحی و قانون الهی است که او را تسلیم شدن به فطرت خدا اجوی خویش، آن را رد کردن ریافت نمود و در جامعه جاری کرده است.

در این آیه ابراهیم (ع) به صفت "حنیف" موصوف شده است. حنیف از ریشه "حنف" است و به نقل از مقدرات راضی، به معنای میل از ضلال به استقامت میباشد. "حنیف" صفت مشابه است و دلالت بر تسبیوت دارد. یعنی ابراهیم در حق طلبی خود استمرار و جیوت داشته است. به گفته ابن اثیر، حنیف کسی است که به اسلام مایل و در آن ثابت باشد. به این ترتیب، حنیف ویژگی انسانی است که از ضلال بسوی استقامت و از ظلمات بسوی نور میبندد و بر عین پویایی و حرکت، ثابت قدم نیز دارد. واژه "حنیف" حالت انسان حق جوئی را وصف میکند که در پی یافتن حقیقت در حرکتی مستمر بسوی حق تعالی است که بازگشت یا توقف ندارد.

خداوند انسانها را به تبعیت از آئین و شریعت ابراهیم حنیف امر میکند. او کسی است که قبل از دعوت دیگران، خود به اصول الهی ایمان آورد و موبطور مداوم در پی تحقق آنهاست. در اینجا مسئله تبعیت از منطق ابراهیم (ع) مطرح گردید و موخداوند همه راه پیروی از اصول ابراهیم (ع) فرمایند. **تبعیت از امامت در کاد اصول**

ابراهیم (ع) عصیانگر همیشه تاریخ

توشه گیری از قرآن

شماره ۱۲

این نکته قابل توجه است که با وجود اینکه ابراهیم خود مسلح به منطق الهی و سنادی توحید است، اما در رابطه با مسئله تبعیت از آئین و شریعت وی مطرح میگردد. به این ترتیب اصول و منطق توحید اصالت دارد و تبعیت از ابراهیم نیز به اعتبار حق گرای و تعهد وی نسبت به اصول است. این قانونمندی، عامی و حاکم بر رابطه بین امت و امام است که در آن، تسلیم به امامت در کاد اصول میباشد. قرآن مردم را به پیروی از آئین ابراهیم (ع) دعوت مینماید و برای توده ها حق درک اصول و در اگیری آن را قائل است. تبعیت از امامت در کاد اصول تسلیم به شخص امام را نیز موجب میگردد. اما تفاوت این دیدگاه با تسلیم محض به امامت، آن است که اصول، مبنای ثابت و غیر متغیر است و امام و موظف به تبعیت از آن هستند. چنانکه امام حنیف هم در مورد حاکمیت قانون بر امامت میگوید: "یکانه حکم و قانونی که برای مردم متبع و لازم الاجراست، همان حکم و قانون خداست. تبعیت از رسول اکرم (ص) هم به حکم خداست که میفرماید: "اطیعوا الرسول" از پیامبری پیروی کنید."

این نکته قابل توجه است که با وجود اینکه ابراهیم خود مسلح به منطق الهی و سنادی توحید است، اما در رابطه با مسئله تبعیت از آئین و شریعت وی مطرح میگردد. به این ترتیب اصول و منطق توحید اصالت دارد و تبعیت از ابراهیم نیز به اعتبار حق گرای و تعهد وی نسبت به اصول است. این قانونمندی، عامی و حاکم بر رابطه بین امت و امام است که در آن، تسلیم به امامت در کاد اصول میباشد. قرآن مردم را به پیروی از آئین ابراهیم (ع) دعوت مینماید و برای توده ها حق درک اصول و در اگیری آن را قائل است. تبعیت از امامت در کاد اصول تسلیم به شخص امام را نیز موجب میگردد. اما تفاوت این دیدگاه با تسلیم محض به امامت، آن است که اصول، مبنای ثابت و غیر متغیر است و امام و موظف به تبعیت از آن هستند. چنانکه امام حنیف هم در مورد حاکمیت قانون بر امامت میگوید: "یکانه حکم و قانونی که برای مردم متبع و لازم الاجراست، همان حکم و قانون خداست. تبعیت از رسول اکرم (ص) هم به حکم خداست که میفرماید: "اطیعوا الرسول" از پیامبری پیروی کنید."

در ادامه بحث، به بررسی توشه گیری از آیه ۲۵۸ سوره بقره میپردازیم: **الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هُمْ فِي رَيْبٍ أَنَّهُمْ لَآتَيْنَهُمُ الْبُرْجَانُ وَالَّذِينَ هُمْ فِي رَيْبٍ أَنَّهُمْ لَآتَيْنَهُمُ الْبُرْجَانُ**

در این آیه ابراهیم (ع) به صفت "حنیف" موصوف شده است. حنیف از ریشه "حنف" است و به نقل از مقدرات راضی، به معنای میل از ضلال به استقامت میباشد. "حنیف" صفت مشابه است و دلالت بر تسبیوت دارد. یعنی ابراهیم در حق طلبی خود استمرار و جیوت داشته است. به گفته ابن اثیر، حنیف کسی است که به اسلام مایل و در آن ثابت باشد. به این ترتیب، حنیف ویژگی انسانی است که از ضلال بسوی استقامت و از ظلمات بسوی نور میبندد و بر عین پویایی و حرکت، ثابت قدم نیز دارد. واژه "حنیف" حالت انسان حق جوئی را وصف میکند که در پی یافتن حقیقت در حرکتی مستمر بسوی حق تعالی است که بازگشت یا توقف ندارد.

خداوند انسانها را به تبعیت از آئین و شریعت ابراهیم حنیف امر میکند. او کسی است که قبل از دعوت دیگران، خود به اصول الهی ایمان آورد و موبطور مداوم در پی تحقق آنهاست. در اینجا مسئله تبعیت از منطق ابراهیم (ع) مطرح گردید و موخداوند همه راه پیروی از اصول ابراهیم (ع) فرمایند. **تبعیت از امامت در کاد اصول**

خداوند انسانها را به تبعیت از آئین و شریعت ابراهیم حنیف امر میکند. او کسی است که قبل از دعوت دیگران، خود به اصول الهی ایمان آورد و موبطور مداوم در پی تحقق آنهاست. در اینجا مسئله تبعیت از منطق ابراهیم (ع) مطرح گردید و موخداوند همه راه پیروی از اصول ابراهیم (ع) فرمایند. **تبعیت از امامت در کاد اصول**

شیوه بهت آفرینی ابراهیم

لازم به ذکر است که ابراهیم (ع) در جریان برخورد با عمرو، قصد ندارد که با تکیه بر برهان، نظم، وجود خدا را اثبات نماید. او از ظلم و جور و خورشید به خدا انصاف میدهد و بلکه وجود خدا را امری بدیهی دانسته و اراد هویکی از افعال او (ظلم و جور و خورشید از مشرق) اشاره میکند. در منطق ابراهیم (ع) خدا مقدم بر نظم موجود در جهان و حاکم بر آن است. او به خدا ایمان دارد و اراده او را "نظم واحد" متجلی می بیند. یعنی از خدا ای واحد شروع میکند و به نظم واحد میرسد. این شیوه با روش کسانی که از طریق برهان نظم، می خواهند وجود خدا را اثبات نمایند، تفاوت بنیادی دارد. معتقدین به این برهان، نظم موجود در جهان را مبنای تواراد موجود خدا از آن نتیجه گیری میکنند. می گویند چون خورشید از مشرق طلوع کرده و در مغرب غروب میکند، خدا هست. در این روش، از نظم موجود به ناظم میروند که در واقع نظم از خدا بدیهی تر میشود. اما ابراهیم (ع) میگوید: **فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ**. در منطق ابراهیمی، خداوند مقدم بر وجود نظم است و در آن صحبت از نظم واحد است و این دیگر برهان نظم نیست. بلکه برهان تسلیم ابراهیمی است. این مسئله را در مرحله اول برخورد وی نیز می توان دید که خطاب به عمرو میگوید: **رَبِّيَ الَّذِي يُخَيِّبُ النَّبِيَّ** که در اینجا نیز وجود پروردگار را به عنوان يك اصل ثابت پذیرفته و آنگاه به یکی از افعال خدا اشاره میکند.

ابراهیم (ع) با رجوع نمودن به قانون واحد و "نظم واحد و مستقر از پیشتر" او را در برابر اراد ه خداوند قرار میدهد و تسبیوت میکند. "بیت الذی کفر". ابراهیم (ع) شیوه ای اتخاذ میکند تا جای توجیه گری را باقی نگذارد و حق و باطل را بطور آشکارا مشخص می کند. این روش برخورد را "شیوه بهت آفرینی" می نامیم که موجب منطق زدایی از جریان باطل میگردد و در این حالت جز تسلیم و پذیرش حق یا انفعال و بهت زدگی در برابر برهان منطق حق، راهی باقی نمی ماند.

عده این است که ما نمی شناسیم خودمان را و نه خدایمان را و نه ایمان بخودمان داریم و نه ایمان به خدا داریم نه باورمان آمده است که خودمان بیخ نیستیم و نه باورمان آمده است که همه چیز از او است و وقتی این باور در کار نبود هر چه هم بران برایش آفاسه بشود فایده ندارد باز هم انانیت نفسی در کار است. **نقد از تفسیر حمد امام خمینی**

نمود در برابر برخورد ابراهیم (ع) تسبیوت میشود و منطقی برای ادامه احتجاج ندارد. با اینحال به واقعیت تسلیم نشد و موضع عدل خود را که بندگی خداست، نمی پذیرد. تن ندان به باور وی (۱) منظور تقدم علی است نه تقدم زمانی. **والسلام**

کند و میخواهد این را بطور آشکارا و ملموس برای توده ها نشان دهد. عمرو در مورد مرگ و حیات عناد ورزیده و از ظاهری و سطحی نگری بعضی استفاده کرده و موخود را حاکم بر مرگ و حیات نشان میدهد. گویا برای بعضی روشن بینان، مشخص است که این منطق نمودر سفسطه ای بیش نیست. اما ابراهیم مورد دیگری را مطرح میکند که ملموس تر و آشکارتر باشد و آن حرکت خورشید است.

ابراهیم با این مثال به هم نشان میدهد که قانونمندی مستقل از ذهنی در حرکت پذیرد و ها وجود دارد که به خواست و میل نمودر بستگی نداشته و از اراد الهی تبعیت میکنند و بدینوسیله مطلقیت نمودر را نیز رد می کنند. **میشکند تا به فطرت بی نهایت طلب خود بازگردند.**

به این ترتیب ابراهیم (ع) منطقی را عنوان میکند که نمودر ناگزیر پذیرش آن، با طغیان و تکذیب واقعیت آشکار است.

آنچه که باید در برخورد با بحث قرآنی ابراهیم مورد توجه قرار گیرد، این است که ما تنها برداشت های خود را از سیر برخورد حضرت ابراهیم (ع) ذکر نمی کنیم که بی شک به تعالی و باور وی نیازمند است. در ضمن اینکه در این بحث از تفسیر بسیاری از جمله تفسیر پرتوی از قرآن، مفردات راغب، مجمع البیان، المیزان و... همچنین از ترجمه های مختلف قرآن استفاده شده است. همه اینها نظریه های امام در تفسیر سوره "الحمد" گفته اند: "قرآن یک کتابی نیست که ما بتوانیم یا کسی دیگر، یک تفسیر جامع آنطور که هست بنویسند. علوم قرآن یک علوم دیگری است ما واری آنچه ما می فهمیم، ما های ما که جوری، یک برده ای از برده های کتاب خدا می فهمیم و باقی اش محتاج به تفسیر اهل عصمت است که معلم به تعلیمات رسول الله بوده اند."

صلح امام حسن (ع) بقیه از صفحه ۷
د - ملاک قدمت و سابقه مبارزاتی

ه - ملاک صحیح برای تشخیص حق از باطل

قدمت و سابقه مبارزاتی، اگرچه میتواند نمایانگر ارزشها مثبت و وجودی در یک جریان باشد، اما خود نیز بتنها نمیتواند معیار کاملی برای شناخت حق باشد. شیطان با اینکه مقرب درگاه خدا و از جمله فرشتگان تسبیح گوی بود، اما چون در تسلیم به خدا، استمرارنداشت، افول کرد و اعمال گذشته اش نیز تباها کردید.

برای تشخیص حق باید از خدا شروع کرد وقتی خدا او صفات خدا املاک قرار داد شود هر فرد یا جریانی که به این ملاک مومن - تر باشد و در عمل آنرا بیشتر تحقق بدهد، به حق نزد یکس خواهد بود. برای اساس از خدا به صفات خدا و آنگاه به تفکر و شیوه های اسلامی میرسیم.

باد شمن اصلی درگیر میشود تا اسلام را از بدعت معاویه مرزبندی نماید. حرکت معاویه در جهت مشروعیت دادن به شیوه های غیر اسلامی یا ظاهر اسلامی بود. با این ملاک به حقانیت امام حسن (ع) میتون پی برد اگر چه امام اکثریت ویدیرش عامه را نداشت و حتی بسیاری از افراد سپاه - شان نیز جذب معاویه شدند.

نوشته گیری از ... بقیه از صفحه ۴

ساخت دفاع مطلق از مالکیت شخصی نامحدود بعنوان يك اصل فطری و یقینی و حتی مقدم بر ولایت فقیه (عموما) اعمال ولایت را در مقاطع و امور اضطراری و استثنایی می پذیرند) و تایید و دفاع نامحدود از بخش خصوصی و گسترش آن و مخالفت با کنترل و یا حتی محدودیت بهره ای از رشته های تجارت و توزیع توسط دولت (مخالفت با طرحها - ی کوشی و ملی شدن تجارت خارجی) و کلا "ضدیت با هر گونه دخالت و نظارت دولت در امر مربوط به مالکیت و مسائل کار و کارگری و منم نمودن آن به رویه های کمونیستی و غیر شرعی. اینها مظاهر بارزی است از یک نوع برداشت غیر واقعی از اسلام که به هیچ وجه نیازهای فطری مکتبی عدالتخواهانه جامعه اسلامی و بخصوص جوانان ما را نمیتواند پاسخگو باشد و بصراحت با غیر شرعی دانستن لواحق خصوصی نظیر بندق و ... بموضع گیری ایدئولوژیک در برابر خط اسلامی امام می پردازد چرا که بعنوان نمونه لایحه تقسیم اراضی مزروعی درهما شکل اولیه اش مورد تایید آیت الله العظمی منتظری و حضرت آیت الله مشکینی و شهید مظلوم آیت الله بهشتی قرار گرفته و شرعی بودن آن هم توسط آنان محرز گردیده بود. در حالیکه امروز با شکل نیم بندش هم غیر شرعی قلمداد میشود. البته ناگفته نماند که جریانی از افراد صادق هم بدلیل اینکه در مقابل استدلالهای شرعی این جناح منطق برتری ندارند جذب آن شده و چط بسا از این نظریات هم دفاع می کنند که می بایست با این

افراد برخورد صبورانه و منطقی را کماکان ادامه داد تا مسائل تبیین و روشن شود. همانطور که گفته شد نیروهای فطری و عدل طلب جامعه شیوه های فوق را علیرغم ظاهر شرعی آنها اسلامی نمیدانند اما جریان وسیعی از نیروهای اسلامی بودند که در مقابل جریان فوق فکری می کردند که باید برای برقراری عدالت اسلامی در جامعه به شیوه دولت و لیتیزه کردن کارها پرداخت به این عنوان که دولت اسلامی بایستی حاکم بر تمام شئون بوده و مالکیت دولت بر مالکیت فرد تقدم دارد و بتدریج در جریان در زمینه اقتصادی در حال شکل گرفتن بود که یکی از مالکیت فرد و بخش خصوصی و کارفرمادفاع میکرد و جریان دوم از مالکیت دولت و بخش عمومی متشکل از سرمایه گذاری دولت و تعاونیها و کارگران. جریان دوم علیرغم اینکه از محتوای مترقی و عدل طلبانه ای هم برخوردار بود منتهمی موضوع گیری بنیادی و مرزبندی عمیق با جریان اول بوجود نیارده بود چرا که اساسا در اقتصاد اسلامی مینا مالکیت برابر تولید نیست بلکه از دیدگاه توحیدی خدا مالک و حاکم بر کلیه اشیا و پدیدها بوده و انسانها امانتدار کالا و اشیا هستند و میزان بهره وری و حاکمیت اعتباری هر فرد بر اشیا و کالاها بستگی به درجه قرب او به خدا و صالح بودنش دارد و در حقیقت ملاک مالکیت درجه شرکت در عمل صالح (خط مشی امامت جامعه) و شیوه های اسلامی است آنچه که اقتصاد را در جامعه تعالی میدهد، درجه سبب اصولی جامعه و حاکمیت خط مشی امامت و شیوه های

اسلامی است نه اینکه ابزار تولید در اختیار بخش خصوصی و یا بخش عمومی باشد. چرا که نمونه های بسیاری از کشورها را سراغ داریم که علیرغم اینکه روش اقتصادی شان دولتی و متکی به بخش عمومی است منتهی از آنجا که انحراف در خط مشی و تفکراتشان وجود داشته به سمت سازش و حتی وابستگی به غرب و امپریالیسم جهانی رفته اند. این ملاک باعث شده بود که افرادی هم بتوانند در این جرگه خود را مترقی و انقلابی و باصلاح خط امامی قلمداد کنند که در شیوه های اجتماعی و قضایی اختلاف زیادی با جناح اول نداشته اند و در محتوا غیر اسلامی بودند.

از طرف دیگر جناح رفرمیست با دست گذاشتن روی نارسائیهای نظریه مخالف خود را حق جلوه داده و نیروها را در سردرگمی نگه میداشت. در بین این پسر خرد افکار مردم نیز توان فعال شدن و اظهار نظرنداشتند. با حرکت اخیر این درگیرها تبدیل به درگیری جوهری تر شد بر سر شیوه های سیاسی قضایی که برای مردم ملموس تر بوده و نیز تضاد بر سر حق و باطل و شیوه های اسلامی و غیر اسلامی بشود. عامل ثبات و حافظ منافع جریان رفرمیستی که در بخش اقتصادی فعال است همان جریانهای نفوذی در دستگاههای قضایی و سیاسی با شیوه های غیر اسلامی است که اگر با این جوهره برخورد ریشه ای و قاطع گردد در زمینه اقتصادی نیز به جهشی خواهیم رسید. ادامه دارد

مجاهد شهید (محمد رضائی) بقیه از صفحه ۷

خود حمل کردند و از خون خود آب دادند. برستی با وجود این مردان پاک و اندک که هفتاد و اندی بیش نبودند، اما در مقابل اینوه بسیاری سپاه مسلح اردو زده اند، جنبش به نقطه کمال شکوهمندانه ای رسید هاست که نیش خند جسورانه ایشان به "مرگ" و بهت آمیزترین تجلی فداکارانهاش میباشد. دوران عمل این تصفیه شدگان برگزیده که امان را پاره کرده اسارت فرزند را شکر میگیرند و با مرگ محتمل به مزاح مینشینند فلسفه و حیات ژرفتری از تعابیر حماسی قهرمانان باستان باید جستجو نمود که بدون برخورد کار از آن و آگاهی بالضروره عمیقش محال است بتسوان

که سرآمد واقعی منحنی تکامل وجود ملموس است، بارها "کشته و زنده شدن نیز بس گرامی است. ... در صفحه ۱۷۴ مجاهد شهید احمد را وصف شهادت امام حسین (ع) میگوید: عاقبت پس از تیر بارانی دیگر، رذالت بیشه سفلهای با تمام سنگدلی یا پیش نهاد و آخرین فروغ حیات امام را بسند ستهای ناپاکش خاموش کرد، این مردک بد نهاد همان شمره فرزند ذی الجوشن بود که اینگونه ابراز شخصیت و وجود من نمود. تاریخ بشر در فراز نشیب تکاملی اش مردان پاک باخته بسیاری بخود دیده است. اما فوق العاده اندکند مردانی که چون حسین ابن علی (ع) با اینهمه مشقتها و سختی ها و چنین استوار و با قوت قلب تمام دلیران از مرگ استقبال کنند و اقیعیتی که دلزاین میسان درخشش یاباد ارا بدی دارد فلسفه بزرگی است که اینگونه مردان را از درون خود شکفته میسازد که ابا چشم پوش از هر وابستگی دیگر بخاطر "عقیده" شان شمشیرها لا گرفتند مشتاقند و به راستی که چنین بود بشریت و الا تریل خود را که در عین احتضام بسیار کبریایی اش نیز بالاترین لیزه را به آفتوبه مدافعیین خصایل حیوانی انداخت، نثار کرد و با و عنوان "سید الشهداء" داد بیگمان سطور این دفتر که در نهایت جز مشتی از خوار نیست هرگز نمیتواند این سیادت "والا ترین شهید" و دیگر یاران را از آنجا که صرفا تجسم کبارت روح خدایی است و عظمت لا یتناهی دارد و میباشد ترسیم کند.

بقیه از صفحه ۱۷
چهار استان مولد و مبارز

با نیروهای وسیع آموزش دیدند و جان برکشی که روبرو هستند که ضرب شست محکمی هم از آنها در جنوب و غرب خورد هاند. بوجود آمدن این چهار استان مبارز و مولد خیال ما را هم از نظر حمله خارجی و هم از نظر امر سازندگی کشور آسوده نمود و از عجله در طی مراحل جنگ و سوزاندن مراحل آن باز می دارد.

مبارز و مولد شدن نیروهای این چهار استان در خط تحکیم خط مشی انقلاب اسلامی خط آزادی کربلا و قدس است و الگویی است برای ارائه به کسانی که صادقانه در مورد مسئله بازسازی کشور و تدام جنگ اسلام و کفر گیر فکری دارند. والسلام

احمد بیعت خود را با
(امام حسین ع) با خون خود
(مضا نمود و با تله تله های
جسم پاکش درستی این راه
و حقانیت مظلومین تاریخ
را به اثبات رساند.

"سلام علیه یوم ولد و یوم یوم و یوم بیعت حیا"

انسانها را چنین منقلب ساخت نه شجاعت در حید اعلا ی خود و نه شعار به انتهای زیبای خود کافی نیباشد. آنچه میتوان به اختصار از این فلسفه، که روان ایشان را از خود پر کرده و خالی از هر انگیزه منفعت طلبانه و عاطفمگرایانه آنها را مخلصانه در پی خود میکشد بیان داشت این است که با تمامی وجود و به سرسختی کامل بر حسب "مواعید قرآنی" در وجود فرزند تکامل یابنده نوجوانان آینده ای شورانگیز سراغ داشتند که با حیاتی بس عالیتر و بیچیده تر که به خصلت جاود انگی می مشخص گردد آراسته است در برابر چشم اندازی که تحقق بازگشت به خدا (علیه الراجعون) است زندگانی فعلی جز "مطاع پر ابلاغی اندک و گذرایی بیش نیست که به هیچ حد و مرز باید صرف گشت و کار چنان حیاتی گردد. برستی که در حصول چنین بازگشت قدس و مظفر

در روز بزرگندگان اسلام

پرامون ولایت فقیه

قسمت دوم

بسم الله رب الشهداء

به علت نیازمندی عامه مردم نسبت به مسئله ولایت فقیه و همچنین اصل یا حکم بودن آن بر آن شدید تا مجموعه نظریات که در این مورد چه به صورت مکتوب و چه به صورت غیر مکتوب موجود است را در حد امکان در راه مجاهد بیاریم تا وسیله تحقیق باشد برای پیوندگان راه حق و بدیهی است که این کار دلیل بر رد یا تایید ما نسبت به این نظریات نیست. قسمت اول این مقاله در راه مجاهد شماره ۱۲ به چاپ رسیده است.

الف) اصل یا حکم بودن ولایت فقیه : در صفحه ۱۰ کتاب فلسفه امامت و رهبری نوشته حجة الاسلامی شهری میخوانیم: "امام عبارت است از چیزی که پیروی شود و تفاوتی نمیکند که آن چیز انسان باشد که از لحاظ گفتار و یا کردار مورد پیروی قرار گیرد و یا اینکه کتاب باشد و یا چیز دیگر و نیز صدق این واژه تفاوت نمیکند که آنچه مورد پیروی است، حق باشد و یا باطل بنابراین امامت يك اصل عمومی و فراگیر است که در سطح آفرینش مطرح است و در رابطه با انسان امام کسی است که الگو و رهنمون رشد و تکامل و یا انحطاط و پستی باشد. امامت روح و مغزو جان کلیه عقاید و اعمال انسان است یعنی تمام عقاید و اعمالی که به عنوان برنامه تکامل انسان در اسلام مطرح شده تا اصل امامت به آن ضمیمه نشود پوک و بی مغز و بی روح و بی اثر است و هیچگونه نقشی در رهبری انسان و رشد و تکامل فرد و جامعه نمیتواند داشته باشد."

در صفحه ۲۳ همان کتاب درباره حدیث "من مات بغیر امام مات میتة جاهلیه" میخوانیم: "معنای حدیث این است که اگر امامت از اسلام گرفته شود عصر اسلام با عصر جاهلیت و پیش از اسلام تفاوتی ندارد چرا که روح اسلام از اسلام جدا شده و اسلام با تمام اصول و فروع خود تا با این روح توأم نشود روشنگر نیست و نمیتواند جهل را که منشا همه بدبختیها و محرومیتهای جامعه است ریشه کن کند."

حجة الاسلامی شهری در توضیح حدیث دیگری در صفحه ۲۴ میگویند:

"مقصود از ولایت و مودت و معرفت که در این اخبار آمده بذیرفتن اصل امامت است و بنا بر این این روایاتی که بذیرفتن اصل امامت را شرط قبولی اعمال میدانند میتوانند اثبات کنند که این اصل روح اسلام است که بدون آن هیچ عقیده ای و عملی نزد خدای تعالی پذیرفته نیست."

در صفحه ۲۹ همان کتاب میخوانیم: "اصل امامت در رابطه با تکامل انسان روح اسلام است و اسلام که برنامه تکامل است بدون این روح نمیتواند کمترین اثری را در حرکت و رشد جامعه ایفا کند و نسبت امامت به اسلام نسبت روح است به جسم."

و باز در صفحه ۴۹ همان کتاب میخوانیم: "بردی نیست که این اصل (اصل امامت) یکی از اصول احتیاط نبذیر اسلام بلکه از

اساس ترین پایه های اجتماعی آن است. در صفحه ۵۰ میخوانیم: "توده اهل سنت به امامت به عنوان يك اصل نینگرند."

در صفحه ۱۳ همان کتاب میخوانیم: "امامت مرتبه ای است که همه انسانها به آن میتوانند برسند و بشك خمینی بزرگ در عصر ما به این مرتبه نائل آمده ولذا واژه "امام" بر این ابرمرد تاریخ اسلام و ایران کاملا منطبق با واقعیت است البته مرتبه امام معصوم چیز دیگری است که در آینده از آن بحث خواهیم کرد."

در مقاله ای تحت عنوان ولایت فقیه از مرحوم علامه طباطبائی در اطلاعات هفتگی شماره ۲۰۸۴ میخوانیم:

"اصل ولایت چنانکه خواهد آمد چون يك حکم آسمانی و از موارد شریعت است قابل تغییر و نسخ نیست." و در ادامه مقاله تحت عنوان ولایت اصل ثابت فطری میخوانیم:

"مسئله ولایت مسئله ای است که هیچ اجتماعی در هیچ شرایطی نمیتواند از آن بی نیاز باشد و هر انسانی با ذهن عادی خود نیازمندی جامعه را (هر چند کوچک هم بوده باشد) به وجود ولایت درک مینماید و از این رو حکم ولایت يك حکم ثابت و غیر قابل تغییر و فطری است اسلام نیز که پایه و اساس خود را روی فطرت گذاشته نهاد خدادادی اسلام را مرجع کلیات احکام خود قرار داده است اولیات احکام فطرت را هرگز و بی تردید الغاء نکرده و در اعتبار مسئله ولایت که مورد نیاز بودن آنرا هر کودک خرد سالی نیز میفهمد مسامحه روا نخواهد داشت."

ب) ولی فقیه و بذیرش عامه : در صفحه ۱۰۸ کتاب فلسفه امامت و رهبری نوشته حجة الاسلامی شهری در این مورد میخوانیم:

"بسیار اگر انسان به مرحله رهنمونی رسید امامت لازمه ذات اوست و مانند جفت بودن چهار قابل تفکیک نیست و بنابراین هیچکس

نیتواند "امامت" را به "امام" بدهد یا از او بگیرد چون يك حق ذاتی اوست." در صفحه ۱۸۲ همان کتاب میخوانیم: "امام کسی است که معیار موضع گیریهای وی تنها حق است هر چند همه مردم مخالف او باشند بنابراین هیچ باکی از سرزنشها و نگوئشهای ضد انقلاب ندارد در نشریه شماره ۱۰ پیوسته در اساس اسلام در مقاله ای نوشته حجة الاسلامی یحیی سلطانی میخوانیم:

"در اسلام حق حاکمیت همیشه از آن صالح ترین افراد است و بطوری که از احادیث استفاده میشود اگر در جامعه ای پیشوایی و زمامداری ملت در دست افرادی باشد که دانا تر و فاضلتر و شایسته تر از آنها در جامعه موجود ولی برکنار باشند این جامعه همیشه رو به سقوط خواهد رفت."

در ادامه بحث میخوانیم: "شورا با آن نظامی که فعلا در حکومتهای دموکراسی معمول شده که بازگشت آن فقط به تبعیت از رای اکثریت است در منابع مذهبی مطرح نشده بلکه نظام شورا در اسلام به گونه ای میباشد که بازگشت آن حتما به تبعیت از حق و قانون خداست و شورا باید با کیفیت مخصوصی برگذار گردد که نتیجه آن تشخیص بیشتر و بهتر برای رسیدن به حق باشد زیرا در نظام اسلام فقط تبعیت از حق مطلوب است و از رای اکثریت صرفا به لحاظ اکثریت مادی که با حقیقت و معیارهای شرعی مطابق نباشد تبعیت نمیشود برای روشن شدن نقش شورا در اسلام است در مورد مسائل زیر به توضیح بپردازیم:

۱- در اسلام میزان تبعیت از حق و عدالت است ۲- تبعیت از رای اکثریت صرفا به لحاظ اکثریت پذیرفته نیست ۳- ساگر خواسته های مردم توأم با هواهای نفسانی و میل های شخصی بسودن توجه به حقانیت امر باشد در اسلام مطرود است و تبعیت از آن در قرآن مجید با شدت مورد نهی قرار گرفته است دیگر تکرار میکنیم با توجه به توضیحات یاد شده اگر رای اکثریت برخلاف حق باشد تبعیت از آن در شریعت اسلام ممنوع است و اکثریت (صرفا به لحاظ اکثریت) هرگز ملاک و میزان اعمال نخواهد بود بلکه اجماع و اتفاق امت هم اگر کاشف از حکم خدا و رای معصوم نباشد نمیتواند ملاک و معیار عمل باشد بنابراین اگر نتیجه شورا فقط حاکمیت دادن به اکثریت باشد بدون اینکه حقانیت موضوع ملاحظه شود نامشروع است."

"..... مجلس شورای اسلامی اگر بخواهد با حفظ حاکمیت اکثریت آرا با نظام شورا در اسلام منطبق باشد باید طوری ترکیب شود

ادبیات انقلاب و مکتب

حمایت از ولایت

ز خون پاک اکبرم ، ز شیر خواره اصغرم
کم حمایت من از ولایت
حسین این زمان ما خمینی بت شکن است
کم حمایت من از ولایت
به جبهه های حق روان ، برای دین بعثیان
به یاری امامان
کم حمایت من از ولایت
خمینی است رهبر ما ، منتظری سرور ما
به راه سرخ شهدا
کم حمایت من از ولایت
حرکت کنید بهر خدا ، بسوی قدس و کربلا
کم حمایت من از ولایت

مجاهد بشکرم ، تا که بود جان بکنم
کم حمایت من از ولایت
درس فدائاری من ، رمز وفاداری من
کم حمایت من از ولایت
شعار من شهادت است ، شهادت تمعادات است
کم حمایت من از ولایت
منم حسین این علی ، بذات حق منم ولی
بیانگ و آهنگ جلی ، بلطف حق ازلی
کم حمایت من از ولایت

که همه نمایندگان یا اکثر قریب به اتفاق آنها قدرت استنباط داشته باشند و در امور جاری در مجلس صاحب نظر باشند تا رای اکثریت کاشف قطعی یا کاشف غالبی از حقانیت موضوع باشد والا اگر بخواهد رای اکثریت (صرفا به لحاظ اکثریت) حاکم باشد مشروع نخواهد بود. در مقاله مرحوم علامه طباطبائی هم میخوانیم: "در مقررات ثابت اسلام واضح قوانین ثابت است اسلام خداست (فرا همه) و مقررات ثابت سایر روشهای اجتماعی مولود افکار جماعت و وضع شده ملت میباشد و همچنین در مقررات قابل تغییر در روشهای دیگر پایه اصل اساسی اراده و خواست اکثریت ملت است و همیشه آزادی و به عبارت دیگر شعور و اراده اقلیت (نصف افسراد منهای واحد) فدای خواست و مسند اکثریت ملت (نصف افراد) بعلاوه واحد میباشد خواه خواسته شان حق بوده باشد یا نه ولی مقررات قابل تغییر در جامعه اسلامی با اینکه نتیجه شورای مردم میباشد پایه اصلی آنها حق است نه خواست اکثریت و روی واقع بینی باید استوار باشد نه روی امیال و عواطف در جامعه اسلامی باید حق و صلاح واقعی اسلام و مسلمین اجرا شود خواه مطابق با اکثریت بوده و خواه نه."

ج) نحوه استمرار و جانشینی : در صفحه ۵۲ کتاب فلسفه امامت و رهبری نظر حجة الاسلامی شهری را به این شرح میخوانیم: "این واقعیتی است که تاریخ اسلام آنرا تجربه کرده و ثابت نموده که مسئله امامت تقلید کردنی نیست و اگر مسلمانان بخواهند اسلام در جامعه پیاده شود همه مردم باید در مسئله رهبری و تعیین رهبر صاحب نظر باشند و اجتهاد در این مسئله اقتضا میکند که جز رهبر منتخب خدا ، شایستگی رهبری ندارد."

نظر علامه طباطبائی در این مورد به شرح زیر است: "اکنون باید دید آیا برای اشغال این مقام در اسلام افرادی تعیین شده اند ؟ عقیده شیعه امامیه اینست که رسول اکرم (ص) امیرالمومنین علی ابن ابیطالب را برای این مقام تعیین نمود هاند . آنچه تذکر دادن آن در این مقام لازم است این است که نتیجه عقیده اختصاصی که شیعه دارد این نیست که در آن زندگی غیبت امام (ع) مانند عصری که ما در آن زندگی میکنیم جامعه اسلامی بی سرپرست ماند همانند گله بی شبان متفرق شوند و با سرگردانی به سر برند زیرا ما لایلی به ثبوت اصل مقام داشتیم و دلایلی به انتصاب اشخاص برای این مقام و البته شخص غیر از مقام است و در نتیجه نردن یا از میان رفتن شخص ، مقام از بین نمیرود و چگونه متصور است که روزی این مقام به علل و عواملی الغاء شود و حال آنکه این مقام از راه پایه گذاری فطری اسلامی به ثبوت رسیده و الغاء آن الغاء فطرت است و الغاء فطرت الغاء اصل اسلام است در جامعه اسلامی سیرت و سنت رسول اکرم باید اجرا شود و روش ولایت چند ساله آن حضرت معمول گردد زیرا نظر به اینکه مسئله ولایت (چنانکه گذشت) در جامعه اسلامی جنبه ثابت دارد و به همین جهت جزء شریعت است."

از آنجا که در کتاب "مخروج آزادی در ولایت فقیه" نوشته سید علی موسوی قید شده: "نقل مطالب این کتاب در نشریات و مجموعه ها بدون اجازه کتبی نویسنده ممنوع است" در قسمت بعدی مقاله به بررسی غیر مستقیم نظرات مطرح شده در آن خواهیم پرداخت.

"بنام خدای شهیدان"
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانگی که با خدا بستند وفا کردند پس برخی از آنها بر آن عهد ایستادگی کردند و شهید شدند و برخی در انتظار شهادت تندر و عهد خود را تغییر ندادند "سوره احزاب - آیه ۲۲"

دو سال از شهادت رزمنده جان پرکنی که با قلبی سرشار از محبت به معبود خویش و در آرزوی آزادی قدس از طریق کربلا روانه جبهه اسلام علیه کفر گشته بود گذشت. اینک دومین سالگرد شهادت این مجاهد را در حالی می گذرانیم که شاهد جوشش خون او و هزاران شهید دیگر در حمله دهه فجر برای آزادی کربلا هستیم. شهید مسعود براتی در نیمه شعبان روز ولادت حضرت مهدی سال ۱۳۴۰ در خانواده ای مذهبی بدنیا آمد. مسعود از همان اوایل زندگی خود علاقه فراوانی به خواندن کتابهای قرآن و نهج البلاغه و دعا و مطالعه روی زندگانی ائمه داشت. شور مذهبی و مطالعه او روی زندگی ائمه چراغ روشنی در زندگی وی بود و این موضوع در سیر فعالیت های او در دوران بعد از انقلاب بخوبی مشهود است. مسعود در فعالیت های انقلابی مردم تبریز از جمله قیام ثبات شکن ۲۹ بهمن این شهر شرکت فعال داشت و به همراه دوستانش با سهیل در محله شان راه عهده می گیرد. در طول انقلاب عشق او به مکتب و امامش بیشتر و نسبت به دشمنان انقلاب کینه دارتر میشد. بعد از پیروزی انقلاب مسعود با عشق به خط مجاهدین اولیه و نیاز به کار تشکیلاتی به جنبش ملی پیوست. چراکه آن موقع جنبش ملی ادعای پیروی از امام را داشت و در این جهت تبلیغ میکرد. مدتی بعد از این پیوند مسعود به بروجرد آمد و در طی آشنایی که با اعضای گروه شریعت پیدا کرده بخاطر فطرت پاک و عشقی که نسبت به خط امام و انقلاب داشت پس به ماهیت خیانتبار جنبش ملی برده و رابطه اش را با آنها قطع و از این پیوستگی فعالیت خود را با نهضت مجاهدین شروع کرد.

اکنون بعد از گذشت ۲ سال از شهادت مسعود امیدواریم بتوانیم با ذکر شیوه ها و ویژگی های مسعود آنها را الگو و راهنمای عمل خویش قرار دهیم تا روحش از ما شاد و راضی باشد.

۱- برآوردن اصیلترین نیاز امام و امت واحده در هر لحظه:

مسعود همیشه بدنیال تحقق اصیلترین نیاز امام در اعمال صالح زمان شرکت می نمود. در دوران انقلاب با آنکه موانع زیادی بر سر راهش بود در بسیجی از راهبیمانیها و تظاهرات شرکت میکرد و در قیام خونین ۲۹ بهمن نقش فعالی داشت. بعد از تجاوز رژیم کافر بعثی به میهن اسلامی روز بروز نیاز مسعود برای جبهه رفتن تشدید میشد تا اینکه بعد از مدتی در این امر موفق گشت.

البته مسعود جبهه را فقط در وجه نظامی آن نمی دید بلکه در کار سنگ کتی و تدارکات شرکت فعالی داشت و اینگونه اعمال را از عمل صالح خویش جدا نمی دانست.



بمناسبت دومین سالگرد شهادت برادر مجاهد شهید مسعود براتی گودرز

کنی و به پدرش که ارتشی است می گویند سعی کسین عضو ارتش اسلام باشی و در آخر همه آنها راه فطرتشان رجوع داده و می گویند قدری به خود آمده و ببینید که آیا راه اصیل اسلام را می بینائید؟ اگر در خط اسلام نیستید سعی کنید به آن برگشته و در راه الله از همه چیزتان بگذرید.

... و مسعود عاشق بود عاشق الله مکتب و امامش، عاشق آزادی قدس از راه خونبار کربلا، عاشق ... و با همین عشق در یک عمل صالح تهاجمی علیه کفر صدامی جهت آزادی آلبو غفری جنوبی در تاریخ ۱۸ بهمن بر شهادت بوسه زد.

می گریستند. همچنین او در برخی موارد با خانواده و اهل فامیل که با جبهه رفتن او تا احوال ماه مسعود با خون سرخ خوش آزاد اندازهای مخالف بودند سعی می کرد با کربلا را توهم کرد. شهادت یک مقطع نیست دادن نامه های مکرر و با نوشتن مسائل شهادت مرحله ای از زندگی است که پس از طی جبهه آنها را جذب انقلاب کرده و از این مراحل فعال شدن انسان به آن دست طریق موجب رشد آنها می گشت. در وصیت می یابد و مسعود این چنین بود.

اما مسعود زنده است و شاهد و ناظر بر همین احوال و اهل فامیل که با جبهه رفتن او تا احوال ماه مسعود با خون سرخ خوش آزاد اندازهای مخالف بودند سعی می کرد با کربلا را توهم کرد. شهادت یک مقطع نیست دادن نامه های مکرر و با نوشتن مسائل شهادت مرحله ای از زندگی است که پس از طی جبهه آنها را جذب انقلاب کرده و از این مراحل فعال شدن انسان به آن دست طریق موجب رشد آنها می گشت. در وصیت می یابد و مسعود این چنین بود.

برای مسعود برآوردن نیاز امام و امت واحده اعمال داشت فرقی نمیکرد این نیاز اسلحه بدوش گرفتن باشد و یا آبرسانی و سنگ کتی

"وصیت نامه مجاهد شهید مسعود براتی گودرز"
وصیت من مسعود به پدر و مادرم
بنام خدای شهیدان
خدمت پدر و مادرم عزیزم امیدوارم که از دوری من رنجی نبرید چون من هر جا که باشم برای اسلام میکوشم و برای خدا جهاد میکنم. پدر و مادرم عزیزم این راه را خودم انتخاب کرده ام و کسی آن را بمن تحمیل نکرده است. پدر و مادرم در خواب و بیداری هر روزی که میگذرد شاهد توطئه های شیطان بزرگ بعلیه اسلام و انقلاب ایران هستیم و هر روز شاهد رنجید متشدن امام از دست این جنایتکاران میباشیم. پدر و مادرم در زمان امام حسین مردم کوفه به امام پشت کردند و او را تنها گذاشتند و حالا ناپیش امام خمینی که راه او را میرود و فرستاد کفک سرید هم ما او را مثل مردم کوفه تنها خواهیم گذاشت بلکه قطره ای از دریای بیکران شهیدان راهش خواهیم بود. پدر و مادرم در این برهه از زمان شما باید حسین و ارفرزند ان خود را برای دفاع از اسلام بفرستاد و تا بهنگام امام مسلمان خمینی بزرگ با کافر بعثی بجنگند و این امری است که بپوشی از آن ماست. پدر و مادرم: قدری به خود آمده و ببینید که آیا راه اصیل اسلام را می بینائید؟ اگر در خط اسلام نیستید سعی کنید به آن برگشته و در راه الله از همه چیزتان و فرزند و مال و زن و غیره بگذرید و کفک تمام آنها را از طرف خداست و باید در راه او مصرف شود پدر و جان تو یک ارتشی هستی یکی از افراد ارتش اسلام، پس سعی کن که حامی امام بود و از او اطاعت کنی و از راهش منحرف نشوی. مادرم تو که فرزندت را با شادی به پیش جبهه روانه میسازی از شهادتش دلگیر و ناراحت نشو چونکه فرزندت در راه اسلام قدم برداشته.

مادرم: عزیزم، وصیت من به شما این است که زینب و ابراهیم خود که همان اسلام است اندامهای او را در زمان خمینی بزرگ بپوشی کرد و او را رهبرید انید و جان را فدای راهش سازید. مادرم سعی کن که هیچ شرکت کتی تا اگر روزی پسرت به شهادت رسید بتوانی ادامه دهنده راهش باشی. مادرجان سعی کن که در حفظ راه امام باشی و به دستورات او گوش فراد هید و بخواید که این پیروم را بیشتر از این اذیت نکنند. در حفظ راه امامی که از طرف نهاد های امام است شرکت کنید با منحررین که در شهرها دست به تضعیف انقلاب میزنند. مبارزه کنید مادرجان در صورت شهادت من برایم گریه نکنید بلکه از این کتوانسته های فرزندت را در راه اسلام بکنی بخود بیبال و افتخار کن چون خون من رنگین تراز خون حضرت قاسم ویا ۴۰۰ تن یاسد آری که در خورجین شهر به شهادت رسیدند نیست مادرم و پدرم برایم از فعالیت های محمد و محمود در گروه جلوگیری کنید و با جاسوسان بد هید که آنها را در گروه برای اسلام خدمت کنند.

پدر جان در صورت امکان اگر شهید شد پول ماهیانه مرا همراهش را با نصف آن راهبیمانیها بفرستد بعد از شهادت تم با سهامی اگر قابل استفاده بود به هید بچه ها از آنها استفاده کنند و بفرستد صورت آنها را در راه اسلام خرج کنید و در پایان باز تاکید میکنم که با با امامان شماره بخند اقسام هید هم که در خط اسلام بود موسی کنید سر از اسلام باشید و از شهید شدن فرزندتان ناراحت نشوید وصیت دیگری که روی آن فرستاد تاکید میکنم این است که وقتی به شهادت رسیدم به اهل فامیل بگویند: "مسعود راه اصیل را میرفت و هر کس که امام را قبول ندهد نباید برای فاتحه بر سر قبر من بیاید چون در فیر اینصورت بعد از شهادت خواهم کرد و آنها را نخواهم بخشید مادرجانم خوب تربیت کرد موسی کنید یکی از افراد امام خمینی یا امام زمان باشد در پیاسایان آرزوی طول عمر برای رهبر عزیزمان خمینی به سنگ کتی و از همه میخواهم که او را در زیر چتر حمایت خود از شر شیطان حفظ و محفوظ نگه دارد.

۲۹ آذر ۵۹ مطابق با ۱۳ مهر ۱۳۰۲ خورشیدی مسعود

عده ای نیاز زیادی به جبهه رفتن دارند ولی جبهه را تنها در خط مقدم رفتن می بینند و حاضر نیستند با مشکلات جبهه برخورد فعال کنند. اما مسعود با تمام مسائل جبهه برخورد فعال میکرد. بعنوان مثال مسعود با آنکه عشق زیادی به جنگیدن داشت و حتی در این امر تخصص زیادی پیدا کرده بود (موتت سام ۹) اما در امر سنگر کتی و آب رسانی نیز بسیار فعال بود چراکه نیاز امام و امت واحده، خویشش را در برآوردن این امر نیز میدید. برای او برآوردن نیاز امام و امت واحده اصلت داشت، فرقی نمی کرد این نیاز اسلحه بدوش گرفتن یا شد و یا آبرسانی و سنگر کتی. نمونه دیگر اینکه مسعود با آنکه نیاز از شنیدنی به شرکت در حمله داشت و سر این موضوع با فرمانده اش که گفته بود "در حمله نباید باشی" برخورد لفظی شدیدی کرده بود و عاقبت نیز توانست در عملیات شرکت کند، اما باز در طی حمله هر لحظه بدنیال برآوردن اصیلترین نیاز در عملیات بود، در هنگام پیشروی متوجه میشد که چند تن از برادرانش زخمی گشته اند و کسی برای مداوا و یا حمل آنها پیدا نمی شود، تنگش راه یکسری از همسنگران می سپرد و بدنیال بهیار برای برادران زخمی میرو و در این راه مانند حضرت عباس شهید میشود. آری مسعود همانند حضرت عباس به آبرسانی و کارهایسی از این قبیل که شاید بسیاری ارزش آن را در طی عمل صالح اندک می بیند اشتند می پرداخت مسعود در رسیدن به دستهای کتی در جبهه بود در صدد حل مشکلات همه برمی آمد مثلاً "مدتی از وقتش را صرف سواد آموزی یکی از افراد جبهه کرده بود، او در همه الحظاظ پویایی و تحرکش را حفظ میکرد و اینطور نبود که تا قبل از حمله وقتش را بیهوده به انتظار شروع عملیات بگذراند.

خون او به ما می گویند "عمل صالح صرفا در یک مقطع نیست بلکه لحظه لحظه ه ایمان باید عمل صالح باشد".

۲- برخورد هدایت آمیز:
یکی از ویژگی های بارز مسعود برخورد هدایت آمیز او با اطرافیان بود و با هر فردی که به میزان مرتبه وجودی اش برخورد فعال میکرد او هیچگاه با کسانی که نسبت به خط امام از هدیت داشتند به برخورد عکس العملی و تناقض نیافتاده و صبر و آرامش سوسوای خویش را حفظ میکرد. برخورد هدایت آمیز او با هواداران جنبش ملی به قدری در آنها تاثیر داشت که بعد از شهادتش زار زار

در جنگ جوهره انسان که باید همیشه متحرک و فعال باشد، بروزمی کند.
امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اصلي على ابي وانه عصه امري
واصلي على اخوتي وانها دار مقري
واللهامن مجاوره اللئام مقري

واجعل الحياه زباده لي في كل خير والوفاء راحه لي من كل شر

دعاي روز سه شنبه
بارالها اصلاح كن براي من دين مسرا زيرا آن نگهدار
شان من است و اصلاح كن بر من آخرتم را زيرا كه در آن خانه
قرارگاه من است و آن گريزگاه از نزديكي با مردمان پست
و قرارده زندگي را مایه زيادتي براي من در هر خير و مرگ
را آسايش بر من از هر شرى .

دعا

بخشى از دعاي روز سه شنبه

اين دعا ، دعاي مومنانى است كه تنها راه رسيدن
به مقام بالاتر نزد خدا را در اصلاح دين ميدانند و به اين
منظور در تمام اعمال و شيوه هاى روزمره شان دقت و تامل
بيشترى دارند چرا كه اصلاح دين چيزى جز اجراى
دستورات الهى و تحقق شيوه هاى اسلامى نيست . دعايى
كسانى كه درد جامعه را اصلاح دين جامعه دانسته و
معتقدند تنها راه اصلاح دين جامعه در اين است كه مردم
و مسئولين نگذارند كه چيزى جز اسلام در شيوه هاى حكومتى
شان نفوذ كند .

اين دعا ، دعايى كسانى است كه تنها به اسم مسلمان
بودن اكتفا نكنند بلكه براي مسلمان ماندن بهمايى
بيشترى قائلند و در اين جهت از دين خود مراقبت
منمايند و در اين راه از خدا يارى مى طلبند .
اين دعا دعايى متعين است . كسانى كه اين دنيا را
مسزعه آخرت دانسته و لذا معتقدند اگر بخواهند در آخرت
از افراد پست و فرومايه و دوزخى دورى گزينند در اين
دنيا نيز بايد با حفظ و بكارگيرى شيوه هاى حق مز خود
را از آنها جدا نمايند و دعايى كسانى است كه اطمينان
دارند تنها از طريق يارى افراد صالح در اين دنياست كه
مى توانند در آخرت نيز در جوار آنها باشند .
اين دعا ، دعايى مومنانى است كه در طول حياتشان
با طلب خير از خدا و عمل به تكليف الهى شان هم در اين
دنيا سعادت مندند و هم مرگشان نقطه عطفى است در جهت
رسيدن به خيرى بالاتر و قرب بيشتر به الله .

از كمر برباى ستم خونين شهر پيام ۸ ماده اى امام خمينى

بنام خداي شهيدان
من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا
الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم
من ينتظر وما بدلوا تبديلا .
شهادت در مكتب ما زندگي جاويد
است شهيد زنده و جاويد در همه
قرنها و دوره ها است شهيد حسسى
وحاضر وشاهد و ناظر است حضورش
در صحنه ها حس ميشود در هر زمان
و در هر كجا كه ظلم و ستمى است
اين فرهاد عصيان شهادت است كه
انسانهاى غافل را آگاه و به جانفشانى
وعصيان ميخواند . خون سخ شهيدا
رسالت بس سنگين ما را در تحقق
اهداف مكتبى ما بيشتر كرده و به
ما مى آموزد كه ان الحيوه و عقيدة
والجهاد .
غروب سى ام ديمه ۵۹ بود .
خورشيد جنوب فروميرفت كه ديگر بار
سحرگاهان گلگون از خون شهيدان ،
طلوع كند .
آتش خسته خسته ها مباريد .
همه جبهه ذوالفقار به آبادان را
گرفت . بچه ها سراسيمه از سنگرها بيرو
من آمدند . تقى شهيد شد تقى
شهيد شد .
آرى مجاهد محمد تقى باقرى
در غروب چنين روزه شهادت رسيد .
اينك دو سال از آن روز ميگذرد . ياد
اوراد و شرائطى گرامى ميدارم كه
امام بت شكن بر عليه شيوه هاى غير
اسلامى بانك بر آورده است . همان
شيوه هاى كه شهيد تقى را در
رسيدن بقرنوش كمر رفتن به خونين شهر
بود مانع شد زندگي او در رسهاى بسيار
آموزنده هاى براي رهروان راهش داشت
كه ما در اين شرايط به گوشه هاى از آن
اشاره ميكنيم .
مجاهد شهيد محمد تقى باقرى

چپ و راست نيفتاده و با تكيه بر خط
اصيل انقلاب به دفع موانع مى پرداخت
در آغاز جنگ نهضت مجاهدين
عمده نيروى خود را به جبهه ها برد
تا در نبرد مقدس وظيفه خود
را انجام دهد . ولى از همان
اول با سنگ اندازى هاى مختلفى

سرفرازى



روبرو شد . از همان آغاز جريانى
خاسر سعى داشت به انحاء مختلفه
با ايجاد موانع گوناگون برادران را
از جبهه منزوى واخراج نمايد كه
بالاخره موفق هم شد . پس از اين
جريان بود كه نهضت با جمع بندي
عملكرد خود و برخورد هاى غير اسلامى
به اين نتيجه رسيد كه دستهاى
مروزي براي انزوايى تصفيه متعهدين
در كار است . چرا كه شعار و خواست

كتاب خود سازى و مكتب
سيماييك مجاهد همه جانبه
است . مجاهدى كه اسلام را هممايى
عملش شده بود و خدا و صفاتش از
قييل عدل و علم و رحمت مبناي همه
كارها و شيوه هاى مبارزه و زندگيش
بود . بدين لحاظ او فقط تخصص در
مبارزه نداشت بلكه در همه وجوه رشد
كرده بود .
و اين است رمز خود سازى و كاد رسازى
انقلابى كه نياز ميم انقلاب خونبار
اسلامى ميباشد تا از افتادن آن بدام
فرصت طلبان و غايت طلبان چپ و
راست جلوگیری شود .
بقول شهيد :
مشكلات انقلاب ما را تنها كاد رهاى
همه جانبه و مكتبى مى توانند حل
كنند .

برادران چيزى جز حمله و حركت
و دفع تجاوز به شيوه انقلابى
و آزاد سازى خونين شهر به شيوه
كربلايى مستمر نبود .
شهيد تقى نيز خود از نزديك
با چنين موانعى برخورد داشت .
از همان زمان كه به اهواز رفت

سرفرازى

و با برخورد هاى غير مكتبى با مبارك
گروهگرايى و ماركهاى ديگر دست
رد به سينه شهيد تقى مى زد .
بعنوان مثال در يكى از بحثهاى
برادر رسه تقى گفته بود ، شما
دستان تا مرفق به خون شهيد اى
كردستان آلوده است . " برويد !"
تقى ميدانست كه اين گفته
و در حقيقت مسارك چقدر دور
از واقعيت است . او گسترش شيوه
هاى غير اسلامى را در آيد
و ايجاد موانع بيشتر پيش بينى
مى نمود . در يكى از خاطراتش چنين
مى گويد .
" صبح كه بچه ها بيرون رفتند
و مسئول سپاه به آنها گفته بود كه
شما هر وقت خواستيد برويد كارهايتان
رايد هيست . يعنى اينكه برويد . اين
آخرين نتيجه اى بود كه گرفتيم . الا ن
حدود ۴ روز است كه ما در اين
اردوگاه بسمر ميمروم و اين خيلى
دردناك است كه پس از ۴ روز علاقى

لايه مجده
مهندس لطف الله ميني
مخدوق پستى: ۷۱/۵۴۲
اين پا نزد همين شماره راه مجاهدين است كه با اهداف
مذكور در آئين نامه منتشر شده است و
كليه انتقادات و بيشنهادها و طرحهاى خود را در جهت
بهبود كيفيت نشر به هر چه سريعتر در اختيار ما قيسر
دهيد .
با تشكر ، راه مجاهد